



مجموعه‌ای که پیش روی شما است تحلیل برخی رویدادهای مهم است که محورهای آن در نشست‌های هم‌اندیشی سیاسی با حضور نخبگان و صاحب‌نظران این عرصه تعیین و توسط کارشناسان مسائل روز تدوین و نگارش می‌گردد.

تلاش نویسندگان و تحلیل‌گران بر این است که مطالب ارائه شده نزدیک‌ترین تحلیل به دیدگاه‌های مقام معظم رهبری مدظله‌العالی باشد و مورد توجه و استفاده سخنرانان برای طرح در مناظر قرار گیرد. خوشحال خواهیم شد نظرات و پیشنهادات اصلاحی را برای تکمیل این مجموعه ارسال نمایید.

معاونت فرهنگی هیأت رزمندگان اسلام



هیأت رزمندگان اسلام

تلفن : ۸۸۹۶۰۴۳۰

نمبر : ۸۹۷۸۰۳۱۳

پست الکترونیک : info@eheyat.com

شماره پیامک : ۶۶۰۰۰۹۹۷۵۵



تکلیف و حجاب

با آثار و مقالاتی از:

دکتر یدالله جوانی

دکتر رسول سنایی راد

عباس حاجی نجاری

رضا داوری

دکتر علیرضا معاف

دکتر یدالله جوانی

۴ تا ۱۷

چگونه از تحریف مکتب امام جلوگیری کنیم؟

عباس حاجی نجاری

۱۸ تا ۳۵

شاخصه های انقلابیگری و الزامات انقلابی ماندن

رضا داوری

۳۶ تا ۶۷

چرا رهبری نظام نگران کاهش جمعیت ایران هستند؟

دکتر رسول سنایی راد

۶۸ تا ۷۹

چرایی انجام تغییرات اقتصادی در دولت سیزدهم و الزامات موفقیت آن

دکتر علیرضا معاف

۸۰ تا ۹۶

شاخصه های دولت مردمی و دولت غیر مردمی در آیات قرآن و روایات اهل بیت (علیهم السلام)

تَحْلِيلُ وَدَلِيلُهَا



دکتر بداله جوانی

چگونه از تحریف کتب امام جلوگیری کنیم؟

تحریف مکاتب الهی، شخصیت های دینی و برجسته و رهبران انقلاب ها، یکی از مسلمات قطعی تاریخی به شمار می آید. به عبارت دیگر خطر تحریف، بزرگترین خطری به شمار می آید که هر انقلاب و هر مکتب و صاحب مکتبی را تهدید می کند. بر همین اساس، با توجه به جایگاه حضرت امام خمینی (قدس الله نفسه الزکیه) و مکتب ایشان در انقلاب اسلامی، تحریف مکتب امام از سوی دشمنان و منحرفان یک امر قطعی بوده و باید برای حفظ انقلاب اسلامی، از تحریف این مکتب جلوگیری کرد. رهبر حکیم انقلاب اسلامی در سال های گذشته همواره مردم و جریان مومن انقلابی را نسبت به این خطر هشدار داده و در مراسم سالگرد امام در سال جاری نیز فرمودند: نگذارید امام در جامعه کم رنگ شود و تحریف گردد. از دیدگاه معظم له حضرت امام (ره) روح جمهوری اسلامی بوده و اگر بخواهیم هویت انقلاب اسلامی را حفظ کنیم، باید با خطر تحریف مکتب حضرت امام (ره) به صورت منطقی و اثربخش مقابله کرده، همواره آراء و اندیشه های آن عزیز سفر کرده را زنده نگه داشته و بر اساس این اندیشه ها، حرکت انقلاب اسلامی را به سمت آرمان های الهی اش استمرار بخشیم. در این نوشتار، به اختصار موضوع تحریف مکتب امام (ره) جریان تحریف گر و راه های مقابله با جریان تحریف مورد بررسی قرار می گیرد.

مقدمه

تجربه تاریخی نشان می دهد که بزرگترین دشمن برای مکاتب توحیدی، جریان تحریف گر می باشد. انقلاب بزرگ حضرت موسی علیه السلام با تحریف مواجه شد و آسیب دید. نهضت اسلامی و انقلاب پیامبر عظیم الشان اسلام نیز پس از رحلت آن حضرت، با خطر تحریف مواجه گردید و متاسفانه با سقیفه، بزرگترین انحراف تاریخ رقم خورد و نتیجه این انحراف و تحریف، پدید آیی اسلام اموی در برابر اسلام نبوی بود. استمرار این نوع تحریف ها در تاریخ اسلام از صدر تا کنون، موجب شده که امروز به تعبیر رهبر حکیم انقلاب اسلامی، با دو نوع

اسلام مواجه باشیم؛ اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و سلم و اسلام آمریکایی. به طور قطع ریشه تمامی مشکلات در جهان اسلام و مشکلات بی شماری که مسلمانان در طول تاریخ با آن دست و پنجه نرم کرده اند، به همین تحریف های در مکتب اسلام و مکتب پیامبر عظیم الشان اسلام بر می گردد. بر همین اساس، باید خطر تحریف انقلاب اسلامی و تحریف مکتب امام (ره)، را جدی گرفت و با آن مقابله کرد. دشمنان به تجربه تاریخی دریافته اند که برای تحریف هر انقلابی، باید نرم افزار و اندیشه ها و عقایدی که مبتنی بر آن انقلاب شکل گرفته را تحریف کرد. به تعبیر رهبر حکیم انقلاب اسلامی، مکتب امام، اندیشه های امام و در یک کلام سیره نظری و عملی امام (ره)، نرم افزار اصلی انقلاب اسلامی به شمار می آید. ایشان در بیانات روز ۱۴ خرداد سال جاری، به جوانان انقلابی توصیه کردند برای حفظ انقلاب اسلامی پیش بردن کشور و رساندن آن به قله های پیشرفت، عزت و افتخار، هیچ نرم افزاری مطمئن تر از امام و سیره امام وجود ندارد. با چنین نگاهی حضرت امام خامنه ای (مدظله العالی)، در توصیه های هفت گانه خود، مکتب امام (ره) را هم مورد توجه قرار داده و فرمودند: «نگذارید امام در جامعه کم رنگ شود.»، «نگذارید امام تحریف شود.»

به طور قطع مخاطب رهبر حکیم فرزانه انقلاب اسلامی در این عبارت "نگذارید" همه اقشار و آحاد جامعه، به ویژه نخبگان، علما و اصحاب رسانه و صاحبان تربیون هستند. سخنرانان مذهبی و مداحان اهل بیت سلام الله علیهم و دست اندرکاران هیات های مذهبی، وظیفه سنگینی در راستای حفظ و زنده نگه داشتن مکتب امام (ره) و مقابله با جریان تحریف گر مکتب آن عزیز سفر کرده بر عهده دارند. در این نوشتار با بهره گیری از رهنمودها و بیانات مقام معظم رهبری، اول به این سوال پاسخ داده می شود که تحریف مکتب امام و واقعیت دارد یا خیر؟ و اگر واقعیت دارد به چه صورت انجام می شود، و دوم به این سوال پاسخ داده می شود که تحریف گران چه کسانی هستند و چگونه می توان با آنان مقابله کرد و جلوی تحریک مکتب امام (ره) را گرفت؟

آیا تحریف مکتب امام واقعیت دارد؟

رهبر حکیم انقلاب اسلامی در طول ۳۳ سال گذشته، بیشترین اهتمام را برای زنده نگه داشتن مکتب امام داشته و با رصد دقیق تحولات، بر این اعتقاد می باشند که، تحریف اندیشه و شخصیت حضرت امام (ره)، یک پروژه واقعی طراحی شده از سوی دشمنان خارجی و جریان های منحرف داخلی است. معظم له در این خصوص، در مراسم سالگرد

رحلت امام خمینی (ره) در ۱۴/۳/۱۳۹۶ فرمودند: «اکثر شما می دانید که انگیزه هایی برای تحریف شخصیت امام و تحریف انقلاب که بزرگ ترین هنر امام بزرگوار بود، هست.»

حضرت امام خامنه ای (مدظله العالی) که در سال های گذشته، همواره نسبت به خطر تحریف امام هشاره های لازم و پی در پی داده اند، در بیانات ۱۴ خرداد سال ۱۳۹۴، چستی تحریف امام را تشریح نموده و اظهار کردند: «معمولا عنوان تحریف را و اصطلاح تحریف را درباره ی تحریف متن به کار می بریم، آیا شخصیت ها را هم می شود تحریف کرد؟ بله تحریف شخصیت ها به این است که ارکان اصلی شخصیت آن انسان بزرگ، یا مجهول بماند یا غلط معنا شود، یا به صورت انحرافی و سطحی معنا شود، همه اینها برمی گردد به تحریف شخصیت شخصیتی که الگو است، امام و پیشوا است. رفتار او گفتار او برای نسل های بعد از خود او راهنما و رهنمود است، اگر تحریف شود زیان بزرگی به وجود خواهد آمد.»

مصادیق و چگونگی تحریف امام

باقطعی دانستن پروژه تحریف امام (ره)، رهبر حکیم انقلاب اسلامی برخی از حيله ها و چگونگی تحریف مکتب رهبر حکیم انقلاب اسلامی را اینگونه تشریح می کنند.

۱- معرفی امام به عنوان یک فرد انقلابی خشن

در تبلیغات جهانی خود، امام را به صورت یک انقلابی خشک و خشن - از نوع آنچه در تاریخ انقلاب های بزرگ و معروف عالم مثل انقلاب فرانسه، انقلاب مارکسیستی شوروی و بعضی از انقلاب های دیگر می شناسیم - معرفی می کنند؛ یک انسانی که خشک است و خشن است و گره ابروی او باز نمی شود و صرفا نگاه می کند به مقابله با دشمن و هیچ عاطفی ای، هیچ انعطافی در او نیست، امام را اینجور معرفی می کردند که این غلط بود. (بیانات ۱۴/۳/۱۳۹۴)

۲- نسبت دادن برخی حرف ها به امام

در داخل هم بعضی ندانسته، بعضی هم دانسته، تحریف می کردند؛ حتی زمان حیات خود امام، هر حرفی را به نظرشان پسندیده بود، به امام نسبت می دادند در حالی که ارتباطی به امام نداشت. بعد از رحلت امام هم همین جریان ادامه

داشته است؛ حتی تا آنجایی که بعضی حرفا و بعضی اظهارات، امام را به صورت یک آدم لیبرال که هیچ قید و شرطی در رفتار او در زمینه های سیاسی، حتی در زمینه های فکری و فرهنگی وجود ندارد معرفی می کنند. این هم به شدت غلط و خلاف واقع است. (بیانات ۱۳۹۴/۳/۱۴)

۳- محصور کردن امام به حیطه معنویات

یکی از حیطه های تحریف مکتب و شخصیت امام (ره)، خوانش صرفاً معنوی از خط امام (ره) است. رهبر حکیم انقلاب اسلامی در پاسخ به این تحریف امام (ره) می فرماید: «بعضی دل های غافل، ممکن است خیال کنند که راه امام و خط امام، معنویات و آخرت را برای مردم تأمین می کند، اما دنیایشان آباد نمی شود! این خطا است. راه خدا برای انسان ها، دنیا و آخرت را آباد می کند؛ زندگی را شیرین و آسان می کند و فشار تحمیل دشمن را از سر آنها برمی دارد و کم می کند. راه خدا اینگونه است و راه امام نیز همین راه خداست.»

(بیانات ۱۳۷۵/۳/۱۶)

تاریخی خواندن شخصیت امام و پایان بخشیدن به دوران آن

یکی از شیوه های تحریف حضرت امام (ره) در دهه هفتاد، تاریخی خواندن ایشان بود. در همان زمان رهبر حکیم انقلاب اسلامی نسبت به این تحریف امام هشدار داده و فرمودند:

«دشمنان اسلام و مسلمین می خواهند نام امام زایل شود و از بین برود و یا کم رنگ گردد. می خواهند و انمود کنند این حادثه که پیش آمد و اتفاق افتاد، گذشته است. می خواهند در آینده تاریخ اثری نداشته باشد. ملاحظه می کنید در اعمال این تصمیمات، شیوه ها و طرقی هم به کار می برند؛ مثل تبلیغات زهر آگین و تحریف ها و لجن پراکنی ها، این چیزها، در همه جای حوزه نفوذ قدرت های استکباری وجود دارد.» (بیانات ۱۳۷۵/۳/۱۶)

در دوره اصلاحات جریان انحرافی و تحریف گر امام، تلاشی بسیار داشت با هم امام را تحریف کرده و هم ایشان را به موزه تاریخ بسپارد. در حاشیه اجلاس برلین، اکبر گنجی از فعالان اصلاح طلب شرکت کننده در این اجلاس، در پاسخ به سوال خبرنگار روزنامه آلمانی مینی بر اینکه، اصلاحات مورد نظر شما در ایران چیست؟ می گوید، اصلاحات یعنی اینکه شما در آینده خمینی را در تاریخ خواهید دید! در واقع این جریان به دنبال پایان بخشیدن به تفکر و اندیشه امام در ایران بود. مقام معظم رهبری نسبت به این

نوع تلاش‌ها و واکنش‌شان نشان داده و می‌فرمایند: «امام را نباید به عنوان صرفاً یک شخصیت محترم تاریخی مورد توجه قرار داد؛ بعضی این جور می‌خواهند. امام یک شخصیت محترمی است در تاریخ این کشور که روزگاری بود، فعال بود، مفید بود، بعد هم از میان جمعیت رفت و روزگار او تمام شد. احترامش می‌کنیم، نامش را هم با تجلیل می‌آوریم، صرفاً همین؛ بعضی می‌خواهند امام را این‌جور بشناسند و بشناسانند و این‌جور تلقی کنند این غلط است. (بیانات ۱۳۹۴/۳/۱۴)

آثار و پیامدهای کمرنگ شدن امام در جامعه

تحریف امام، فراموش کردن امام و یا کمرنگ شدن شخصیت و اندیشه امام در جامعه، دارای عواقب بسیار خطرناکی خواهد بود. رهبر حکیم انقلاب اسلامی نسبت به آثار و پیامدهای چنین رخداد خطرناک، بارها هشدار داده‌اند، معظم‌له در مراسم سالگرد ارتحال حضرت امام (ره) در ۱۳۹۴/۳/۱۴ در همین خصوص فرمودند:

«اگر ملت ایران بخواهد به آن هدف‌ها برسد، بخواهد این راه را ادامه بدهد، باید راه امام بزرگوار را درست بشناسد، اصول او را درست بشناسد، نگذارد شخصیت امام را تحریف کنند که تحریف شخصیت امام، تحریف راه امام و منحرف کردن مسیر صراط مستقیم ملت ایران است. اگر راه امام را گم کنیم یا فراموش کنیم یا خدای ناکرده عمداً به کنار بگذاریم، ملت ایران سیلی خواهد خورد.»

از منظر حضرت امام خامنه‌ای (مدظله العالی)، آراء و اندیشه‌های امام راحل همانند سدی مستحکم در مقابل قدرت‌های شیطانی، مانع نفوذ آن در کشور می‌شود و چنانچه این اندیشه‌های دشمن‌شکن نادیده انگاشته شود خطرات جدی متوجه کشور خواهد شد.

معظم‌له این خطر را این‌گونه هشدار داده و می‌فرمایند:

«همه باید بدانند که با هاضمه‌ی سیری ناپذیر استکبار جهانی چشم از کشورمان برنداشته است، یک کشور بزرگ، یک کشور ثروتمند، یک کشور واقع شده در یک چهارراه حساس جهانی، برای قدرتمندان دغل باز عالم خیلی مهم است. این‌ها دست از طمع خود برنداشته‌اند، چشم برنداشته‌اند، فقط آن وقتی عقب خواهند نشست که شما ملت ایران آن چنان قدرتی پیدا کنید،

آن چنان پیشرفتی پیدا کنید که امید آنها قطع بشود. اینجاست که خطر تحریف امام اهمیت پیدا می‌کند؛ اگر شخصیت امام تحریف شد، بد معرفی شد، غلط معرفی شد، همه‌ی این خطرات بزرگ متوجه ملت ایران خواهد شد.» (بیانات ۱۴/۳/۱۳۹۴)

ضرورت شناخت امام از سوی نسل جوان

چه ضرورتی دارد که نسل جوان، شخصیت امام و اندیشه‌های ایشان را بشناسد؟ مقام معظم رهبری در مراسم سالگرد رحلت امام در سال ۱۴۰۱، از امام بزرگوار به عنوان «روح جمهوری اسلامی» یاد کرده و فرمودند:

«اگر این روح جمهوری اسلامی گرفته بشود و مورد بی‌توجهی قرار بگیرد، نقشی بر دیوار باقی خواهد ماند.» به عبارت دیگر از نظر رهبر معظم انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی منهای امام، دیگر جمهوری اسلامی واقعی نخواهد بود.

حضرت امام خامنه‌ای (مدظله العالی) در باب ضرورت شناخت امام (ره) از سوی نسل جوان کشور در بیانات ۱۴ خرداد سال ۱۴۰۱ فرمودند:

«نسل جوان و هوشمند ما که قرار است مسئولیت ملی و انقلابی گام دوم این انقلاب را بر عهده بگیرد و آینده این کشور را اداره بکند، احتیاج دارد به یک نرم افزار واقعی. برای اینکه بتواند راه انقلاب را درست طی کند که این انقلاب، ایران را به منتهای قله خواهد رسانید، احتیاج دارد به یک نرم افزار مطمئن و جامع که بتواند به او کمک کند. این نرم افزار که می‌تواند شتاب دهنده باشد، کمک کننده باشد و حتی در مواقعی تحول آفرین باشد، عبارت است از درس‌های امام؛ درس‌هایی که هم در گفتار امام، هم در رفتار امام، می‌توان آنها را جستجو کرد و یافت.»

نسل جوان باید با نقش بی‌بدیل حضرت امام خمینی (ره) در به پیروزی رساندن انقلاب اسلامی و رهایی بخشیدن به کشور و ملت از چنگال استکبار جهانی، به درستی آشنا شود. اگر جوانان به این نکته توجه کنند که انقلاب اسلامی بدون رهبری حضرت امام راحل، امکان پیروزی نداشت، به طور قطع بیشتر قدر امام را خواهند دانست و برای آشنایی با شخصیت و اندیشه‌های آن بزرگوار تلاش خواهند کرد.

مقام معظم رهبری در مورد نقش و جایگاه رهبری امام در نهضت و انقلاب اسلامی در بیانات ۱۴ خرداد سال جاری فرمودند: «انقلاب را مردم پیروز کردند، اما آن دست قدرتمندی که توانست این اقیانوس را به تلاطم دریاورد، آن دست قدرتمند دست چه کسی بود؟ این مهم است. آن دست قدرتمند، آن شخصیت فولادین، آن دل مطمئن،

آن زبان ذوالفقارگونه که توانست میلیون ها انسان را از قشرهای مختلف وارد میدان کند، اینها را در میدان نگه دارد، یاس و ناامیدی را از اینها دور کند، جهت حرکت را به اینها تعلیم بدهد، عبارت بود از امام بزرگوار، او عبارت بود از خمینی عظیم!»

جریان شناسی تحریف کنندگان مکتب امام (ره)

برای مقابله با جریان تحریف گر در مکتب امام (ره)، باید اولاً این جریان و عناصر آن را شناخت و ثانیاً با چگونگی تحریف امام (ره) از سوی این جریان آشنا شد. با یک بررسی اجمالی می توان مهم ترین جریان های تحریف گر در مکتب امام (ره) را به صورت زیر دسته بندی کرد:

۱- برخی از یاران اولیه امام (ره)

در هر انقلابی با گذر زمان، برخی از نیروهای انقلابی تغییر موضع داده و از روحیات و مواضع انقلابی و تلاش برای تحقق آرمان و اهداف انقلاب فاصله می گیرند.

این اتفاق در انقلاب اسلامی و برای برخی از نیروهای انقلابی و از جمله برخی از یاران همراه امام در جریان مبارزات و پیروزی انقلاب و سال های پس از آن رخ داد و هم اکنون، شاهد افرادی هستیم که روزگاری با امام بودند و اینک به لحاظ فکر و اندیشه، در مقابل امام!

با توجه به اعتبار و جایگاه حضرت امام در جامعه از یک سو، و اعتبار یافتن این افراد در جامعه به واسطه ارتباط و همراهی با امام از سوی دیگر، برخی از این افراد فاصله گرفته از امام، به جای اعتراف نسبت به انحراف خود از مسیر امام، تلاش می کنند با تحریف شخصیت و اندیشه امام، همچنان امام را موید خود معرفی کنند.

۲- دشمنان خارجی

دشمنان خارجی با بهره گیری از ابزار رسانه و در راستای جنگ شناختی علیه انقلاب اسلامی و ملت ایران، تلاش می کنند تصویری خشن و غیر منطقی از حضرت امام (ره) ارائه دهند. هدف اصلی دشمنان از اینگونه تصویرسازی غلط و منفی از شخصیت امام (ره) ایجاد حسن بدبینی در جامعه و به ویژه در نسل جوان نسبت به امام است.

۳- اصلاح طلبان و جریان غربگرا

گروه و یا جریان سوم تحریف کننده امام (ره)، برخی از نخبگان فکری اصلاح طلب و عناصر لیبرال و غرب گرا هستند. معمولاً این افراد برای کاهش تاثیر امام در جامعه و ایجاد موقعیت برای خود، دست به تحریف امام می زنند.

۴- صاحبان ثروت های بادآورده و دنیاگرایی بعد از انقلاب

کسانی که در دوران بعد از انقلاب اسلامی، با وجود داشتن سابقه انقلابی و ساده زیستی، در مسیر دنیاگرایی افتاده و صاحب و ثروت های بادآورده شده اند این قبیل افراد نیز بعضاً برای توجیه مواضع و رفتار خود، دست به تحریف مکتب امام (ره) می زنند.

شباهت و نسبت های ناروای مطرح شده در خصوص امام (ره)

یکی از اقدامات دشمنان و جریان های تحریک کننده حضرت امام (ره) ایجاد شبهه و وارد ساختن یک سری از اتهامات بی پایه و اساس به امام (ره) در جامعه می باشد. اتهاماتی از قبیل:

۱. اتهام یکه سالاری و انحصارگرایی به حضرت امام (ره)
۲. اتهام خشونت گرایی و برخورد شدید با مخالفین
۳. اتهام پایبند نبودن امام به قانون و انجام اقدامات فراقانونی
۴. اتهام فقدان آزادی در زمان امام (ره)
۵. متهم ساختن حضرت امام (ره) به رفتارهای پوپولیستی
۶. طرح این شبهه که اگر امروز امام زنده بود، آیا وضعیت همین طور بود؟
۷. القاء این مطلب که اگر امام زنده بود، به خاطر حل مشکلات مردم، با آمریکا کنار می آمد!

چگونه با جریان تحریف گر باید مقابله کرد؟

با علم واقعی بودن تحریف مکتب امام (ره) و فعال بودن یک جریان تحریف گر در این عرصه از یک طرف و ضرورت حفظ مکتب و اندیشه های امام راحل برای بقای انقلاب اسلامی و دفع خطرات متوجه کشور و ملت از طرف دیگر، به این پرسش باید پاسخ داد که چگونه می توان با تحریف مکتب امام (ره) مقابله کرد و نگذاشت مکتب رهبر کبیر انقلاب اسلامی گرفتار خطر تحریف شود؟

راهبرد اصلی برای مقابله با جریان تحریف، بازخوانی مستمر اندیشه ها، اصول، مبانی، اهداف و آرمان های امام در جامعه به طرق مختلف و آشنا سازی نسل جوان با خمینی

حقیقی و واقعی است. جریان تحریف گر تلاشش بر تصویرسازی غیر واقعی و مخدوش از امام می باشد و کسانی که می خواهند با تحریف مقابله بکنند، باید هنر و توانایی تصویرسازی درست و واقعی از امام را داشته باشند. باید در کشور برای نسل جوان نهضت صحیفه خوانی به راه انداخت. باید با استفاده از ابزار رسانه و تریبون های مختلف به اقتضای شرایط و نیاز، اصول و مبانی فکری امام را بازخوانی کرد. باید مسئولین کشور خط امام و راه امام را همیشه مدنظر قرار دهند. باید وصیت نامه سیاسی - الهی حضرت امام را به عنوان نقشه راه، همیشه پیش روی در تمامی عرصه ها و زمینه ها داشت و این کاری می باشد که پرچمدار اصلی اش رهبر حکیم انقلاب اسلامی است.

مقام معظم رهبری در همان روزهای اول رسیدن به رهبری با صراحت فرمودند: «راه ما راه امام است و ما با قوت این راه را ادامه خواهیم داد.» با گذشت ۳۳ سال از زمان بیان این جمله تاریخی، همه آگاهان شهادت می دهند که مقام معظم رهبری در این گفته خویش صادق بوده و نه تنها راه امام (ره) را با قوت ادامه داده، بلکه بیش از هر کس دیگری، در تبیین مکتب امام و صیانت از اندیشه و شخصیت امام کوشش کرده است.

معظم له همه ساله در سالگرد ارتحال حضرت امام (ره)، موضوع بیاناتشان امام و بازخوانی مکتب امام و شرح آن است.

بر اساس همین سیره و سنت همیشگی، در سالگرد ارتحال امام (ره) رهبر معظم انقلاب اسلامی، ضمن تشریح جایگاه و نقش و موقعیت امام (ره) در انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی و تصریح بر این نکته که امام روح جمهوری اسلامی و نرم افزار مطمئن انقلاب اسلامی می باشد، به شرح خصوصیات و ویژگی های امام پرداختند. در ادامه این نوشتار، معرفی امام و شخصیت استثنایی ایشان و دیگر ابعاد امام از بیان رهبری در ۱۴ خرداد سال جاری در مرقد مطهر دنبال می شود.

خصوصیات شخصی امام رحمه الله علیه

مقام معظم رهبری فرمودند: «در مورد خصوصیات شخصی امام بزرگوار به معنای واقعی کلمه یک آدم ممتاز بود؛ واقعا ممتاز بود بنده واقعا در طول تاریخ خودمان هم کسی که همه این خصوصیات رو با هم داشته باشد سراغ ندارم.»

خصوصیاتی مانند:

۱. پاک و پرهیزکار بود.
۲. اهل معنویت و حالات عرفانی بود، اهل سحر بود.
۳. اهل نظافت روحی بود؛ این کتاب‌های معنوی امام مثل آداب الصلاه، مثل شرح حدیث [جنود عقل و جهل را امام تقریباً در جوانی یا اوایل میانسالی - حدود چهل سالگی - نوشته بود؛ از جوانی این جور بود.
۴. امام جمع کرده بود بین حماسه و عرفان؛ هم حماسه ساز بود، هم دارای معرفت و معنویت بود.
۵. از لحاظ اخلاقی به معنای واقعی کلمه شجاع بود.
۶. دارای حکمت و عقلانیت بود؛ اهل محاسبه بود. تردید و تزلزل در کارش وجود نداشت.
۷. هرگز مایوس نمی‌شد؛ این همه حوادث در همان سال‌های اول انقلاب رخ داد، این شهادت‌ها، شهادت‌های دسته جمعی، حوادث گوناگون، ولی مطلقاً در دل امام تاثیر نگذاشت که ایشان را مایوس کند.
۸. به معنای واقعی کلمه اهل صداقت بود، صادق بود، هم با خدا صادق بود، هم با مردم صادق بود.
۹. به وعده خود، به عهد خود پایبند بود.
۱۰. بسیار منظم و وقت شناس بود.
۱۱. اهل توکل بود؛ به وعده‌ی خدا اطمینان داشت.
۱۲. مبارز بود.

هدف امام از قیام چه بود؟

یکی از جنبه‌های تحریف امام (ره)، تحریف در هدف امام از قیام و مبارزه علیه حکومت پهلوی و ساقط کردن شاه است. عده‌ای این چنین القاء می‌کنند که امام هم دنبال قدرت بود و با انقلاب تنها اتفاقی که افتاد این بود که یکی رفت و دیگری جایش آمد؛ برای آشکار شدن این دروغ و جلوگیری از تحریف این بعد از سیر امام (ره) باید به صورت دقیق، اهداف امام از قیام علیه طاغوت را بازخوانی کرد.

مقام معظم رهبری بارها به تشریح اهداف امام (ره) از قیام پرداخته و در بیانات ۱۴ خرداد

سال جاری نیز به این مهم اشاره کرد و فرمودند:

«همان که در یادداشت معروفشان در دوران جوانی در دفتر مرحوم وزیری یزدی (ره) نوشته اند: قُلْ إِنَّمَا أُعْطِیْتُ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَ خِیَامٍ قِیَامِ اللَّهِ که این قیام لله ریشه قرآنی بسیار مستحکمی دارد. قیام لله، در یک دوره به شکل مبارزه آن چنانی است، در یک دوره به شکل کار علمی است، در یک دوره به شکل حرکت سیاسی است، اما در همه اینها هدف قیام لله است.»

مقام معظم رهبری با تصریح و تاکید بر اینکه هدف اصلی امام قیام لله بود، تاکید می‌کند هدف در قیام لله سه چیز است:

۱- اقامه حق ۲- اقامه قسط و عدل ۳- ترویج معنویت.

معظم له با چنین مقدمه‌ای در شرح اهداف امام می‌فرماید:

«اقامه حق و عدل هدف امام بود، اما آیا در زیر سقف که نکبت بار حکومت پهلوی، یا هر حکومت وابسته‌ای می‌شود اقامه حق و عدل کرد؟ طبعاً امام دنبال این حرکت بود که این سقف نکبت بار حکومت پهلوی را از روی سر این ملت بردارد، برطرف کند و میدان را برای حرکت اینها و قیام این‌ها و پیشرفت این‌ها فراهم کند.»

آری کار امام هم جنبه نفی داشت و هم جنبه اثبات. اول نفی رژیم طاغوتی پهلوی و بعد اثبات یک عرصه سیاسی مطلوب که مردم را به پیش ببرد.

نکات برجسته در دوران نفی و اثبات

از نظر مقام معظم رهبری چند نکته برجسته و قابل توجه در دوران مبارزه و دوران نفی در حرکت عظیم حضرت امام خمینی (ره) به صورت نمایان وجود داشت که عبارت است از: ۱- ترس در او نبود ۲- به مردم اعتماد داشت ۳- قدر مجاهدت‌های مردم را می‌دانست. این ویژگی‌ها مربوط به دوران نفی، دوران مبارزه با نظام طاغوت بود.

اما برای دوران اثبات و استقرار نظام جمهوری اسلامی هم امام (ره) در حرکت عظیم و الهی امام (ره)، نکات قابل توجهی وجود دارد. مقام معظم رهبری در این خصوص در بیانات ۱۴ خرداد سال جاری فرمودند:

«در دوران اثبات، دوران ایجاد جمهوری اسلامی، سعی و نقشه راه امام این بود که طرح جدید را از گذشته منحنی کشور جدا کند، آینده را از گذشته به کلی جدا

کند. این آینده را چه جوری می‌توانست جدا کند؟ به این صورت که طرحی که ارائه می‌کرد و پیشنهاد می‌کرد برای اداره کشور، در ذیل فرهنگ و تمدن و قاموس غربی قرار نگیرد. امام اصرار داشت این طرح، جمهوری اسلامی در ذیل آنچه در غرب به آن می‌گویند: «جمهوری» یا «مردم سالاری» قرار نگیرد. جمهوری وام گرفته از غرب نیست، مربوط به خود اسلام است. این که امام روی مردم این همه تاکید می‌کند، این ناشی است از معرفتی که به مساله اسلام داشت. لذا یکی از شعارهای اصولی امام، شعار نه شرقی، نه غربی بود، نه کمونیسم، نه لیبرالیسم بود.»

هماهنگی دوگانه هادر مکتب امام(ره)

در بازخوانی مکتب امام و آشنایی با منظومه فکری رهبر کبیر انقلاب اسلامی، یکی از نکات قابل توجه در بیانات مقام معظم رهبری، اشاره معظم له به این نکته است که در الگو و مکتب امام(ره) دوگانه‌هایی با همدیگر هماهنگ و هم ساز شدند. به عبارت دیگر امام(ره) این هنر و توانایی را داشت که اجرای احکام اسلامی را در کنار رعایت اقتضائات و مصلحت عمومی دنبال کند.

مقام معظم رهبری در این خصوص می‌فرمایند:

«این مجمع تشخیص مصلحت را امام تشکیل دادند؛ بعضی‌ها خیال می‌کنند این را بنده تشکیل دادم؛ نه، بنده رئیس جمهور بودم، امام به من نامه نوشتند و این جلسه را امام برای تعیین مصلحت به وجود آوردند. احکام اسلامی اجرا می‌شود؛ اما اقتضائات زمان و مصالح عمومی جامعه هم باید رعایت بشود، مراد از مصلحت این است؛ مصلحت اشخاص نیست؛»

مقام معظم رهبری در این همراه سازی اجرای احکام و رعایت مصالح عمومی، به دوگانه‌هایی که امام هماهنگ کرده اشاره کردند. دوگانه‌های مانند:

۱. مساله رعایت حال ضعفا و اصرار بر عدالت اقتصادی در کنار تولید ثروت، هم تولید ثروت مجاز است، هم حتماً بایستی عدالت در کشور رعایت شود و حال ضعفا و مورد رعایت قرار بگیرد.
۲. هم نفی ظلم، هم نفی انظلام، ظلم پذیری.
۳. هم علم و دانش را و اقتصاد کشور را تقویت کنیم، هم دفاع کشور را تقویت کنیم.
۴. هم انسجام ملی و وحدت ملی پایدار رعایت بشود، هم تنوع آرا و گرایش‌های

مختلف سیاسی باید به رسمیت شناخته و پذیرفته بشود.
۵. هم تقوا و طهارت مسئولان لازم است، هم کارشناسی و کاربلدی مسئولان لازم است.

جمع بندی و نتیجه گیری

خطر تحریف، همه مکاتب توحیدی و انقلاب ها را با خسارت های جبران ناپذیری مواجه کرده است. هم جنس بودن، هم فکر بودن و هم اندیشه بودن رهبری دوم بارهبری اول در انقلاب اسلامی از هر جهت، مانع از انحراف در مسیر انقلاب اسلامی تاکنون شده است. اما تحریف مکتب امام از سوی یک جریان تحریف گرداخلی و خارجی با اهداف و انگیزه های مختلف یک واقعیت تلخ است. این هشدار رهبر حکیم انقلاب اسلامی را که می فرمایند: «اگر راه امام را گم کنیم یا فراموش کنیم یا خدای نکرده عمداً کنار بگذاریم، ملت ایران سیلی خواهد خورد» را باید جدی بگیریم. راهبرد اصلی برای گم نکردن راه امام، بازخوانی مستمر اصول و شاخص های مکتب امام و حرکت بر اساس این اصول است. اصول و شاخص هایی مانند:

۱. اثبات اسلام ناب محمدی و نفی اسلام آمریکایی
۲. اتکال به کمک الهی و اعتماد به صدق وعده الهی
۳. ضدیت با استبداد و استکبار و تداوم استکبار ستیزی
۴. اعتقاد به اراده و نیروی مردم
۵. مساله جاذبه و دافعه ای امام
۶. قضاوت بر اساس حال فعلی افراد
۷. عدالت و توجه خاص به محرومین و مستضعفان
۸. عقلانیت
۹. تاکید بر حفظ وحدت
۱۰. اصرار بر سازندگی کشور و ساخت کشور الگو و نمونه برای جهان اسلام

تحلیل وادها



عباس حاجی نجاری

شاخصه های انقلابیگری و الزامات انقلابی ماندن

تأکید بر روحیه و گفتمان «انقلابیگری» و تجلیل از «انقلابی‌ها» طی چند سال اخیر جایگاهی ویژه در ادبیات حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی پیدا کرده و ایشان به مناسبت‌های مختلف بر این موضوع تأکید کرده و به تبیین ابعاد و اثرات آن پرداخته‌اند و به همین دلیل در تمامی ادوار و فراز و نشیب‌های حرکت نظام اسلامی، حفظ و تقویت روحیه انقلابیگری در کنار دیگر مؤلفه‌های مادی و معنوی انقلاب، اصلی‌ترین نقش را در استمرار حرکت انقلاب و پویایی و اعتلای نظام اسلامی داشته است. و تردیدی در این نیست که عامل اصلی این توفیقات و شکست راهبردهای دشمن که در طول ۴۳ سال گذشته در هر مرحله یکی از مؤلفه قدرت ایران را هدف گرفته است، حفظ و تداوم آن ارزشها و روحیات انقلابیگری است و به همین دلیل است که رهبر معظم انقلاب پرچم انقلابیگری را در دست گرفته و خود را انقلابی دانسته و تأکید می‌کند که «من انقلابی‌ام».

از سوی دیگر اهمیت حفظ و تداوم روحیه انقلابی سبب شده است که دشمنان بیرونی و معاندان داخلی از همان آغاز انقلاب تمامی توان خود را بر تضعیف آن معطوف کرده و با اتخاذ راهبردهایی نظیر؛ تهی کردن نظام از محتوای اسلامی و انقلابی، نفوذ برای حذف عناصر قدرت نظام، سرمایه‌گذاری روی عناصر داخلی و منفعل کردن آنها، متهم سازی انقلابیون به تندروی، نرمالیزاسیون یا انقلاب زدایی و آرمان زدایی از رویکردها و قراردادن مردم در برابر نظام برای فروپاشی آن تلاش کنند.

اما آنچه که در طول سال‌های پس از انقلاب سبب گردیده که راهبردهای دشمنان در انقلاب زدایی و نرمالیزاسیون به نتیجه نرسد، حفظ شاخصه‌های انقلابیگری است و هدایت‌های امامین انقلاب اساسی‌ترین نقش را در آن داشته و دارد، شاخصه‌هایی نظیر: پایبندی به مبانی و ارزش‌های اساسی انقلاب، هدف‌گیری آرمان‌های انقلاب و همت بلند برای رسیدن به آنها، پایبندی به استقلال کشور، حساسیت در برابر دشمن و نقشه دشمن و عدم تبعیت از آن

و تقوای دینی و سیاسی. اگر چه تردیدی در آن نیست که اهتمام مردم برای تحقق این شاخصه ها با رعایت الزامات آن از مظاهر تجلی پیوند امام و امت است.

تحول و پویایی شاخصه های انقلابیگری، سبب گردیده است که تجلی مظاهر آن تنها متوقف به سال های اولیه پیروزی انقلاب اسلامی نشده، بلکه در طول سال های پس از انقلاب جاری باشد، و آنگونه که رهبر معظم انقلاب بر آن تأکید کرده اند: «انقلاب مثل آتشفشان است، تمام شدن ندارد؛ مثل یک جویباری است، اگر آنجا نجوشد اینجا خشک خواهد شد؛ دارد میجوشد که می بینید اسلام و قرآن در جریان است و همچنان دشمن را می لرزاند و می ترساند و دوست ها را شاداب می کند و به قوّت وادار می کند.

مقدمه

تأکید بر روحیه و گفتمان «انقلابیگری» و تجلیل از «انقلابی ها» طی چند سال اخیر جایگاهی ویژه در ادبیات حضرت آیت الله العظمی خامنه ای رهبر معظم انقلاب اسلامی پیدا کرده و ایشان به مناسبت های مختلف به این موضوع تأکید کرده و به تبیین ابعاد و اثرات آن پرداخته اند. رهبر معظم انقلاب در دیدار اخیر خود با نمایندگان مجلس شورای اسلامی (۱۴۰۱/۳/۴) اظهارات برخی افراد که شعارهای انقلاب را در دسر برای کشور می دانند، مردود دانستند و گفتند: حرکت به سمت آرمان های انقلاب به نفع کشور و موجب درمان دردهای آن است ایشان در عین حال انقلابی ماندن را مهم تر از انقلابی بودن خواندند و خاطرنشان کردند: بعضی افراد در سال های اول انقلاب بسیار پر شور و حرارت و به تعبیری سوپرانقلابی بودند اما استقامت و طاقت ماندن در این راه را نداشتند و نتوانستند در مسیر بمانند بنابراین مشکل تر از انقلابی بودن، انقلابی ماندن فردی و جمعی مجلس است.

درک چرایی تأکید معظم له بر این موضوع و تأثیر تعمیم و نهادینه شدن روحیه ی انقلابیگری به ویژه در میان نسل جوان موضوعی است که در این مقاله به آن پرداخته خواهد شد.

چرایی تأکید بر انقلابیگری

با پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷ و تشکیل نظام جمهوری اسلامی؛ متأثر از ویژگی های نرم افزاری انقلاب نظیر: ایمان، باورهای دینی مذهبی و انقلابی مردم، روحیه فداکاری و از خودگذشتگی، تفکر و روحیه استقلال خواهی، شوق پیشرفت و عرق ملی در



آنچه که در طول
سالهای پس از
انقلاب سبب گردیده
که راهبردهای
دشمنان در
انقلاب زدایی و
نرمالیزاسیون به
نتیجه فرسد، حفظ
شاخصه‌های
انقلابیگری است و
هدایت‌های امامین
انقلاب اساسی‌ترین
نقش را در آن داشته
و دارد،

تحلیل و ارزیابی

۲۱

تیر ماه ۱۴۰۱
هیأت‌رئیس‌رسان اسلام

مردم ایران و... و با بهره‌گیری از مجموعه‌ای از منابع مادی و انسانی سرزمین ایران نظیر منابع عظیم انرژی (نفت و گاز)، منابع غنی معدنی و مواد اولیه مورد نیاز و... به عنوان داده‌های اولیه، در ذیل هدایت‌های امامین انقلاب، دوران جدیدی را در این سرزمین رقم خورد، که محصول آن شکل‌گیری تحولی بنیادین در سرزمین ایران و شکل‌گیری نظامی مستقل و مبتنی بر آراء مردم بر پایه ارزش‌های انقلابی و اسلامی بود که علاوه بر پیامدهای داخلی، منجر به گشوده شدن فصلی جدید در تاریخ معاصر جهان شد. از دیدگاه بسیاری از تحلیلگران تجدید حیات معنوی و دینی بشر «با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران آغاز شده است و اگر بنا باشد تاریخی را برای احیای هویت دینی در جهان در نظر بگیریم آن تاریخ سال ۱۹۷۹ میلادی یعنی مقارن با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در بهمن ۵۷ است که خیزش عظیمی را برای تفکرات دینی در تمام ادیان به وجود آورده است. و به تعبیر اندیشمند پسا مدرن فرانسوی، میشل فوکو، «امام خمینی (ره) منادی معنویت و روحی جدید برای جهان بی‌روح در عصر حاضر گردید». انقلاب اسلامی با طرح حیات معنوی و باطنی برای بشریت، و ارائه مدل دقیق و کارآمد حکومت اسلامی در پاسخگویی به نیازهای همه جانبه انسان، عملاً حیات تک ساحتی و تک بعدی غرب را به چالش کشید و نقطه پایانی بر سلطه «ایسم‌ها» در زندگی بشر بود.

به لحاظ سیاسی نیز تحول در موقعیت جهانی ایران نماد روشنی از تجلی منظومه قدرت نظام جمهوری اسلامی است. چرا که تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، کشور ایران نه تنها در سطح جهانی و در بین کشورها و قدرت‌های جهانی نقش و قدرت تعیین‌کننده‌ای نداشت و در معادلات سیاسی و تصمیم‌گیری‌های جهانی، محسوب نمی‌شد، بلکه به علت وابستگی و تبعیت از ابر قدرت غرب و ایفاء نقش ژاندارمی در منطقه برای آمریکا، بین مسلمانان جهان و نهضت‌های اسلامی و آزادی‌بخش نیز منفور و مطرود بود. رژیم ایران به عنوان حکومتی دین‌ستیز و مخالف اسلام و نوکر آمریکا و حامی اسرائیل در میان مسلمانان شهرت داشت. و در ابعاد مختلف در حال عقب‌ماندگی، انحطاط، انزوا و ذلت روزافزون بود. اما پس از چهار دهه از عمر انقلاب و به رغم توطئه‌ها و تهدیدها و تحریم‌ها و فشارهای کم نظیر علیه مردم ایران که هر کدام

بری فروپاشاندن یک نظام کفایت می کرد، اکنون دستاوردها و مظاهر اقتدار نظام در عرصه های؛ علمی، امنیتی، دفاعی و گسترش نفوذ و... قدرت و موقعیت کم نظیری را برای کشورمان ایجاد کرده که مصداق آن می توان به اعتراف آمریکائی ها به پذیرش شکست فاحش از مردم ایران در جریان اعمال فشار و تحریم حداکثری (اعترافات ندپرایس سخنگوی وزارت خارجه آمریکا در پنجم بهمن ماه ۱۴۰۰)، اعتراف به ناتوانی آمریکا در مقابله با توان موشکی و اقتدار نظامی ایران (سخنان ژنرال مکنزی فرمانده تروریست های آمریکایی مستقر در منطقه موسوم به سنتکام در روزهای پایانی مأموریت) درماندگی در برابر پیشرفت های هسته ای ایران (ایضاً سخنان ندپرایس)، غلبه اراده مردم ایران که فرار آنها از منطقه را رقم زده است، اشاره کرد.

تردیدی در این نیست که عامل اصل این توفیقات و شکست راهبردهای دشمن که در طول ۴۳ سال گذشته در هر مرحله یکی از مؤلفه قدرت ایران را هدف گرفته است حفظ و تداوم آن ارزشها و روحیات انقلابیگری است و به همین دلیل است که رهبر معظم انقلاب پرچم انقلابیگری را در دست گرفته و خود را انقلابی می نامند: «من انقلابی ام». در تمامی ادوار و فراز و نشیبهای حرکت نظام اسلامی، حفظ و تقویت روحیه انقلابیگری در کنار دیگر مؤلفه های مادی و معنوی انقلاب، اصلی ترین نقش را در استمرار حرکت انقلاب و پویایی و اعتلای نظام اسلامی داشته است. مقام معظم رهبری، در مراسم بیست و هفتمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه الله) در ۱۴ خرداد ۹۵ می فرمایند: «ما تا امروز به برکت حرکت در جهت انقلاب، دستاوردهای زیادی پیدا کرده ایم اما هنوز تا آن هدفها فاصله بسیار زیاد است. می توانیم به آن هدف ها برسیم، مشروط بر اینکه این قطار بر روی همین ریل حرکت کند؛ بر روی ریلی که امام، قطار جامعه ی اسلامی را به حرکت درآورد. بعد از رحلت امام، ما هرجا انقلابی عمل کردیم پیش رفتیم و هرجا از انقلابیگری و حرکت جهادی غفلت کردیم، عقب ماندیم و ناکام شدیم؛ مردم ما، قشرهای مختلف ما، جوانهای ما، روحانیون ما، پیشه وران ما، دانشگایان ما، محققین ما، مسئولان ما، دولتی های ما، مجلسی های ما باید انقلابی بمانند و انقلابی حرکت بکنند. همه انقلابی باشند تا بتوانیم این راه را با موفقیت پیش ببریم و ادامه بدهیم.»

راهبردهای دشمنان برای تضعیف روحیه انقلابی

ریشه اصلی دشمنی های قدرتهای سلطه علیه مردم ایران نیز به دلیل حفظ و بقای این روحیه به رغم گذر از بیش از ۴۳ سال از عمر انقلاب و تحول نسلی است. رهبر معظم



شاخصه‌هایی نظیر:
پایبندی به مبانی و
ارزش‌های اساسی
انقلاب، هدفگیری
آرمان‌های انقلاب و
همت بلند برای رسیدن
به آنها، پایبندی
به استقلال کشور،
حساسیت در برابر
دشمن و نقشه دشمن
و عدم تبعیت از آن و
تقوای دینی و سیاسی.
اگر چه تردیدی در آن
نیست که اهتمام
مردم برای تحقق این
شاخصه‌ها با رعایت
الزامات آن از مظاهر
تجلی پیوند امام و امت

است
تحلیل و راه‌ها

۲۳

تیر ماه ۱۴۰۱
هیأت‌رئیس‌مجلس

انقلاب در بیانات خود در سالگرد ارتحال امام در ۱۴ خرداد ۱۴۰۱ با اشاره به اینکه جبهه‌ی گسترده‌ی دشمن از اوّل انقلاب علیه مردم ایران وارد میدان شد، در بیان چرایی آن یادآور شدند: بعضی خیال می‌کنند ما دشمن‌ها را وادار به دشمنی کردیم؛ نه، ذات جمهوری اسلامی که می‌گوید با ظلم مخالف است، به طور طبیعی ظالم را با خودش مخالف می‌کند. مگر شما نمی‌گویید ما با استکبار مخالفیم، با ظلم مخالفیم؟ خیلی خب، هر کسی که مستکبر است، هر کسی ظالم است، هر دولتی که این صفات نکوهیده در او هست، با شما دشمن می‌شود؛ جمهوری اسلامی این است. شما می‌گویید ما اهل معنویتیم، آن کسانی که با معنویتِ آحاد مردم دشمنند، با شما مخالف می‌شوند. جمهوری اسلامی می‌گوید ما با منکرات مخالفیم، آن کسانی که با منکرات خو گرفته‌اند، دنبال منکراتند و نمی‌توانند جدا بشوند از منکرات، طبعاً با جمهوری اسلامی مخالف می‌شوند؛ این چیز طبیعی‌ای است. جبهه‌ی دشمن و دشمنی‌ها را نباید ندیده گرفت.

۱- «تهی کردن نظام از محتوای اسلامی و انقلابی» یکی از راهبردهای دشمنان است، رهبر انقلاب در این زمینه می‌فرماید: «آن‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که باید از محتوای نظام هرچه می‌توانند کم کنند... انقلاب را از محتوای خود، از مضمون اسلامی و دینی خود، از روح انقلابی خود تهی کنند و جدا کنند... جمهوری اسلامی، اسمش جمهوری اسلامی باشد، اسمش نظام انقلابی باشد، اما از محتوای اسلام، از محتوای انقلاب در آن خبری نباشد». دشمن در چنین مدلی برای «هضم انقلاب اسلامی در هاضمه‌ی استکبار جهانی» و «تجدید سلطه‌ی خود بر ایران اسلامی» حتی «از اینکه یک عمامه‌بسی در رأس جمهوری اسلامی باشد هم [باکی ندارند]؛ اگر چنانچه جمهوری اسلامی محتوای خود را از دست بدهد، اسلامی بودن را و انقلابی بودن را از دست بدهد، این‌ها با آن کنار می‌آیند. آنچه با آن دشمنی دارند عبارت است از محتوای جمهوری اسلامی؛ جبهه‌ی دشمن این جور است... دنبال این است که سلطه‌ی خود را بر این کشور دوباره تجدید کند.»

۲- «نفوذ برای حذف عناصر قدرت نظام» راهبرد دیگر دشمنان است. دشمن در پازل «نفوذ» به دنبال این است تا با از بین بردن «عناصر قدرت نظام» ما را به

«تبعیت» بکشاند: «تلاش در این جنگ نرم، زمینه سازی برای تهی شدن نظام از عناصر قدرت است... وقتی عناصر قدرت در او نبود، وقتی اقتدار نبود، دیگر از بین بردنش و کشاندنش به این سمت و به آن سمت، کار مشکلی برای ابرقدرت ها نخواهد بود؛ می خواهند او را وادار کنند به تبعیت» «پیوستن به جامعه ی جهانی» را می توان «اسم رمز» این توطئه دانست: «[می گویند] تاکی می خواهید انقلابی باشید، تاکی می خواهید مرتب دم از انقلاب بزنید، بیایید جزو جامعه ی جهانی... یعنی ضعیف بشوید، تا ما بتوانیم شما را ببلعیم»

۳- «سرمایه گذاری روی عناصر داخلی و منفعل کردن آنها» راهبرد دیگر آنان است و برای آن حساب ویژه ای باز کرده است: «سعی شان این است که به وسائل گوناگون، به دست خود کسانی که تو این انقلاب بودند و هستند، از این محتوا ذره ذره بکنند.» رهبر معظم انقلاب در توصیف این طیف از انقلابیون دوران اول در بیانات خود در دیدار با نمایندگان مجلس در ۴ خرداد ماه ۱۴۰۱ می فرماید: کسانی بودند که سال ۵۸ مثلاً که بنده عضو شورای انقلاب بودم، آن وقت آنها - هنوز رئیس جمهور هم نبودم - می آمدند پیش ما می نشستند، - ما که حالا خودمان جزو بچه های انقلاب بودیم و با سابق مبارزاتی - حالا مثلاً فلان حرف هایی می زدند تند، داغ، آتشین که ما چشمان خیره می ماند که اینها که هستند دیگر، اینها این قدر یعنی به اصطلاح به تعبیر فرنگی ما بها سوپر انقلابی، خب بعد برگشتند همان ها، انقلابی نماندند، همان افراد با آن شیوه ی برخورد، با آن شیوه ی نگاه نتوانستند خط را ادامه بدهند طاقت نیاوردند. مشکل تر از انقلابی بودن و گرایش انقلابی داشتن، انقلابی ماندن است،»

۴- «متهم سازی انقلابیون به تندروی»: «انقلابیگری» در منظومه ی فکری رهبر انقلاب چارچوب مند بوده و «تعریف» دارد: «انقلابیگری به آن است که ما مواضع اسلامی و انقلابی را قاطعانه و بدون رودربایستی و مرعوب شدن و خام شدن در مقابل برخی از چهره های امید بخش کاذب، حفظ کنیم. وقتی توانستیم خط روشن مواضع انقلابی و اسلامی را دقیقاً حفظ کنیم و مرعوب قدرت ها نشویم و با کسی رودربایستی نداشته باشیم و فریب نخوریم، در حقیقت به ممشای انقلابی و اسلامی توجه کرده ایم»، «انقلابیگری برخلاف نظر و تبلیغ برخی ها، تندروی نیست بلکه انقلابیگری یعنی عادلانه، خردمندانه، دقیق، دلسوزانه، منصفانه، قاطعانه و بدون رودربایستی عمل کردن است.»

۵- «نرمالیزاسیون» انقلاب زدایی و آرمان زدایی از رویکردها: از آنجائیکه انقلاب اسلامی



هر فرد و هر
جریانی که
برای اسلام و به
نام اسلام کار
می کند، اگر به
آمریکا اعتماد
کند، دچار خطای
بزرگ شده و
سیلی آن را
خواهد خورد.

بزرگترین مانع بر سر راه استقرار کامل جهان آمریکایی و سلطه کامل آمریکا بر جهان است. به خصوص که توانسته است با گسترش تفکر مقاومت در منطقه مهم و راهبردی غرب آسیا، سد محکمی در برابر غرب شکل دهد. لذا نرمالیزاسیون ایران با اتکاء به عوامل داخلی به مهمترین راهبرد آمریکاییها در دوران اوباما و ترامپ تبدیل شده بود.

مایک پمپئو وزیر خارجه پیشین آمریکا در دوران وزارتش در دیدار برخی فعالان ضدانقلاب ایرانی مقیم آمریکا یکی از اهداف اصلی اعمال تحریم ها علیه ایران را نرمال کردن ایران دانسته و گفته بود «ما به دنبال اقدام نظامی در داخل ایران برای تغییر حکومت نیستیم... مأموریت ما ایجاد فرصت و فراهم کردن حمایت انتقالی است. بهترین نفع برای ما این است که رهبران ایران، غیر انقلابی باشند» پروژه نرمالیزاسیون که از طریق تعامل با بخش هایی از نیروهای داخلی و ایجاد تغییرات مطلوب خود در نظام محاسباتی آنها از یکسو و تقویت ابزارهای دیپلماسی عمومی، فرهنگی و رسانه ای، برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی صورت می گیرد تلاش دارد تا، جمهوری اسلامی را وارد چرخه ای از ایدئولوژی زدایی یا «نرمالیزاسیون» کرده و تدریجاً از سیرت انقلابی تهی سازد. این طرح بر پایه جنگ های پنجگانه اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و دیپلماتیک، اطلاعاتی و نیابتی طرح ریزی و عملیاتی گردید که البته جنگ اقتصادی اهمیت بالاتری دارد. این طرح که با هدف تغییر وضعیت ایران از یک کشور انقلابی به یک کشور نرمال پی ریزی شده و بنا داشت تا جمهوری اسلامی ایران را در یک طرح مشخص، از یک کشور انقلابی ضدِ هژمون به یک کشور اقماری نظام سلطه تغییر وضعیت دهد.

۶- «قراردادن مردم در برابر نظام بالقاء نزدیک بودن فروپاشی». پس از ناکامی دشمنان در فشار و تحریم ها و نرمالیزاسیون کردن نظام، سلب امید و اعتماد از مردم به مهمترین هدف آنها تبدیل شده است. رهبر معظم انقلاب در سالگرد ارتحال امام (ره) (۱۴۰۱/۳/۱۴) از دو توطئه دشمنان در این حوزه پرده برداشتند و گفتند: جزء اول این نقشه، امید بستن دشمنان به اعتراضات مردمی برای ضربه زدن به کشور است که از طریق کارروانی و فعالیت در فضای مجازی و با پول، مزدورپروری و انواع حيله ها به دنبال قرار دادن مردم در مقابل

نظام اسلامی هستند. ایشان جزء دوم از این توطئه را القاء محاسبات غلط درباره رو به سقوط بودن جمهوری اسلامی دانستند و افزودند: بدخواهان، ابتدای انقلاب می گفتند شش ماه دیگر انقلاب سقوط خواهد کرد و بعد که محاسبه آنها غلط از آب درمی آمد و عده شش ماه دیگر را می دادند در حالی که امروز بیش از هشتاد، شش ماه از انقلاب گذشته و آن نهال باریک به درختی تناور و مقتدر تبدیل شده است، و محاسبات امروز آنها نیز همچون گذشته کاملاً غلط است.

شاخصه های انقلابیگری

اگرچه سابقه تبیین واژه انقلابی گری و شاخص های آن در سخنرانی های مقام معظم رهبری به اواخر سال ۱۳۶۸ برمی گردد اما به دلیل تمرکز جنگ روانی و رسانه ای دشمنان بیرونی و معاندان داخلی در حذف و یا تحریف این مفهوم و دیگر واژه های مرتبط با آن، معظم له در سالهای اخیر با تبیین دقیق ابعاد و ویژگی های آن، در عین تلاش برای احیا، تقویت و تحکیم این مفاهیم، از آن به عنوان بهترین ملاک و معیار برای سنجش جریان ها، گروه ها و شخصیت شخصیت های سیاسی بهره برده اند. ملاک هایی که می تواند به عنوان بهترین معیار برای شناخت پایبندی گروه ها و جریانهای مطرح سیاسی کشور به مبانی و ارزش های انقلاب مورد استناد قرار گیرد. مهمترین این شاخصه ها بر اساس بیانات معظم له به ویژه ۱۴ خرداد ۱۳۹۵ عبارتند از:

۱- پایبندی به مبانی و ارزش های اساسی انقلاب

اعتقاد به اسلام ناب در مقابل اسلام آمریکایی، اصلی ترین نکته این شاخص است. اسلام آمریکایی دو شاخه ی «اسلام متحجر» و «اسلام سکولار» دارد که استکبار از هر دو شاخه حمایت می کند.

اعتقاد عمیق به محور بودن «مردم» از دیگر مبانی است، در نظام اسلامی، رأی و خواست و اهداف و منافع مردم اصل است و اعتقاد واقعی به این حقایق، از ضروریات انقلابیگری است. وقتی ما مردمی بودن را و محور بودن مردم را با اسلام همراه می کنیم، ترکیب آن می شود جمهوری اسلامی که در آن هدف ها متعلق به مردم است، منافع مال و ملک مردم است.

یکی دیگر از مبانی اساسی و ارزش های اساسی نظام اسلامی عبارت است از حمایت از محرومان در هر نقطه عالم، از اینها نمی شود صرف نظر کرد. اگر کسی، کسانی یا جریانی نسبت به محرومین بی تفاوت باشد، یا نسبت به مظلومان عالم بی تفاوت باشد، این

شاخص در او وجود ندارد.



«انقلابیگری

بر خلاف نظر و

تبلیغ برخی‌ها،

تندروی نیست

بلکه انقلابیگری

یعنی عادلانه،

خردمندانه،

دقیق، دلسوزانه،

منصفانه،

قاطعانه و بدون

رودربایستی عمل

کردن است.»

تحلیل‌ها ۳۹

«پیشرفت، تحول و تکامل» از دیگر ارزش‌های اساسی انقلاب است و فرد انقلابی به این ارزش نیز اعتقاد دارد و هر روز در پی تحول و بهتر شدن اوضاع است. اگر این پایبندی به ارزش‌های اساسی وجود داشت - که این شاخص اول بود - حرکت، حرکت مستمر و مستقیم خواهد بود و در تندباد حوادث، این حرکت تغییر پیدا نمی‌کند. [اما] اگر این پایبندی وجود نداشت، نقطه مقابل این پایبندی، عملگرایی افراطی است؛ یعنی هر روزی به یک طرف رفتن و هر حادثه‌ای انسان را به یک طرف کشاندن.

۲- هدفگیری آرمان‌های انقلاب و همت بلند برای رسیدن به آن‌ها

شاخص دوم، همت بلند برای رسیدن به آرمان‌ها، صرف نظر نکردن از آرمان‌ها و منصرف نشدن از هدف‌های بزرگ است نقطه مقابل آن، تنبلی و محافظه کاری و ناامیدی است، بعضی سعی می‌کنند جامعه و جوان‌های ما را دچار ناامیدی کنند و بگویند آقا فایده‌ای ندارد، نمی‌شود، چه جوری ممکن است با این همه مخالفت و دشمنی، البته شما وقتی که در یک راهی می‌روید که دشمنی بر سر آن راه هست، برای شما مانع ایجاد می‌کند؛ اما این مانع بایستی مانع نشود از رفتن شما؛ تسلیم فشارها نشویم، رضایت به وضع موجود ندهیم که اگر رضایت به وضع موجود دادیم نتیجه‌اش عقب‌گرد است.

۳- پایبندی به استقلال کشور

معنای حقیقی استقلال سیاسی این است که فریب شیوه‌های مختلف دشمن را نخوریم و در هر موقعیتی، مراقب استقلال داخلی، منطقه‌ای و جهانی باشیم. دشمنان به خصوص آمریکا همیشه با تهدید جلونمی‌آیند، گاه با لبخند و حتی تملق حرف می‌زنند، مثلاً نامه می‌نویسند که بیا بیید مشکلات جهانی را با مشارکت هم حل کنیم، در این مواقع انسان ممکن است دچار وسوسه شود که خوب است برویم با یک ابر قدرت در حل مسائل بین‌المللی همکاری کنیم، غافل از اینکه دشمن در باطن قضیه دنبال اهداف دیگری است. دعوت دشمن برای همکاری در حل مسائل جهانی، یعنی دعوت به کمک و ایفای نقش در بازی و میدانی که او برای حل مسائل مورد نظرش ترسیم و تعیین کرده است. این جور کارها که در ظاهر منافاتی با استقلال ندارد، در عمل به معنای پر

کردن جدول کاری دشمنان است. و حقیقتاً ضد استقلال است.

استقلال فرهنگی شاخه ای دیگر از شاخص استقلال است: انقلابی گری یعنی انتخاب سبک زندگی ایرانی اسلامی و پرهیز جدی از تقلید از غرب و بیگانگان.

استقلال اقتصادی ؛ به معنای هضم نشدن در هاضمه اقتصاد جامعه جهانی، آمریکایی ها بعد از مذاکرات هسته ای گفتند. معامله ی هسته ای با ایران باید موجب ادغام اقتصاد ایران در جامعه ی جهانی بشود، معنای این حرف این است که ایران در «نقشه و نظامی که سرمایه داران عمدتاً صهیونیسم برای تصرف منافع مالی جهان ترسیم کرده اند» هضم و جذب شود.

۴- حساسیت در برابر دشمن و نقشه دشمن و عدم تبعیت از آن

شاخص چهارم انقلابیگری، حساسیت در مقابل دشمن است، همچون جبهه ی جنگ باید هر حرکت دشمن را رصد و تحلیل کرد، اهداف او را شناخت و با حساسیت لازم در مقابل زهر احتمالی فعالیت های دشمن، پادزهر آماده کرد. انکار دشمنی های عمیق، مستمر و واضح آمریکا با جمهوری اسلامی و ملت ایران، توطئه ای است برای کاهش حساسیت ها در مقابل شیطان بزرگ. خصومت آمریکا با انقلاب ذاتی است، نظام سلطه با جنگ افروزی، حمایت از تروریسم، سرکوب آزاد یخواهان و ظلم و ستم بر مظلومان فلسطینی، طبیعت خود را آشکار می کند و نظام اسلامی نمی تواند در مقابل این سرکوبها، ساکت و بی اعتنا بماند. هر فرد و هر جریانی که برای اسلام و به نام اسلام کار می کند، اگر به آمریکا اعتماد کند، دچار خطای بزرگ شده و سیلی آن را خواهد خورد. در همین سالهای اخیر نیز برخی جریان های اسلامی منطقه به اسم «عقل سیاسی» و «تاکتیک» با آمریکایی ها همکاری کردند اما اکنون چوب اعتماد به شیطان بزرگ رامی خورند.

ما البته دشمن های ریزو درشت زیادی داریم؛ دشمن های کوچک هم داریم، دشمن های حقیر هم داریم اما عمده ی دشمنی ها از سوی آمریکا و از سوی انگلیس خبیث است. دشمن دیگر رژیم منحوس و سرطانی صهیونیستی است؛ اینها دشمن های اصلی اند. این دشمن را باید شناخت و در مقابل کارهای او باید حساسیت نشان داد؛ حتی اگر نسخه ی اقتصادی هم به ما می دهند، باید با احتیاط برخورد کرد؛ طبعاً این حساسیت وقتی بود، دیگر تبعیت نخواهد بود، که عدم تبعیت همان جهاد کبیر است.

۵- تقوای دینی و سیاسی

شاخص پنجم و آخرین شاخص، تقوای دینی و سیاسی است؛ یک تقوای فردی داریم که من و شما خودمان از گناه پرهیز کنیم (و یک تقوای اجتماعی)، تقوای اجتماعی - تقوای اسلامی مربوط به اجتماع - این است که در راه تحقق این چیزهایی که اسلام از ما مطالبه کرده است، تلاش کنیم. اینکه ما عرض کردیم باید به آن آرمانها پایبند بود، باید دنبال عدالت اجتماعی بود، دنبال حمایت از محرومین بود، دنبال حمایت از مظلوم بود، با ظالم و مستکبر باید مقابله کرد، زیر بار او نرفت، اینها همه مطالبات اسلامی است، اسلام اینها را از ما خواسته است؛ این جور نیست که فقط یک محاسبه ی عقلانی و انسانی باشد؛ تکلیف دینی است. هرکسی حوزه ی معرفتی اسلام را و حوزه ی عملی اسلام را از محیط زندگی اجتماعی مردم و سیاسی مردم دور کند، بلاشک اسلام را نشناخته است. اگر تقوای دینی حاصل شد، تقوای سیاسی نیز حاصل خواهد بود. تقوای سیاسی یعنی انسان از لغزشگاه هایی که دشمن می تواند از آن استفاده کند،

“

«به نظر من کاری که علی العجالة باید کرد این است که در اتخاذ مواضع انقلابی، باید صراحت داشت؛ یعنی رودربایستی نکنیم. مواضع انقلابی را، مبانی امام بزرگوار را صریح بیان کنیم، خجالت نکشیم، رودربایستی نکنیم، ترس نداشته باشیم و بدانیم که «وَلِلّٰهِ جُنُودُ السَّمٰوٰتِ وَ الْاَرْضِ وَ كَانَ اللّٰهُ عَزِیْزًا حَكِیْمًا». همه امکانات عالم و سنن عالم، جنود الهی هستند، می توان آن جنود الهی را پشت سر خود قرار داد و به کمک خود کشاند با توکل به خدا، با پیمودن راه خدا»

پرهیز بکند.

الزامات انقلابیگری

تحول و پویایی شاخصه های انقلابیگری، سبب گردیده است که تجلی مظاهر آن تنها متوقف به سال های اولیه پیروزی انقلاب اسلامی نشده، بلکه در طول سال های پس از انقلاب جاری باشد، رهبر معظم انقلاب در ۱۴ خرداد سال ۱۳۹۵، انقلاب را چون شطی جاری دانسته و یادآور می شوند: انقلاب یک رود جاری است. این خطا است که گمان کنیم انقلابی فقط آن کسی است که در دوران امام بوده است، یا در دوران مبارزات در کنار امام بوده است؛ نه، بعضی کأنه این جور خیال می کنند که انقلابیون آن کسانی هستند که در دوران امام یا

در دوران مبارزات یا در دوران حکومت امام بزرگوار حضور داشتند... جوان ها انقلابی اند و می توانند انقلابی باشند... انقلاب یک شطّ جاری است. ایشان در سال ۱۳۹۷ با اشاره به شهید حججی یادآور می شوند: یک نمونه از جوانانی که امام (ره) را ندیده بودند اما از عمق جان مومن به انقلاب و انقلابی اند شهید حججی است: «یک حرکت وسیع فرهنگی علیه کشور ما در دهه ی ۷۰ شروع شد؛ حالا شما نگاه کنید؛ متولّدین دهه ی ۷۰، امروز دارند میروند به عنوان مدافع حرم جان می دهند، سر می دهند و نیرو می دهند؛ نعششان برمی گردد! چه کسی این را حدس می زد؟ در همان دورانی که آن تهاجم وسیع فرهنگی بود، این گل ها در بوستان جمهوری اسلامی شکفته شدند، این نهال ها رویدند، حججی ها درست شدند. در این نگاه «انقلاب مثل آتشفشان است، تمام شدن ندارد؛ مثل یک جویباری است، اگر آنجا نجوشد اینجا خشک خواهد شد؛ دارد می جوشد که می بینید اسلام و قرآن در جریان است و همچنان دشمن را می لرزاند و می ترساند و دوست ها را شاداب می کند و به قوّت وادار می کند». (۱۳۶۸/۹/۵)

مهمترین الزامات انقلابیگری را در بیانات رهبر معظم انقلاب به شرح زیر می توان برشمرد:

۱- عمل هوشمندانه و پرهیز از تندروی

«انقلابیگری» در منظومه ی فکری رهبر انقلاب چارچوب مند بوده و «تعریف» دارد: «انقلابیگری به آن است که ما مواضع اسلامی و انقلابی را قاطعانه و بدون رودربایستی و مرعوب شدن و خام شدن در مقابل برخی از چهره های امیدبخش کاذب، حفظ کنیم. وقتی توانستیم خط روشن مواضع انقلابی و اسلامی را دقیقاً حفظ کنیم و مرعوب قدرت ها نشویم و با کسی رودربایستی نداشته باشیم و فریب نخوریم، در حقیقت به ممشای انقلابی و اسلامی توجه کرده ایم.» (بیانات در دیدار وزیر و کارکنان وزارت امور خارجه ۱۳۶۸/۵/۳۱)

«عدالت»، «خرد»، «انصاف» و «قاطعیت»، در انقلابیگری به یکدیگر پیوند می خورند: «انقلابیگری برخلاف نظر و تبلیغ برخی ها، تندروی نیست بلکه انقلابیگری یعنی عادلانه، خردمندانه، دقیق، دلسوزانه، منصفانه، قاطعانه و بدون رودربایستی عمل کردن.» (بیانات در مراسم بیست و هفتمین سالگرد رحلت امام خمینی (ره) ۱۳۹۵/۳/۱۴)

۲- کنار گذاشتن ملاحظات بخشی

مقام معظم رهبری در دیدار خانواده های شهدای هفتم تیر و جمعی از خانواده های

شهادای مدافع حرم می فرمایند: «اگر می خواهیم مشکلات این کشور حل بشود، اگر می خواهیم این کشور عزّت پیدا کند، رفاه پیدا کند، کشوری بشود که از لحاظ پیشرفت های مادّی و معنوی و اخلاقی و فرهنگی الگو بشود، باید راه انقلاب را ادامه بدهیم؛ انقلاب، راه علاج منحصر این کشور بود و هست و در آینده هم خواهد بود.» چرا که «تجربه» به ما می گوید: «ما هر جا به انقلاب تکیه کردیم، به روحیه ی انقلابی تکیه کردیم، پیش رفتیم؛ هر جا از ارزش ها کوتاه آمدیم، انقلاب را ندیده گرفتیم، از این گوشه اش زدیم، از آن گوشه اش زدیم، تأویل و توجیه کردیم، برای خوشایند عناصر استکبار که دشمنان اصلی اسلام و دشمنان اصلی این نظامند، مدام حرف را جویدیم، حرف را خوردیم، عقب ماندیم؛ قضیه این جوری است. راه پیشرفت ایران اسلامی، احیاء روحیه ی انقلابی و احیاء روحیه ی مجاهدت است.» ۱۳۹۵/۴/۵



«انقلابیگری به آن است که ما مواضع اسلامی و انقلابی را قاطعانه و بدون رودربایستی و مرعوب شدن و خام شدن در مقابل برخی از چهره های امیدبخش کاذب، حفظ کنیم. وقتی توانستیم خط روشن مواضع انقلابی و اسلامی را دقیقاً حفظ کنیم و مرعوب قدرت ها نشویم و با کسی رودربایستی نداشته باشیم و فریب نخوریم، در حقیقت به ممشای انقلابی و اسلامی توجه کرده ایم.»

۳- ایجاد امید و اعتماد اجتماعی

مقام معظم رهبری در دیدار دانش آموزان و دانشجویان در آبانماه سال ۱۳۹۵ می فرمایند: «علاج مشکلات این کشور - چه مشکلاتی که امروز داریم، چه مشکلاتی که بعدها خواهیم داشت، چه مشکلاتی که هر کشوری و هر ملّتی دارد؛ بالاخره هیچ کشوری که بدون مشکل نیست - و حلّ این مشکلات، در گرو جوشیدن اراده و استقامت از درون ملّت است؛ از درون ملّت بایستی اراده، استقامت، عزم راسخ، ایستادگی بجوشد؛ چشم ها، باز؛ روحیه ها باتوکل به خدا و اعتماد به نفس، قوی. اگر به خدا توکل داشته باشیم و به خودمان اعتماد کنیم، روحیه هایمان قوی خواهد بود؛ هم در زمینه ی علمی، هم در زمینه ی مدیریتی، هم در زمینه ی اداری. آنچه من بر روی آن تکیه میکنم روحیه ی انقلابیگری است؛ این روحیه را باید حفظ کنید. معنای روحیه ی انقلابی چیست؟ معنایش این است که یک انسان انقلابی، شجاعت دارد،

اهل اقدام است، اهل عمل است، ابتکار می‌ورزد، بن بست شکنی می‌کند، گره‌گشایی میکند؛ از چیزی نمی‌ترسد، به آینده امیدوار است، به امید خدا به سمت آینده‌ی روشن حرکت می‌کند؛ انقلابی‌گری یعنی این؛ این [فرد] انقلابی است؛ این روحیه‌ی انقلابی را باید حفظ کرد.» (۱۳۹۵/۰۸/۱۲)

۴- تربیت صحیح نسل آینده

مقام معظم رهبری در دیدار با نخبگان علمی جوان در مهرماه ۹۵، ضمن ترسیم شاخصه‌های یک ایران پیشرفته، تحقق آن را مستلزم تربیت صحیح و انقلابی نسل آینده دانسته و می‌فرماید: «یک نسلی باید به وجود بیاید شجاع، باسواد، متدین، دارای ابتکار، پیش‌گام، خودباور، غیور- البته خوشبختانه ما امروز در نسل جوان بسیاری از این خصوصیات را داریم اما این بایستی گسترش پیدا کند- چنین نسلی لازم داریم. بایستی ایمان داشته باشد، سواد داشته باشد، غیرت داشته باشد، شجاعت داشته باشد، خودباوری داشته باشد، انگیزه‌ی کافی برای حرکت داشته باشد، توان جسمی و فکری حرکت داشته باشد، هدف را در نظر بگیرد، چشم را به اهداف دور متوجه بکند و به تعبیر امیرالمؤمنین «أَعِزَّ اللَّهُ جُمُوعَتَكَ»؛ زندگی خودش و وجود خودش را بگذارد در راه این هدف و با جدّیت حرکت کند؛ در یک کلمه یعنی یک موجود انقلابی؛ معنای انقلابی این است» (۱۳۹۵/۰۷/۲۸)

۵- ساده زیستی

الگوی سبک زندگی مسئولان، یکی از شاخصه‌های تأثیرگذاری در شناخت انقلابی‌گری آنهاست. در این میان دولت انقلابی دولتی است که در آن مسئولان ساده زیست باشند و سطح زندگی شان متناسب با اکثریت جامعه باشد. از دیدگاه امام (ره) نیز می‌توان ساده‌زیستی و نفی اشرافیت را شاخص بااهمیتی برای دولت تراز نظام اسلامی دانست. ایشان در پیامی به مناسبت گشایش دومین دوره مجلس شورای اسلامی تأکید می‌کنند: «اگر بخواهید بی‌خوف و هراس در مقابل باطل بایستید و از حق دفاع کنید و ابرقدرتان و سلاح‌های پیشرفته آنان و شیاطین و توطئه‌های آنان در روح شما اثر نگذارد و شما را از میدان به در نکند، خود را به ساده زیستن عادت دهید و از تعلق قلب به مال و منال و جاه و مقام بپرهیزید...» (صحیفه نور، جلد ۱۹، ص ۱۱)

رهبر معظم انقلاب نیز ساده‌زیستی مسئولان را قابل تقدیر دانسته و تأکید دارند: «ساده‌زیستی چیز بسیار باارزشی است. ما اگر بخواهیم تجمل و اشرافی‌گری و اسراف و

زیاده روی را. که واقعاً بلای بزرگی است. از جامعه مان ریشه کن کنیم، با حرف و گفتن نمی شود؛ که از یک طرف بگوییم و از طرف دیگر مردم نگاه کنند و ببینند عمل مان جور دیگر است! باید عمل کنیم. عمل ما بایستی مؤید و دلیل و شاهد بر حرف های ما باشد تا اینکه اثر بکند. این خوشبختانه هست. فاصله تان را با طبقات ضعیف کم کرده اید و کم نگه دارید و هر چه که ممکن است آن را کمتر کنید. (۱۳۸۷/۶/۲)

۶- صراحت در بیان مواضع انقلابی:

در اتخاذ مواضع انقلابی باید صراحت داشت، خجالت نکشید، ترس نداشته نباشید، رودربایستی نکنید! رهبر حکیم انقلاب اسلامی که نسبت به تضعیف روحیه انقلابی در دولت یازدهم نگرانی هایی داشتند، در دیدار با رئیس جمهور و هیئت وزیران چنین تأکید می دارند: «به نظر من کاری که علی العجالة باید کرد این است که در اتخاذ مواضع انقلابی، باید صراحت داشت؛ یعنی رودربایستی نکنیم. مواضع انقلابی را، مبانی امام بزرگوار را صریح بیان کنیم، خجالت نکشیم، رودربایستی نکنیم، ترس نداشته باشیم و بدانیم که «وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ كَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا». همه امکانات عالم و سنن عالم، جنود الهی هستند، می توان آن جنود الهی را پشت سر خود قرار داد و به کمک خود کشاند با توکل به خدا، با پیمودن راه خدا» (۱۳۹۴/۶/۵)

۷- مرعوب نشدن در برابر دشمن

یکی دیگر از الزامات انقلابیگری مرعوب نشدن در برابر دشمن و مقاوم بودن در برابر تهدیدات و هوشیاری در مواجهه با دشمن است. نیروهای انقلابی با تمام وجود نسبت به خطر دشمن خود آگاه و هوشیار هستند و اقدامات و تحرکات آن را با چشمانی باز رصد می کنند و تمامی منافذ نفوذ دشمن را بسته و همه توان خود را برای بازدارندگی و مقابله با تهدیدات احتمالی به کار می گیرند. به فرموده رهبر حکیم انقلاب اسلامی؛ «روحیه و آرمان انقلابی، بدین معنی است که میل به زندگی راحت و مرفه، جامعه و مسئولان را به سازشکاری و تسلیم در برابر زورگویی قدرت های جهانی و غفلت از توطئه استکبار و بی اعتنائی به پیام جهانی انقلاب نکشاند. آن روزی که خدای نخواستہ جمهوری اسلامی، رفاه و آبادی را هدف عمده خویش قرار داده و در این راه حاضر به

تحلیل و ارزیابی

۳۳

تیر ماه ۱۴۰۱
هیأت رزمندگان اسلام



مشکل تر از انقلابی
بودن و گرایش
انقلابی داشتن،
انقلابی ماندن است.

چشم پوشی از آرمان های انقلابی و جهانی و فراموشی از پیام جهانی انقلاب شود، روز انحطاط و زوال همه امیدها خواهد بود و خدا چنین روزی را این شاء الله هرگز نخواهد آورد.» (۱۳۶۸/۴/۲۳)

۸- هویت بخشی و انسجام بخشی به جبهه انقلاب

تحولات دهه اخیر و تشدید جنگ روانی دشمن نیروهای انقلابی دچار اختلاف و تفرقه کرده است. این موضوع علل گوناگونی دارد که بخشی از آن به غره شدن به چیرگی در مقطعی قابل توجه مربوط بوده و برخی دیگر به نادیده گرفتن دشمن و غفلت از برنامه های آن ارتباط پیدا می کند. این موضوع سبب شد که حتی در مقطعی به جای هماهنگی و اتحاد با یکدیگر برای غلبه بر جبهه غرب گرا، حریف و رقیب را رها کرده و مشغول رقابت و دشمنی با یکدیگر شدند! در چنین شرایطی نیاز است تا جریان انقلابی بار دیگر، جبهه فراگیر انقلابی را شکل دهد و با بازتولید گفتمان انقلاب و تسری آن، به ایجاد یک جریان اجتماعی - سیاسی قدرتمند و فراگیر بپردازد. رهبر معظم انقلاب برای کمک به شکل گیری این جبهه قدرتمند انقلابی و بازیابی هویتی و انسجام نیروهای انقلابی، با هدف یکپارچگی برای مقابله با پروژه های «نرمال سازی ایران» و «ترمیدور انقلاب ایران» که توسط سه گروه نظام سلطه، جریان نفوذ و شبکه غرب گرایان پیگیری می شود، به طرح و تبیین «انقلابی گری» پرداختند.

۹- توسعه عمق راهبردی و محور مقاومت در منطقه

همانگونه که پیشتر اشاره گردید، نظام سلطه در طرح «نرمالیزاسیون ایران»، با یک طراحی پیچیده به دنبال عقب راندن انقلاب اسلامی از منطقه و محصور کردن آن به مرزهای ایران بود. یکی از جنگ هایی که به این منظور طراحی گردید، جنگ نیابتی است که هدف از آن، قطع محور مقاومت و عقب راندن ایران از منطقه بود. رهبر معظم انقلاب با مدیریت هوشمندانه خود این تهدید دشمن را تبدیل به فرصت نمود و با مدیریت معظم له، محور مقاومت معنای تازه ای پیدا کرد و بازوهای جدیدی پیدا کرد. چند سال جنگ نیابتی جریانات تکفیری - صهیونیستی سبب گسترش جغرافیایی و نیز شکل گیری بازوهای جدید برای این محور بود و آن را از حیث مقابله با توطئه ها ورزیده تر کرد. عمق راهبردی ایران در منطقه به گونه ای به لحاظ کمی و کیفی رشد کرده که ایران را در وضعیت بی سابقه ای قرار داده است. ایران هم اکنون در وضعیتی است که اگر هوشمندی به خرج دهد و روند فوق را مدیریت نماید، ایران را در آستانه قرار دادن در یک موقعیت برتر جهانی قرار خواهد داد.

۱۰- استحکام ساخت درونی قدرت

استحکام ساخت درونی قدرت موضوع بسیار با اهمیتی است که در صورت تحقق آن، انقلاب و کشور از همه توطئه‌ها در امان خواهد ماند و راه خود را خواهد رفت. در این باره رهبر معظم انقلاب پیشرفت به سمت آرمان‌های انقلاب را در گرو استحکام ساخت درونی قدرت می‌داند و می‌فرماید: «در پیشرفت به سمت هدف‌های آرمانی، باید ساخت درونی قدرت را استحکام بخشید؛ اساس کار این است. ما اگر می‌خواهیم این راه را ادامه دهیم و به این سمت حرکت کنیم و این هدف‌ها را دنبال کنیم و چشم به این آرمان‌ها بدوزیم و پیش برویم و در مقابل این معارضه‌ها ایستادگی کنیم و صبر و توکل را به کار بگیریم، باید ساخت قدرت ملی را در درون کشور تقویت کنیم و استحکام ببخشیم. (۱۳۹۲/۴/۳۰)

۱۱- مبارزه با فساد، تبعیض و اشرافی‌گری مسئولین

مبارزه با فقر، فساد، تبعیض و اشرافی‌گری مسئولین، از اهداف انقلاب اسلامی بوده است. انقلاب اسلامی تاکنون توانسته به بسیاری از اهداف خود به صورت نسبی دست پیدا نماید ولی حضور جریان تکنوکرات غرب‌گرا که به دنبال سودجویی از جایگاه سیاسی و منتفع شدن از رانت بوده، سبب شده که طی سال‌های اخیر فساد، تبعیض و اشرافی‌گری در بین برخی مسئولین رسوخ پیدا نماید. یکی از ابعاد طرح منظومه انقلابی‌گری، مقابله با این جریان و رویکرد غلط در کشور است. اگر منظومه انقلابی‌گری در کشور حاکم شود، عملکرد افراد بر اساس معیارهای انقلابی سنجیده خواهد شد و افکار عمومی اجازه نخواهد داد تا فضای این نوع مسئولیت به سمت برخورداری مفسدانه و اشرافیت افسارگسیخته پیش رود.

تحلیل و دیدگاه



رضا داوری

چرا رهبری نظام نگران کاهش جمعیت ایران هستند؟

جمعیت همواره به عنوان یکی از اصلی ترین مولفه های تولید قدرت ملی به شمار رفته و جایگاه بالایی در دکتترین و راهبرد دفاعی و محاسبه قدرت کشورها داشته است.

کاهش جمعیت جوان، به معنای کم شدن تعداد نیروهای توانمند برای دفاع از اقتدار، امنیت و تمامیت ارضی کشور است و این موضوع برای کشوری با ویژگی های نظام جمهوری اسلامی ایران که همواره در معرض تهدیدهای فزاینده نظام سلطه و جهان استکبار است، بسیار خطرناک است.

طی ۱۰ سال گذشته، رهبر معظم انقلاب بیش از ۵۰ بار درباره مخاطرات کاهش رشد جمعیت و سالمندی کشورمان هشدار داده و در تعبیری تکان دهنده در آذر سال ۹۲ و در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی فرمودند: «مسئله ی جمعیت یکی از خطرانی است که وقتی انسان درست به عمق آن فکر می کند، تن او می لرزد.»

یکی از مصادیق آشکار مداخله مجامع مخفی در سرنوشت ملت های دیگر، موضوع کاهش و کنترل جمعیت جهان است. این مجامع با هدف گسترش سلطه خود بر جهان، از سال ها پیش موضوع کاهش جمعیت جهان را در دستور کار قرار داده اند و این موضوع را از راه های گوناگون پی می گیرند.

کودکان در خانواده های کم جمعیت، به ویژه تک فرزندی، همواره با سلسله خواست ها و انتظارات بی پایانی رشد می کنند که همه یا اکثر آنها برآورده می شود. از این رو، فرزندان در چنین خانواده هایی با مفاهیم ارزشی و اخلاقی ای نظیر قناعت، ایثار، گذشت، کمک به هم نوان، صبر، شکیبایی، تحمل، مدارا و... بیگانه خواهند بود.

با در نظر گرفتن نرخ پایین باروری، نرخ کاهشی رشد، میزان تجرد قطعی، تعداد زیاد خانواده های تک فرزند و تعداد ناباوران، و میزان شیوع سقط جنین و وضعیت نرخ باروری ایران در مقایسه با دیگر کشورهای منطقه ما را به این اهمیت می رساند که اگر برای مسأله جمعیت تدارک نبینیم آینده هولناکی در

پیش داریم و در سال ۱۴۳۰ پیرترین کشور منطقه خواهیم بود.

جمعیت و تولید قدرت ملی

چرا رهبری نظام
نگران کاهش
جمعیت ایران
هستند؟
رضا داوری

جمعیت همواره به عنوان یکی از اصلی ترین مولفه های تولید قدرت ملی به شمار رفته و جایگاه بالایی در دکرترین و راهبرد دفاعی و محاسبه قدرت کشورها داشته است. طی ۱۰ سال گذشته، رهبر معظم انقلاب بیش از ۵۰ بار درباره مخاطرات کاهش رشد جمعیت و سالمندی کشورمان هشدار داده و در تعبیری تکان دهنده در آذر سال ۹۲ و در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی فرمودند: «مسئله ی جمعیت یکی از خطراتی است که وقتی انسان درست به عمق آن فکر می کند، تن او میلرزد ... مسئله ی جمعیت را جدی بگیرید؛ جمعیت جوان کشور دارد کاهش پیدا می کند. یک جایی خواهیم رسید که دیگر قابل علاج نیست. یعنی مسئله ی جمعیت از آن مسائلی نیست که بگوییم حالا ده سال دیگر فکر می کنیم؛ نه، اگر چند سال بگذرد، وقتی نسل ها پیر شدند، دیگر قابل علاج نیست.»

متأسفانه در کشورمان با وجود اینکه ایران طی ۳۰ سال گذشته بالاترین رکورد سرعت کاهش نرخ موالید در دنیا را از آن خود کرده و جمعیت کشورمان با سرعت فزاینده ای در حال مسن شدن است و حتی تامین نیروی انسانی و مولد طی دهه های آینده با چالش جدی مواجه خواهد بود، اقدام عملی خاصی برای اصلاح رویه جمعیتی کشور صورت نگرفته و علی رغم گذشت ۱۰ سال از اولین تذکر رهبر انقلاب به مسئولان مبنی بر لزوم بازنگری در سیاست های جمعیتی کشور در راستای افزایش جمعیت، متأسفانه اقدام درخوری در دولت، مجلس، شورای عالی انقلاب فرهنگی و نهادهای مسئول صورت نگرفته است.

جهت روشن شدن بخشی از این اهمال و کم کاری ها و حتی خیانت ها، مروری بر مصاحبه دکتر امیرحسین بانکی پور فرد نماینده مردم اصفهان و عضو کمیسیون فرهنگی مجلس در مهر ماه سال ۱۴۰۰ گویای برخی نکات است: «در آبان سال گذشته نامه ای از سوی وزیر فعلی بهداشت به رهبر معظم انقلاب نوشته شده است که آمارهایی که تاکنون این وزارتخانه درباره رشد جمعیت اعلام کرده دروغ بوده و رشد جمعیتی نداشته ایم! نامه ای نیز از سوی معاون بهداشت وزارت بهداشت به کل مدیران شبکه بهداشت و درمان شهرستان ها ارسال شده که فوریت دار بوده است؛ در آن نامه خواسته شده که مدیران شبکه بهداشت دستور دهند ضمن خودداری از خرید

تحلیل و گزارش

۳۸

تیر ماه ۱۴۰۱
هیأت رزمندگان اسلام



یکی از مهم ترین
موجودی های با
ارزش ما، همین
نسل جوان
تحصیل کرده
است. نسل جوان
تحصیل کرده، هم
شجاعت دارد،
هم امید دارد، هم
نشاط و تحرک
دارد.

تحلیل و گزارش ۳۹

۳۹

تیر ماه ۱۴۰۱
هیأت رزمندگان اسلام

و توزیع یارانه ای اقلام مرتبط با خدمات مراقبت بارداری به ویژه از تاریخ نامه به بعد، موجودی اقلام فاصله گذاری موقت در کلیه واحدهای تحت پوشش شهرستان جمع آوری شده و تا تعیین تکلیف در انبار ستاد دپو شود. این یعنی اینکه بودجه های رشد جمعیت در کشورمان در طول سال های گذشته خرج اقلام کنترل جمعیت شده است.»

بانکی پور معتقد است خیانت ها و جنایت های زیادی در حق کشورمان با کنترل جمعیت صورت گرفته و منجر به بروز بحران جمعیت شده است. او می گوید: «باید خیلی از افراد را دادگاهی کنیم زیرا دروغ های بزرگی به مردم گفته شد. مسئله پیری جمعیت مانند ورود به یک سیاه چاله است که بحران آن از تمام بحران های تاریخی ایران زمین خطرناک تر است حتی فراتر از دولت ها و جمهوری اسلامی است. اگر ما وارد سیاه چاله پیری جمعیت شویم تا ۱۰ سال بعد امکان بیرون آمدن از آن وجود ندارد و ما با جمعیت ۳۰ میلیونی روبرو خواهیم شد که ۶۰ تا ۷۰ درصد آن پیر هستند. ما وقت طلایی ۸ ساله در دو دوره مجلس را برای نهایی کردن طرح جمعیت و تعالی خانواده از دست داده ایم که ضربه بزرگ و جبران ناپذیری به جمهوری اسلامی بود و بایستی در قیامت جوابگوی آن باشند.»

اشاره بانکی پور به طرحی است که برای اولین بار در خرداد ماه سال ۹۲ با هدف افزایش نرخ باروری به حداقل ۲.۵ فرزند به ازای هر زن با ۵ ماده ازسوی نمایندگان وقت، تهیه و اعلام وصول شد. با این حال این طرح به دلایل متعدد در مجلس به سرانجام نرسید تا در مجلس دهم همراه با اصلاح و حذف برخی از مواد آن، مجدداً در دستور بررسی قرار گیرد. علی رغم تصویب این طرح در کمیسیون فرهنگی مجلس دهم اما تا پایان دوره مجلس، این طرح در دستور کار صحن علنی قرار نگرفت تا مجلس دهم نیز بدون تصویب طرحی در جهت حمایت از خانواده و تسهیل فرزندآوری به کار خود پایان دهد. طرح مذکور اکنون نیز مجدداً در دستور کار مجلس یازدهم است و امید می رود این بار به سرانجامی غیر از سرنوشت گذشته خود برسد. با این وجود، تصویب چنین طرحی نیز تنها تعیین اقداماتی است که باید توسط دستگاه های مختلف انجام شود و مسئله اصلی، بدون شک، اجرای صحیح آن خواهد بود.»

سرانجام طرح تعالی جمعیت و حمایت از خانواده پس از ۱۲ سال در آبان ۱۴۰۰ از تصویب مجلس گذشت تا با تصویب این قانون گام موثری (به شرط اجرای صحیح و دقیق آن) در راستای ریل گذاری قانونی در جهت از حمایت از خانواده و در اولویت قرار گرفتن نیازهای آنها برداشته شود.

مروری بر دیدگاه رهبر انقلاب بر موضوع جمعیت

ارتقای پویایی، بالندگی و جوانی جمعیت با افزایش نرخ باروری، رفع موانع ازدواج، تسهیل و ترویج تشکیل خانواده و افزایش فرزند، اختصاص تسهیلات مناسب برای مادران به ویژه در دوره بارداری و شیردهی، پوشش بیمه‌ای هزینه‌های زایمان و درمان ناباروری مردان و زنان و تقویت نهادها و مؤسسات حمایتی مربوط، توسعه و تقویت نظام تأمین اجتماعی، خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی، اصلاح و تکمیل آموزش‌های عمومی درباره اصالت قانون خانواده و فرزند پروری و ارتقای امید به زندگی از دیگر مواردی هستند که رهبر انقلاب در خصوص سیاست‌های جمعیتی به آنها اشاره و بر آنها تأکید می‌کند.

مناسب بودن ظرفیت طبیعی و ویژگی جغرافیای سیاسی کشور برای افزایش جمعیت، بالا بودن توان مدیریتی و استعدادهای انسانی ممتاز و ضرورت برنامه ریزی و سرمایه گذاری برای حرکت معقول و معتدل کشور به سمت افزایش جمعیت از نکات دیگری است که مورد نظر رهبر انقلاب در خصوص جلوگیری از تحدید نسل است.

رهبر معظم انقلاب در شانزدهم مرداد ۹۰ با انتقاد از سیاست کاهش جمعیت در ایران می‌فرماید: «جمعیت کشور، هفتاد و پنج میلیون. البته بنده همین جا عرض بکنم؛ من معتقدم که کشور ما با امکاناتی که داریم، می‌تواند صد و پنجاه میلیون نفر جمعیت داشته باشد. من معتقد به کثرت جمعیت. هر اقدام و تدبیری که می‌خواهد برای متوقف کردن رشد جمعیت انجام بگیرد، بعد از صد و پنجاه میلیون انجام بگیرد.»

سوم مرداد ۹۱ هم مقام معظم رهبری این تذکر را مجدداً تکرار کردند و گفتند: «از لحاظ نیروی انسانی، ما هفتاد و پنج میلیون نفر جمعیت داریم؛ این جمعیت عامل خیلی مهمی است. من این را همین جا عرض بکنم؛ جمعیت جوان و بانشاط و تحصیلکرده و باسواد کشور، امروز یکی از عامل‌های مهم پیشرفت کشور است. در همین آمارهایی که داده می‌شود، نقش جوان‌های تحصیلکرده و آگاه و پر نشاط و پرنیرو را می‌بینید. ما باید در سیاست تحدید نسل تجدید نظر کنیم. سیاست تحدید نسل در یک برهه‌ای از زمان

درست بود، یک اهدافی هم برایش معین کردند. آنطوری که افراد متخصص و عالم و کارشناسان علمی این قسمت تحقیق و بررسی کردند و گزارش دادند، ما در سال ۷۱ به همان مقاصدی که از تحدید نسل وجود داشت، رسیدیم. از سال ۷۱ به این طرف، باید سیاست را تغییر می دادیم، خطا کردیم، تغییر ندادیم. امروز باید این خطا را جبران کنیم.»

“

غرب به خوبی دریافته است که جمعیت، مهم ترین عامل قدرت در کشورهاست. از این رو مأموریت خود را در کشورهای مسلمان و رو به توسعه، تحت پوشش هایی مانند «آژانس صندوق جمعیت» از سال ها پیش آغاز کرده است. این صندوق که به سازمان ملل وابسته است، فعالیت خود در ایران را پیش از انقلاب آغاز، و تا به امروز و تحت عناوینی چون تنظیم خانواده، حقوق زن، بهداشت مادر و کودک دنبال کرده است. هدف اصلی این آژانس، چه در ایران و چه در دیگر کشورهای مسلمان، پایین نگه داشتن نرخ رشد جمعیت بوده است.

تحلیل و گزارشها

۴۱

تیر ماه ۱۴۰۱
هیأت‌رزمندگان اسلام

رهبر معظم انقلاب در نوزدهم مهر ۹۱ هم فرمودند: «یکی از مهم ترین موجودی های با ارزش ما، همین نسل جوان تحصیل کرده است. نسل جوان تحصیل کرده، هم شجاعت دارد، هم امید دارد، هم نشاط و تحرک دارد. من همین جادر داخل پرانتز عرض بکنم یکی از خطاهایی که خود ما کردیم. بنده خودم هم در این خطا سهیمم. این مساله تحدید نسل از اواسط دهه ۷۰ به این طرف باید متوقف می شد. البته اولی که سیاست تحدید نسل اتخاذ شد، خوب بود، لازم بود، لیکن از اواسط دهه ۷۰ باید متوقف می شد. این را متوقف نکردیم؛ این اشتباه بود. عرض کردم مسئولین کشور در این اشتباه سهیمند، خود بنده حقیر هم در این اشتباه سهیمم. این را خدای متعال و تاریخ باید بر ما ببخشد. نسل جوان را باید حفظ کرد. با این روند کنونی اگر ما پیش برویم. من چندی پیش هم در ماه رمضان در سخنرانی گفتم. کشور پیر خواهد شد. خانواده ها، جوان ها باید تولید مثل را زیاد کنند و نسل را افزایش دهند.»

یازدهم اردیبهشت ۹۲ هم مقام معظم رهبری فرمودند: من بارها این را به مردم عرض کرده ام: «پیر شدن کشور، کم شدن نسل جوان در چندین سال بعد، از همان چیزهایی است که اثرش بعداً ظاهر خواهد شد، وقتی هم اثرش ظاهر شد، آن روز دیگر قابل علاج نیست؛ اما امروز چرا، امروز قابل علاج است.

فرزندآوری یکی از مهم‌ترین مجاهدت‌های زنان و وظایف زنان است، چون فرزندآوری در حقیقت هنر زن است؛ اوست که زحماتش را تحمل می‌کند، اوست که رنج‌هایش را می‌برد، اوست که خدای متعال ابزار پرورش فرزند را به او داده است. خدای متعال ابزار پرورش فرزند را به مردها نداده، در اختیار بانوان قرار داده؛ صبرش را به آنها داده، عاطفه اش را به آنها داده، احساساتش را به آنها داده، اندام‌های جسمانی اش را به آنها داده، در واقع این هنر زن‌ها است. اگر چنانچه ما اینها را در جامعه به دست فراموشی نسپریم، آن وقت پیشرفت خواهیم کرد.»

سیزدهم شهریور ۹۳ هم ایشان فرمودند که مسأله جمعیت تأثیر زیادی دارد در اقتدار ملی و افزایش نسل جوان و بزرگ بودن کشور از لحاظ جمعیت، خیلی تأثیر دارد در ایجاد اقتدار. البته از همه اینها مهم‌تر، مسأله فرهنگ است؛ بخصوص در سطح باورها و عقاید مردم.

رهبر انقلاب همچنین در دیدار جمعی از زوج‌های جوان در فروردین ۱۳۹۸ با اشاره به مسأله جمعیت در کشورهای مختلف و ایران فرمودند: «افزایش فرزند باید به صورت یک فرهنگ دریابد. شما ببینید، در بعضی از کشورهای غربی - مثلاً در آمریکا - خانواده‌ای پانزده تا بچه دارند، بیست تا بچه دارند و از این قبیل، تشویق [هم] می‌شوند و هیچ کس مذمتشان نمی‌کند. اما نوبت به کشور ما که می‌رسد، این طرف قضیه تشویق می‌شود، [یعنی] کم‌فرزندی و مانند اینها. بنابراین این هم یک نکته است که ان شاء الله باید مورد توجه باشد.»

در سخنرانی نوروزی سال ۹۹ خطاب به ملت ایران در تاریخ ۱۳۹۹/۰۱/۰۳ بار دیگر با هشدار درباره اینکه اگر موالید در کشور به قدر لازم و کافی نباشد، چند سال دیگر نسل جوان کمیاب خواهد شد، حفظ جمعیت جوان کشور را یکی از ابزارهای قوت دانستند. رهبر معظم انقلاب در ۴ خرداد سال ۱۴۰۱ و در دیدار با نمایندگان مجلس نیز با اشاره به روند رو به کاهش جمعیت جوان کشور، خطر بزرگ تحدید نسل برای کشور را پیری عمومی دانسته و درباره مسئله «ازدواج جوانان و راه‌های تسهیل آن» و مسئله فرزندآوری و جلوگیری از حرکت کشور به سمت پیری جمعیت تذکر دادند.

جمعیت و مجامع مخفی

سال‌هاست سران «مجامع مخفی» جهانی مانند مؤسسه سلطنتی امور بین‌الملل، شورای روابط خارجی، جامعه بیلدربرگرها، کمیسیون سه جانبه، فراماسونری، باشگاه رم



نخستین مدیرکل
دفتر سلامت
جمعیت وزارت
بهداشت، دکتر
«صمد اسدپور» بود.
فردی که اکنون
یک ضدانقلاب
تابلودار و مرید
رضا پهلوی است
و در کانادا زندگی
می‌کند. حقیقتاً
مشخص نیست
که این فرد چگونه
توانسته با وجود
سخت‌گیری‌های
ابتدای انقلاب، به
آن جایگاه در وزارت
بهداشت برسد؟

تحلیل روزها ۳۹

۴۳

تیر ماه ۱۴۰۱
هیأت‌رئیس‌مقام اسلام

و کمیته ۳۰۰، و... با طرح برنامه‌های گوناگون، زمینه نفوذ و اقتدار نظام سلطه بر مناسبات فرهنگی، سیاسی و اقتصادی ملل جهان را فراهم آورده و سرنوشت ملت‌ها و کشورهای مستقل جهان را به میل و اراده خود تغییر می‌دهند. یکی از مصادیق آشکار مداخله مجامع مخفی در سرنوشت ملت‌های دیگر، موضوع کاهش و کنترل جمعیت جهان است. این مجامع با هدف گسترش سلطه خود بر جهان، از سال‌ها پیش موضوع کاهش جمعیت جهان را در دستور کار قرار داده‌اند و این موضوع را از راه‌های گوناگون پی می‌گیرند.

سرواندو گونزالز، نویسنده کوبایی آمریکایی، نشانه شناس و تحلیل‌گر اطلاعاتی، در مقاله‌ای به بررسی تلاش «باشگاه میلیونرها» ی آمریکایی برای کاهش جمعیت جهان می‌پردازد و می‌نویسد: در پنجم می ۲۰۰۹، تعدادی از بدنام‌ترین اعضای «باشگاه میلیونرها» دیوید راکفلر، تد ترنر، اپرا وینفیری، وارن بافت، جرج سوروس، الی براود، پیتر جی. پترسون، پتی استونس فایر، جان مورگریده، مایکل بلومبرگ و تعدادی از میلیونرهای دیگر مخفیانه در اقامتگاه سرپل نرس، رئیس دانشگاه راکفلر، در منتهن ملاقات کردند. همان‌طور که انتظار می‌رفت، رسانه‌های جریان اصلی آمریکا بسیار مراقب بودند تا مردم آمریکا را از این جلسه میلیونرها در منتهن آگاه نکنند، ولی برخی از جزئیات این جلسه، به بیرون درز کرد.

یک روزنامه بزرگ انگلیسی، به نقل از یک فرد ناشناس که در این جلسه شرکت داشته است، گزارش کرد که در این جلسه «بر سر این نکته اجماع شد که آن‌ها باید به راهبردی روی آورند که در آن، از رشد جمعیت به عنوان یک تهدید زیست محیطی، اجتماعی و صنعتی بالقوه فاجعه بار جلوگیری شود». یکی دیگر از افراد شرکت‌کننده در جلسه منتهن، سزار رسانه‌ای، تد ترنر، میلیونر مؤسس سی. ان. ان بود که در سال ۱۹۹۶ در مصاحبه‌ای با مجله طبیعت‌شناسی آدوبون گفته بود کاهش ۹۵ درصدی جمعیت جهان به ۲۲۵ تا ۳۰۰ میلیون نفر «ایده‌آل» خواهد بود.

مایکل اسنایدر، پژوهشگر و تحلیل‌گر مسائل سیاسی، نیز درباره تصمیم نخبگان جهانی برای کنترل جمعیت جهان می‌نویسد: از نظر من و شما، شاید خلاص شدن از ۹۰ درصد جمعیت جهان کاری جنون‌آمیز باشد، اما هرچه

می‌گذرد، این اجماع در بین نخبگان جهانی بیشتر می‌شود که رسیدن به چنین هدفی به نفع سیاره زمین است.

دکتر جان کولمن، نویسنده و پژوهشگر مجامع که پیش تر از جاسوسان حرفه‌ای سرویس‌های مخفی بریتانیا بوده است، هنگام برشمردن هدف‌های گروه‌های پنهان می‌نویسد آن‌ها بر این باورند که برای تحقق «مسئولیت آسمانی» که بر عهده آنان گذارده شده است، باید «از راه ایجاد جنگ‌های محدود و موضعی در کشورهای پیشرفته و به وجود آوردن گرسنگی و بیماری در کشورهای جهان سوم، موجبات مرگ حدود سه میلیارد انسانی را که اصطلاحاً «مصرف‌کنندگان بی‌مصرف» نامیده‌اند، فراهم شود.

در نشست سال ۲۰۱۱ بیلدر برگ که از ۹ تا ۱۲ ژوئن (۱۹ تا ۲۲ خرداد ۱۳۹۰) با حضور آندرس فوگ راسموسن، دبیرکل ناتو، خواکین آلوموئا، معاون رئیس کمیسیون اروپا، خاویر سولانا، مسئول سابق سیاست خارجی اتحادیه اروپا، ژان کلود تریشه، رئیس بانک مرکزی اروپا، رابرت زولیک، رئیس گروه بانک جهانی، هنری کیسینجر، تئوریسین و رئیس شرکت‌های مختلف و مشاور سابق امنیت ملی آمریکا، «بیل گیتس»، رئیس سابق مایکروسافت و رئیس فعلی بنیاد گیتس، رابرت گیتس، وزیر دفاع آمریکا (گیتس در زمان برگزاری نشست، وزیر دفاع بود که اکنون از این سمت کناره‌رفته است)، دیوید راکفلر، سرمایه‌دار معروف و رئیس سابق بانک منهتن، میچلت وایت، مدیر مسئول هفته‌نامه اکونومیست، آنجلا مرکل، صدراعظم آلمان، جورما اولیلا، رئیس شرکت نفتی رویال داج شل، جرج دیوید، رئیس شرکت کوکاکولا، ملکه هلند، هاگان، ولیعهد نروژ، پیتر برابک لتما، رئیس شرکت نستله، سوفیا، ملکه اسپانیا، خوزه لوییز زاپاترو نخست‌وزیر اسپانیا و... در «سنت موریس» سوئیس برگزار شد، بر موضوع افزایش جنگ و کشتار به ویژه در منطقه خاورمیانه به منظور کاهش جمعیت رو به افزایش جهان تأکید شد.

غرب به خوبی دریافته است که جمعیت، مهم‌ترین عامل قدرت در کشورهاست. از این رو مأموریت خود را در کشورهای مسلمان و رو به توسعه، تحت پوشش‌هایی مانند «آژانس صندوق جمعیت» از سال‌ها پیش آغاز کرده است. این صندوق که به سازمان ملل وابسته است، فعالیت خود در ایران را پیش از انقلاب آغاز، و تا به امروز و تحت عناوینی چون تنظیم خانواده، حقوق زن، بهداشت مادر و کودک دنبال کرده است. هدف اصلی این آژانس، چه در ایران و چه در دیگر کشورهای مسلمان، پایین نگه داشتن نرخ رشد جمعیت بوده است. (ابراهیم شفیعی سروسنانی؛ «بایسته‌های تغییر

سیاست جمعیتی با تأکید بر نقش رسانه ملی؛ معرفت؛ شماره ۱۸۹، سال بیست و دوم، شهریور ۱۳۹۲، ص ۲۵-۴۴.



طی ۱۰ سال گذشته، رهبر معظم انقلاب بیش از ۵۰ بار درباره مخاطرات کاهش رشد جمعیت و سالمندی کشورمان هشدار داده و در تعبیری تکان دهنده در آذر سال ۹۲ و در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی فرمودند: «مسئله‌ی جمعیت یکی از خطراتی است که وقتی انسان درست به عمق آن فکر می‌کند، تن او می‌لرزد».

ایران و سیاست‌های دیکته شده غرب

با اعمال سیاست‌های دیکته شده تنظیم خانواده از سوی غرب، رشد جمعیت ایران از سال ۱۳۴۶ تا شروع انقلاب اسلامی، روندی کاهنده داشت. پس از انقلاب اسلامی و با اجرای سیاست‌های تشویق مولید، رشد جمعیت افزایش یافت و در دهه ۱۳۵۵-۱۳۶۵ به رشدی نزدیک ۴ درصد رسید. پس از آن، باز سرگرفتن سیاست‌های تنظیم خانواده از سال ۱۳۶۸ به بعد، رشد جمعیت کشور مجدداً کاهش یافت.

اجرائی شدن برنامه تنظیم خانواده که در حقیقت اجرائی شدن گام به گام نقشه دشمن در کاهش جمعیت ایران بود، به تدریج ساختار سنی جمعیت ایران را از وضعیت جوانی خارج کرد و به طرف سالخوردگی سوق داد. این در حالی بود که برژینسکی، مشاور امنیت ملی سابق آمریکا گفته بود: از فکر کردن به حمله پیش‌دستانه علیه تأسیسات هسته‌ای ایران اجتناب کنید و گفت‌وگوها با تهران را حفظ کنید. بالاتر از همه بازی طولانی مدتی را انجام دهید؛ چون زمان، آمارهای جمعیتی و تغییر نسل در ایران به نفع رژیم کنونی نیست. صندوق جمعیت سازمان ملل متحد در ایران که بین سال‌های ۱۳۶۹ تا ۱۳۸۳ با بودجه‌ای حدود ۲۵ میلیون دلار و با محوریت مسائل جمعیت و تنظیم خانواده به اجرا درآمد، نقش مهمی در روند نگران‌کننده تغییرات جمعیت در کشورمان ایفا کرد. مهم‌ترین اقدامات صورت گرفته در برنامه اول صندوق جمعیت سازمان ملل متحد که بین سال‌های ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۲ با ۴ میلیون دلار بودجه اجرا شد، عبارتند از: ایجاد ۳۰ مرکز آموزش ماما روستا و مروج تنظیم

تحلیل‌ها ۳۹

خانواده، تأمین اعتبار ایجاد ۹ مرکز آموزش عقیم‌سازی مردان و زنان (واژکتومی و توبکتومی)، اعزام پزشکان به خارج از کشور برای آموزش و گنجاندن مباحث جمعیتی در کتاب‌های نهضت سوادآموزی. در برنامه دوم صندوق جمعیت سازمان ملل متحد که بین سال‌های ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۷ با ۱۰ میلیون دلار بودجه اجرا شد نیز اقداماتی مانند ایجاد ۱۵ مرکز آموزش ماما روستا و مروج تنظیم خانواده (آموزش ۱۵۰۰ ماما)، اعزام زنان داوطلب ترویج تنظیم خانواده (رابطان بهداشت) به خارج از کشور برای آموزش و نیز احیای انجمن غیر دولتی تنظیم خانواده صورت گرفت. برنامه سوم صندوق جمعیت سازمان ملل متحد بین سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۳ با ۱۱ میلیون دلار بودجه، صرفاً در استان‌های بوشهر، سیستان و بلوچستان، کردستان، گلستان و شهر اسلام‌شهر با هدف کاهش نرخ باروری و افزایش استفاده از وسایل پیشگیری اجرا شد.

با به صدا درآمدن زنگ خطر ساختار جمعیتی در کشور و افزایش سالمندان، سیاست‌های کلی جمعیت در ۱۴ بند از سوی مقام معظم رهبری به رؤسای قوای سه‌گانه و مجمع تشخیص مصلحت نظام ابلاغ شد و ارتقای پویایی، رفع موانع ازدواج، تسهیل و ترویج تشکیل خانواده و افزایش فرزند، کاهش سن ازدواج و... در دستور کار قرار گرفت. با اجرایی شدن بخش اندکی از این دستورات، جمعیت کشور در روزهای پایانی سال ۱۳۹۶ بیش از ۸۱ میلیون نفر اعلام شد.

متأسفانه اکنون شاهد موج سالمندی در کشور هستیم؛ به طوری که آمارهای این پدیده به شدت در حال افزایش است و در حال حاضر نرخ سالمندان بالای ۶۰ سال در کشور ۱۳ درصد است. اما آمار عجیب و نگران‌کننده دیگر آن است که پیش‌بینی می‌شود تا سال ۱۴۲۹ یعنی حدود سه دهه آینده، شمار سالمندان به بیش از ۳۲ درصد می‌رسد. این امر به ساختارهای اجتماعی و اقتصادی کشور آسیب وارد کرده و کشور را دچار مشکل‌های جدی خواهد کرد.

کاهش جمعیت و روند حرکت جمعیت از جوانی به سالمندی و پیری، اثرات سوء بسیاری به دنبال دارد. انقطاع نسل بشر، عدم رشد و توسعه اقتصادی و به تبع آن عقب ماندگی کشور، بی‌نشاطی جمعیت، آسیب‌های اخلاقی و تربیتی همچون خود برتربینی و رفاه‌طلبی فرزندان در خانواده‌های تک‌فرزند و بیگانه بودن خانواده‌ها با مفاهیم ارزشی همچون قناعت، ایثار، کمک به هم‌نوعان، صبر، تحمل و... اختلال در جامعه‌پذیری و ارتباطات اجتماعی بچه‌های خانواده‌های کم جمعیت، معضلات روحی و روانی



وقتی که برژبنسکی در مصاحبه معروفش با وال استریت ژورنال می‌گوید: «از فکر کردن به حمله پیشدستانه علیه تأسیسات هسته‌ای ایران اجتناب کنید و گفت‌وگوها با تهران را حفظ کنید، بالاتر از همه بازی طولانی مدتی را انجام دهید، چون زمان، آمارهای جمعیتی و تغییر نسل در ایران به نفع رژیم کنونی نیست»، مقصودش این است که جنگ را به بعد از سال‌خوردگی شدید جمعیت ایران موکول کنید

تحلیل ژورنالیست

۴۷

تیر ماه ۱۴۰۱
هیأت‌رزمندگان اسلام

نسل آینده به دلیل بهره‌مند نبودن از موهبت‌های اجتماعی خویشاوندان (برادران، خواهران، عمه‌ها، خاله‌ها، دایی‌ها و عموها)، هنجار شدن فرهنگ اروپایی زندگی بدون فرزند در میان بخشی از مردم، هزینه نگهداری سالمندان و بالا رفتن هزینه‌های درمانی و بیمه‌ای، کاهش جمعیت جوان و نخبه کشور و ضعیف شدن نیروی دفاعی کشور، از جمله اثرات سوء و پیامدهای منفی کاهش جمعیت است.

آغاز برنامه‌های تنظیم خانواده در ایران

سال ۱۳۳۷ را می‌توان سرآغاز برنامه‌های تنظیم خانواده در ایران دانست. در این سال «ستاره فرمانفرمائی‌ان» - شاهزاده قجر که در آمریکا مددکاری اجتماعی خوانده بود و سال‌ها کارشناس رسمی سازمان ملل بود - از آمریکا به ایران بازگشت و با تأسیس آموزشگاه عالی خدمات اجتماعی، زمینه تربیت نیروی انسانی برای اجرای برنامه‌هایی مانند تنظیم خانواده را ایجاد کرد.

وی «انجمن بهداشت و تنظیم خانواده ایران» را تأسیس کرد که بلافاصله به عضویت فدراسیون بین‌المللی تنظیم خانواده (IPPF) درآمد. او در دوران حضور در ایران و پس از آن سعی کرد که چهره‌ای ملی، وطن‌پرست و خیرخواه محرومان از خود نشان دهد.

در حالی که اسناد متعددی نشان می‌دهد که او گماشته آمریکایی‌ها در موضوع کنترل جمعیت ایران بود و ذیل شورای جمعیت آمریکا و به نفع همان آمریکایی‌هایی کار می‌کرد که علیه مردم ایران و پسر عمه‌اش - محمد مصدق - کودتا کرده بودند. او هزینه فعالیت‌هایش را از آمریکایی‌گریز و طبق سند افشا شده ویکی لیکس، حتی برای اینکه به نمایندگی از ایران در کنفرانس بین‌المللی جمعیت شرکت کند، پول بلیت پرواز خود به مانیل را از سفارت آمریکا گرفته است.

دانشگاه هاروارد این فرد به اصطلاح وطن‌پرست را به پاس خدماتش به آمریکا، در لیست «زنان تأثیرگذار تاریخ آمریکا» قرار داد! به جز فرمانفرمائی‌ان، دو نفر دیگر نیز مهم‌ترین نقش را در اجرای پروژه تحدید نسل ایرانیان داشتند. یکی دکتر «امیرمنصور سرداری» و دیگری دکتر «شاپور راسخ».

سرداری، فراماسون و عضو رسمی لژهای «روشنایی» و «جویندگان کمال

سقراط» بود. او بهایی بود و به شبکه‌های اسرائیلی داخل ایران کمک مالی می‌کرد. ساواک در گزارش مورخ ۱۸/۱۲/۱۳۵۲ پیرامون سرداری آورده است: «نامبرده پسرخاله آقای هویدا - نخست‌وزیر - می‌باشد. فردی خوش‌گذران، خودخواه، بد‌دهن و تندخو که از نظر صحت عمل و درستی مورد اعتماد نیست؛ کما اینکه در سال ۱۳۴۸ رقمی معادل ۶۰ هزار دلار از طریق شورای جمعیتی آمریکا جهت اجرای برنامه بهداشت و تنظیم خانواده به ایران حواله شده ولی این اعتبار به حساب شخصی امیرمنصور سرداری منظور گردیده است... گفته می‌شود دکتر جerald زاتوشنی که نماینده شورای جمعیتی آمریکا در ایران می‌باشد، در این جریان با دکتر سرداری همکاری می‌نماید.» البته این گزارش و گزارش دیگری که در آن ذکر شده بود: «عیاشی وی زبانزد خاص و عام است» نهایتاً راه به جایی نبرد و سرداری که در آمریکا تحصیل کرده بود، در سال ۱۳۵۵ معاون امور جمعیتی و تنظیم خانواده وزارت بهداشتی و بهزیستی شد و رئیس وقت ساواک هم به او تبریک گفت!

شاپور راسخ نیز که از پایه‌گذاران برنامه تحدید نسل در ایران به شمار می‌آید، یک بهایی متعصب بود و در تمام پرسشنامه‌های اداری، خود را علناً بهایی معرفی می‌کرد. او سه سال رئیس مرکز آمار ایران بود و از خرداد ۱۳۵۲ معاون امور نظارت و هماهنگی سازمان برنامه شد. او در سرشماری سال ۱۳۵۵ که تحت نظارتش انجام شد، سعی کرد که به هر طریق آمار بهاییان را چند برابر جلوه دهد و بهاییت را به عنوان بزرگ‌ترین اقلیت دینی ایران مطرح نموده و از شاه و دولت، رسمیت قانونی دریافت نماید. راسخ نیز مانند سرداری از ماسون‌های نشان‌دار بود.

ورود این افراد و مانند آنها در موضوع جمعیت، شاخ و برگ شجره خبیثه‌ای را نشان می‌دهد که ریشه‌اش در آمریکا بود. تحدید نسل ایرانیان این قدر برای آمریکایی‌ها اهمیت داشت که شخص رئیس‌جمهور آمریکا آن را از شاه پیگیری می‌کرد؛ چنان‌که شاه در ملاقات سال ۱۳۵۱ خود با «جرالد فورد» - رئیس‌جمهور وقت آمریکا - و «کیسینجر» در کاخ سفید از برنامه کنترل موالید ایران گزارش می‌دهد. همچنین در اسفند ۱۳۵۳ که دکتر «هوشنگ انصاری» - وزیر وقت اقتصاد ایران - در کاخ سفید با فورد و کیسینجر جلسه دارد، فورد بلافاصله پس از خوش‌آمدگویی به هیئت ایرانی، از موضوع جمعیت می‌پرسد. انصاری نیز در پاسخ می‌گوید: «رشد جمعیت ایران سالانه حدود سه درصد است؛ اما ما یک برنامه‌ریزی داریم و امیدواریم که آن را کاهش دهیم.»

ادامه تحرکات تحدید جمعیتی بعد از انقلاب

موضوع جمعیت البته از این عجایب زیاد دارد و حکایت های آن ضمن وقایع انقلاب و پس از آن نیز ادامه پیدا می کند. مثلاً هنوز انقلاب پیروز نشده است که خانم «جرجی گایر» - خبرنگار روزنامه لس آنجلس تایمز - در نوفل لوشاتو به سراغ حضرت امام (ره) می رود و از ایشان می پرسد که: نظر حضرتعالی در مورد کنترل موالید و تحصیل زنان و مردان در دانشگاه به صورت مختلط چیست؟! بله، شانزدهم آذر ۵۷ است، هنوز انقلاب پیروز نشده و به قول معروف نه به دار است و نه به بار؛ اما آمریکایی ها نگران برنامه تحدید نسل ایرانیان هستند! بعد از پیروزی انقلاب و در ابتدای پاییز ۱۳۵۸ نیز دکتر «کاظم سامی» - وزیر بهداشتی دولت موقت - نامه ای بلند بالا خطاب به حضرت امام (ره) می نویسد و در آن درخواست می کند که ایشان جواز از سرگیری برنامه تنظیم خانواده را صادر نمایند. اما موضع امام (ره) در اردیبهشت ۵۸ و صرفاً سه ماه پس از پیروزی انقلاب بیان شده بود. آنجا که فرموده بودند: «مملکت ایران ۳۵ میلیون حالاً می گویند جمعیت دارد. وسعتش آن قدر است که برای ۱۵۰ میلیون تا ۲۰۰ میلیون جمعیت کافی است. یعنی اگر ۲۰۰ میلیون جمعیت داشته باشد، در ایران بارفاه زندگی می کنند».

اما گروهی در دولت های دهه شصت، با وجود آگاهی از موضع حضرت امام (ره) به شدت پیگیر کنترل جمعیت بودند؛ به گونه ای که حتی می خواستند سرشماری را که باید ۱۰ سال یک بار صورت بگیرد؛ پیش از موعد و به جای سال ۱۳۶۵، در سال ۱۳۶۳ برگزار نمایند. (ر.ک پاورقی ص ۳۴ کتاب جمعیت شناسی؛ مبانی و زمینه ها از دکتر حسن سرایی) شوق این افراد برای از سرگیری برنامه تحدید نسل به اندازه ای بود که نهایتاً نیز طاقت نیاوردند و پیش از انجام سرشماری سال ۱۳۶۵، کنترل جمعیت را بی سروصدا و مخفیانه در روستاهای کشور آغاز کردند.

این جریان پس از رحلت حضرت امام (ره) نیز به فعالیت خود ادامه داد؛ هر چند رهبر معظم انقلاب موضع خود را صرفاً پس از گذشت یک ماه از آغاز زعامت خود و مورخ ۱۳۶۸/۴/۱۸ بیان کرده بودند که: «ما اگر دو برابر امروز هم جمعیت داشته باشیم، باز هم می توانیم بدون کمترین نیازی به کشورهای دیگر، خود را به بهترین وجه اداره کنیم».

دولت سازندگی و تصویب قانون کنترل جمعیت

دولت وقت به شدت پیگیر کنترل جمعیت بود و آن را در برنامه نخست توسعه جای داد. پس از آن هم لایحه‌ای تهیه کرد و به مجلس فرستاد که در سال ۱۳۷۲ تصویب و تبدیل به قانون تنظیم خانواده و جمعیت شد. در سال ۱۳۷۳ نیز هیئتی از طرف دولت وقت به کنفرانس بین‌المللی جمعیت و توسعه قاهره رفتند و در آنجا تعهد دادند که رشد جمعیت کشور را به صفر برسانند!

اسنادی که بعدها در زکرت نشان می‌داد که پیگیری تحدید نسل در دولت‌های موسوم به سازندگی در هماهنگی کامل با بانک جهانی بوده و برای نمونه، اساساً تشکیل دفتر سلامت جمعیت، خانواده و مدارس وزارت بهداشت (دفتر جمعیت و تنظیم خانواده سابق) ناشی از توافق دولت و بانک جهانی برای دریافت وام بوده است. همین دفتر در وزارت بهداشت، متولی پیشبرد عموم برنامه‌های تحدید نسل در دولت شد و در طول این سالیان شاخه‌ای تنومند از آن شجره خبیثه‌ای بوده است که ذکرش رفت. نخستین مدیرکل دفتر سلامت جمعیت وزارت بهداشت، دکتر «صمد اسدپور» بود. فردی که اکنون یک ضدانقلاب تابلودار و مرید رضا پهلوی است و در کانادا زندگی می‌کند. حقیقتاً مشخص نیست که این فرد چگونه توانسته با وجود سخت‌گیری‌های ابتدای انقلاب، به آن جایگاه در وزارت بهداشت برسد؟

ممکن است برخی افراد نامطلع، در ارتباط شبکه تحدید نسل پیش و پس از انقلاب تشکیک کنند. مرور بخش ذیل از مقاله دکتر «مهدی امانی» که پدر جمعیت‌شناسی ایران خوانده می‌شود، برای رفع این تردید کفایت می‌کند: «فکر تنظیم خانواده از سال‌های قبل از ۱۳۴۰ به وسیله خانم ستاره فرمانفرمائی‌ان و دکتر مومنی و سایرین به وجود آمد و... رفته رفته با آمادگی اجتماعی در مقابل این برنامه رسماً در سال ۱۳۴۷ سازمان تنظیم خانواده در وزارت بهداشت به مدیریت مرحوم دکتر سرداری تاسیس شد و کار خود را در سراسر کشور آغاز نمود... برنامه‌های سازمان مزبور را متخصصینی چون... دکتر متین، دکتر محیط و سایرین، با دلسوزی و صلاحیت تام مدیر اصلی آن (مرحوم دکتر سرداری) اجرا و نظارت می‌کردند. مدت قریب به ۱۰ سال این برنامه با موفقیت و تأثیر قابل توجهی ادامه داشت که هم اکنون نیز فکر و عمل در زمینه کنترل جمعیت و تنظیم خانواده در ایران، دنباله طبیعی همان ۱۰ سال است.»

همچنین تقریباً سه سال قبل بود که بنیاد چالش‌های جهانی سوئد گزارشی با عنوان «معجزه ایرانی: مؤثرترین برنامه کنترل جمعیت تاریخ» منتشر کرد و در آن نوشت: «در سمینار جمعیت و توسعه در مشهد (در سال ۱۳۶۷ که نقطه عطف آغاز مجدد برنامه تحدید نسل در ایران به شمار می‌آید) جمعیت‌شناسان و دیگر کارشناسان که چندین نفر از آنها در دانشگاه‌های غربی در موضوع «کنترل جمعیت» در دهه ۱۹۷۰ آموزش دیده بودند، گرد هم آمدند و به طور جدی خواستار اجرای سیاست کنترل جمعیت ملی با هدف کاهش باروری شدند.»

به هر حال برنامه تحدید نسل ایرانیان در تضاد با منافع ملی، ادامه یافت. در سال ۱۳۷۹، مطالعات یک جمعیت‌شناس ایرانی به نام «دکتر محمد جلال عباسی شوازی»، نشان داد که سطح باروری در ایران با سرعتی بی‌نظیر کاهش یافته و به حد جانیشینی (۲.۱ فرزند به ازای هر زن در سن بارداری) رسیده است. وی از استرالیا روانه آمریکا شد تا نتیجه مطالعه را به «رونالد فریدمن» برساند. فریدمن کسی است که گروه مطالعات جمعیتی دانشگاه میشیگان را با حمایت بنیاد فورد تأسیس کرد. عباسی شوازی در اولین نامه نگاری خود با این دانشمند یهودی که سابقه کار با بنیاد راکفلر را نیز داشت، تأکید کرد که می‌تواند بر سیاست‌سازان موضوع جمعیت در ایران اثر بگذارد!

در شرایطی که هزینه پروژه‌های تحقیقاتی و حتی مبلمان و رایانه انجمن جمعیت‌شناسی ایران را صندوق جمعیت سازمان ملل می‌داد، طبیعی بود که صدای هشدار از جمعیت‌شناسان ایرانی شنیده نشود و کنترل جمعیت حتی پس از رسیدن نرخ باروری به حد جانیشینی نیز ادامه یابد.

زمان گذشت تا اینکه در سال ۱۳۸۹، رئیس‌جمهور وقت با ادامه سیاست تحدید نسل مخالفت کرد. شبکه تحدید نسل بلافاصله به میدان آمد. یکی در مجلس نطق کرد و علیه این صحبت دکتر احمدی‌نژاد مصاحبه نمود و یکی مثل دکتر «حسین ملک افضلی» که به قول روزنامه واشنگتن پست، معمار اصلی پروژه تحدید نسل پس از انقلاب است، با صندوق جمعیت سازمان ملل مصاحبه کرد و گفت: «متأسفانه این روزها برخی از شخصیت‌های موثر محلی (رئیس‌جمهور)، توقف برنامه کنترل جمعیت را مطرح کرده‌اند. بنابراین به نظر

می‌رسد، ضرورت آگاه کردن سیاستگذاران برای حفظ «تعهد سیاسی» مانند گذشته وجود دارد... اگر ما می‌خواهیم موضوع جمعیت را همین‌گونه که هست حفظ کنیم به گسترش جدی‌تر تنظیم خانواده در موضوع کنترل جمعیت و مباحث ایدز و بیماری‌های مقاربتی نیاز داریم. بنابراین ما به کار مصرانه بر روی «تعهد سیاسی» نیاز داریم، (مقصود تعهدات کنفرانس جمعیت و توسعه و توسعه هزاره است) زیرا با تغییرات قدرت، ارائه اطلاعات کافی به سیاستگذاران الزامی است.»

ملک افضلی که تحصیل کرده و تبعه آمریکا است و رئیس انجمن تنظیم خانواده پس از انقلاب و از اعضای هیئت ایرانی شرکت‌کننده در کنفرانس جمعیت و توسعه قاهره، این چنین به راهنمایی یک نهاد بین‌المللی با ماهیت کاملاً ضد جمعیتی می‌پردازد؛ صندوق جمعیت که در سال ۱۹۶۹ و بنا به توصیه کمیته انجمن سازمان ملل به ریاست راکفلر، تأسیس شده بود.

صندوق جمعیت در این سال‌ها به توصیه‌های ملک افضلی عمل کرده است، به عنوان نمونه می‌توان به طرحی با عنوان «حمایت از وزارت بهداشت برای یافتن فعال موارد (اچ.آی.وی) در افراد با رفتارهای پرخطر» با حمایت مالی ۲۹۵۰۰ دلاری سفارت استرالیا یا پرداخت هزینه ۳۰ دستگاه اتوبوس مربوط به کمپین پیشگیری از «اچ.آی.وی» توسط صندوق جمعیت در سال ۱۳۹۵ اشاره کرد، اما مگر سازمان ملل یک آژانس ویژه به نام دفتر برنامه مشترک ایدز (UNAIDS) ندارد تا به این موضوع بپردازد؟ صندوق جمعیت چه ربطی به این موضوع داشته است؟



به عنوان نمونه این دو متهم در سال ۱۳۹۲ به همراه دکتر «پیتر مک دونالد» (جمعیت شناس مطرح استرالیایی که سابقه امنیتی دارد) به ایران می‌آیند و در برنامه‌ای مفصل، نهایت سعی خود را برای تأییدگذاری بر تصمیم‌گیران کشوری مسئله جمعیت به کار می‌گیرند. عباسی شوازی در این برهه که تهیه و تدوین قانون در مجلس پیگیری می‌شد، به بالاترین سطوح مسئولین کشوری (رئیس‌جمهور، رئیس مجلس، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام و ...) نامه زده و در مرکز پژوهش‌های مجلس نیز حاضر می‌شود و برای انحراف سیاست جدید جمعیتی و به تأخیر انداختن اجرای آن تلاش می‌کند.

ورود دستگاه امنیتی به اقدامات ضد جمعیتی

عملکرد مخرب شبکه تحدید نسل در تمام این سال‌ها ادامه پیدا می‌کند تا اینکه برخی از اقدامات دو تن از جمعیت شناسان مطرح کشور، تحت رصد سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی قرار می‌گیرد. با پیشرفت تحقیقات، زوایای عجیبی از تلاش این

دو نفر برای نفوذ در مسئولین کشور ملاحظه می شود.

به عنوان نمونه این دو متهم در سال ۱۳۹۲ به همراه دکتر «پیت مک دونالد» (جمعیت شناس مطرح استرالیایی که سابقه امنیتی دارد) به ایران می آیند و در برنامه ای مفصل، نهایت سعی خود را برای تأثیرگذاری بر تصمیم گیران کشوری مسئله جمعیت به کار می گیرند. عباسی شوازی در این برهه که تهیه و تدوین قانون در مجلس پیگیری می شد، به بالاترین سطوح مسئولین کشوری (رئیس جمهور، رئیس مجلس، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام و...) نامه زده و در مرکز پژوهش های مجلس نیز حاضر می شود و برای انحراف سیاست جدید جمعیتی و به تاخیر انداختن اجرای آن تلاش می کند.

هزینه این سفر را صندوق جمعیت سازمان ملل می دهد و نام فایلی که بعدها در لپ تاپ متهم پیدا می شود و در آن به گزارش این سفر اشاره شده، «مأموریت تهران (Tehran Mission)» است! این کار در مقاطع بعدی نیز پیگیری می شود چنان که در سال ۹۷ «ط.س» - نماینده پیشین مجلس شورای اسلامی - به شوازی اطلاع می دهد که توانسته «طرح جامع جمعیت و تعالی خانواده» را از دستور کار مجلس خارج کند!

نفوذی پر دامنه برای ضربه جمعیتی

البته دامنه نفوذ متهمین بسیار بیشتر از موارد فوق بود. برخی از جایگاه ها و دستگاه های دیگری که طی این سال ها تحت نفوذ و ادراک سازی این دو قرار گرفته اند، به قرار ذیل است: شورای عالی انقلاب فرهنگی، وزارت بهداشت، معاونت امور زنان و خانواده، سازمان برنامه و بودجه، وزارت علوم، وزارت کار، وزارت جهاد کشاورزی، مرکز بررسی های استراتژیک ریاست جمهوری، مرکز آمار، فرهنگستان علوم پزشکی، دانشگاه تهران، انجمن جمعیت شناسی ایران، دانشکده مطالعات جهان و موسسه تحقیقات سلامت.

شوازی در نامه درخواست خود برای دریافت تابعیت استرالیا (فوریه و ژولای ۲۰۱۴) در مورد آنکه وجودش تاکنون چه فایده ای برای استرالیا داشته، به جمع آوری و انتقال داده های دست اول و ویژه (first hand data) از ایران اشاره کرده بود. وی همچنین داده های مربوط به جمعیت میلیونی مهاجران افغانستانی را در سطح فرد! در اختیار بیگانگان قرار داده بود؛ داده هایی

محرمانه که معمولاً در اختیار محققین قرار نمی‌گیرد. وی در نامه درخواست خود برای دریافت این داده‌ها، به رئیس وقت مرکز آمار تعهد داده بود که اصل محرمانگی را رعایت کند و آنها را در اختیار فرد یا سازمان دیگری قرار ندهد.

یکی از اساتید خانم جمعیت شناس نیز در سال ۹۷ و در حال انتقال داده‌های مطالعه شاخص‌های سلامت و جمعیت (DHS) ایران به خارج از کشور، در فرودگاه امام خمینی تهران دستگیر شده بود. جالب است بدانید پرواز برگشت وی از قطر به استرالیا ۳۵ میلیون تومان قیمت داشت، در حالی که مبلغ قرارداد کل تیم او برای مطالعه بر روی این داده‌ها تنها ۳۰ میلیون تومان بوده است. آیا «م.ح» برای دستیابی به این ۳۰ میلیون تومان، بیش از ۷۰ میلیون تومان هزینه بلیط هواپیما داده و از استرالیا روانه ایران شده بود؟!

تلاش برای قانونی کردن سقط جنایی در ایران

متهمین همچنین پروژه‌هایی را به منظور قانونی کردن سقط جنین جنایی در ایران به انجام رسانده بودند. در خلاصه یکی از این تحقیقات که شوازی در کنفرانس «اتحادیه بین‌المللی مطالعات علمی جمعیت» در بوسان کره جنوبی ارائه کرده، رسماً احکام اسلامی مورد تخطئه قرار گرفته است: «حقوق زنان ایرانی به وسیله فرهنگ قدیمی پیچیده شده در مباحث قانون اسلامی، محدود شده است!» البته «ع.ش» پیش از اینکه این تحقیقات را با دلارهای کثیف سازمان بهداشت جهانی، بنیاد فورد و تراست انگلیسی ولکام انجام دهد و طبق متن قرارداد بخواهد سیاست‌سازان (رهبران مذهبی و عناصر دولت و مجلس) را متقاعد کند؛ برای قانونی شدن سقط جنین جنایی در ایران نقشه راه طراحی کرده بود.

او در نامه خرداد ۱۳۸۰ خود خطاب به دکتر «امیر هوشنگ مهریار» - از طراحان پروژه تحدید نسل پس از انقلاب که در سال ۱۳۵۵ به مدت یک سال در سوئیس دوره «بهداشت باروری و تنظیم خانواده سازمان جهانی بهداشت» را گذرانده بود - نوشته بود: «چنانچه بر مبنای قطعنامه کنفرانس جمعیت و توسعه در قاهره، تعریف بهداشت را به بهداشت روحی و روانی تعمیم دهیم و جوانب مختلف سلامت مادر و کودک مدنظر باشد، احتمالاً با آگاهی بخشی پزشکان، روانشناسان و متخصصین بهداشتی در مورد اثرات منفی فرزندان ناخواسته بر سلامت جسمی و روحی و روانی مادران و فرزندان، و نیز

“

هزینه این سفر را صندوق جمعیت سازمان ملل می‌دهد و نام فابلی که بعدها در لپ تاپ متهم پیدا می‌شود و در آن به گزارش این سفر اشاره شده، «مأموریت تهران» است! این کار در مقاطع بعدی نیز پیگیری می‌شود چنان که در سال ۹۷ «طس» - نماینده پیشین مجلس شورای اسلامی - به شورای اطلاع می‌دهد که توانسته «طرح جامع جمعیت و تعالی خانواده» را از دستور کار مجلس خارج کند!

تحلیل ژورنال

۵۵

تیر ماه ۱۴۰۱
هیأت‌رئیسندگان اسلام

با متقاعد نمودن علمای مذهبی از نظر علمی، می‌توان حمایت آنها را نسبت به تجویز سقط جنین در موارد خاص جلب نمود... همان گونه که قبلاً نیز ذکر گردید، ارائه خدمات موثر تنظیم خانواده از جمله سقط جنین برای خانواده‌ها لازم و مفید است!

شوازی علاوه بر اینها، از دولت آمریکا (موسسه ملی سلامت) گرنت تحقیقاتی گرفته بود. با بنیاد راکفلر مرتبط بود، با مسئولین بلندپایه شورای جمعیتی آمریکا مراوده داشت و با این شورا همکاری می‌کرد.

وی همچنین در تهیه گزارش براندازانه بنیاد کارنگی (Carnegie Corporation) در مورد ایران همکاری کرده بود. متهمین آگاهانه پروژه آژانس توسعه بین‌الملل آمریکا (USAID) را انجام داده بودند و با کارشناس ارشد این آژانس همکاری داشتند. تحقیقات صورت گرفته ارتباط و همکاری این دو نفر با ۸ مورد از لیست ۶۲ موردی وزارت اطلاعات را اثبات کرد؛ لیستی که در دی ماه ۱۳۸۸ توسط معاون خارجی وزارت اطلاعات منتشر و عنوان شده بود که هرگونه ارتباط افراد حقیقی و حقوقی با این موسسات و بنیادهای برانداز ممنوع است.

وقتی که برژینسکی در مصاحبه معروفش با وال استریت ژورنال می‌گوید: «از فکر کردن به حمله پیشدستانه علیه تاسیسات هسته‌ای ایران اجتناب کنید و گفت‌وگوها با تهران را حفظ کنید، بالاتر از همه بازی طولانی مدتی را انجام دهید، چون زمان، آمارهای جمعیتی و تغییر نسل در ایران به نفع رژیم کنونی نیست»، مقصودش این است که جنگ را به بعد از سالخوردگی شدید جمعیت ایران موکول کنید.

کاهش اعجاب‌انگیز نرخ باروری در ایران

در سه دهه گذشته، نرخ باروری کلی در جهان، نزدیک به ۳۳ درصد و در جهان اسلام، نزدیک به ۴۱ درصد کاهش داشته اما نرخ باروری کلی در ایران ۷۰ درصد کاهش یافته است. (تحولات جمعیتی ایران، ص ۳۸)

نرخ باروری به متوسط تعداد نوزادانی می‌گویند که هر زن در سنّ باروری به دنیا می‌آورد. طبق تعاریف بین‌المللی زنان ۱۵ تا ۴۹ سال هر جامعه‌ای، در سن

باروری محسوب می‌شوند.

دکتر نیکولاس ابراشات از محققان انستیتو اینترپرایز آمریکا، در مقاله‌ای با عنوان «کاهش باروری در جهان اسلام، تغییری فاحش که در کمال تعجب، کسی متوجه آن نشده است»، می‌گوید: «کاهش نرخ باروری در ایران طی ۳۰ سال گذشته، حیرت‌انگیز و معادل ۷۰ درصد بوده است. این میزان، یکی از سریع‌ترین و چشمگیرترین آمارهای کاهش باروری در تاریخ بشر بوده است.» (پایگاه اطلاع‌رسانی مشرق نیوز، ۱۱ فروردین ۱۳۹۲).

نرخ باروری به متوسط تعداد نوزادانی می‌گویند که هر زن در سن باروری به دنیا می‌آورد. طبق تعاریف بین‌المللی زنان ۱۵ تا ۴۹ سال هر جامعه‌ای، زنان در سن باروری محسوب می‌شوند.

ضرورت نگاه آینده‌نگرانه در مسئله جمعیت

درباره بحث جمعیت باید یک نگاه آینده‌نگرانه داشت. آینده‌های که درباره آن حرف می‌زنیم، چندان دور نیست. آینده‌های است که بسیاری از جوانان و میانسالان امروز ما آن را خواهند دید. ما اگر به مشکلاتی که در اثر کم شدن جمعیت به سراغمان خواهد آمد، فکر کنیم، متوجه خواهیم شد که نباید با نگاه به مشکلات امروز برای آینده تصمیم بگیریم؛ زیرا با این نگاه، آینده‌مان را خراب خواهیم کرد.

ما قبول داریم که مردم در حال حاضر با مشکلات اقتصادی فراوانی دست و پنجه نرم می‌کنند. برای برخی از مردم این مشکلات اقتصادی بسیار طاقت‌فرسا است؛ اما این دور از انصاف است که ما به جهت وجود مشکلات اقتصادی که در بسیاری از کشورهای پیشرفته وجود دارد، به طور کلی، پیشرفت‌های چند دهه بعد از انقلاب را فراموش کنیم. ما در این سی و اندی سال، ثابت کرده‌ایم که می‌توانیم کشورمان را بسازیم و در آینده هم، چنین خواهد بود.

انفجار سالمندی

اکنون باید نگران انفجار سالمندی در دهه‌های آینده باشیم. سالمندی جمعیت، سه مرحله دارد. در مرحله اول، یک جامعه به سوی سالمند شدن پیش می‌رود. در این مرحله ۷ تا ۱۴ درصد از جمعیت جامعه در سنین بالای ۶۰ سال قرار می‌گیرند؛ که بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰، هشت درصد جمعیت کشور، بالای ۶۰ سال هستند. طبق



یکی از اساتید خانم جمعیت‌شناس نیز در سال ۹۷ و در حال انتقال داده‌های مطالعه شاخص‌های سلامت و جمعیت ایران به خارج از کشور، در فرودگاه امام خمینی تهران دستگیر شده بود. جالب است بدانید پرواز برگشت وی از قطر به استرالیا ۳۵ میلیون تومان قیمت داشت، در حالی که مبلغ قرارداد کل تیم او برای مطالعه بر روی این داده‌ها تنها ۳۰ میلیون تومان بوده است. آیا «م.ح» برای دستیابی به این ۷۰ میلیون تومان هزینه بلیط هواپیما داده و از استرالیا روانه ایران شده بود؟!

تحلیل‌های ۳۹

این آمار، باید گفت ایران، وارد مرحله سالمندی شده است.

اما در مرحله دوم، جامعه، دیگر سالمند شده است که بین ۱۴ تا ۲۱ درصد جمعیت جامعه در سنین بالای ۶۰ سال، قرار می‌گیرند. مرحله سوم، مرحله فوق سالمندی یا انفجار سالمندی است که بیش از ۲۱ درصد از جمعیت در سنین بالای ۶۰ سال قرار دارد. در حال حاضر، ایران، ششمین کشور جهان است که به سرعت به سوی سالمندی پیش می‌رود (جنگ جمعیتی، ص ۳۴).

آثار و پیامدهای کاهش جمعیت

برخی از آثار و پیامدهای کاهش جمعیت عبارتند از:

۱. عدم رشد و توسعه اقتصادی

از جمله آثار و پیامدهای منفی کاهش جمعیت، تغییر ساختار جمعی و به اصطلاح، پیر شدن جمعیت کشور و در نتیجه، عدم رشد و توسعه اقتصادی است. بدین معنا که انتقال هرم سنی جمعیت از جوانی به سالخوردگی، در شرایطی است که محرکه اصلی و کلیدی توسعه «منابع انسانی» می باشد؛ زیرا اگر به راستی دولتی بخواهد در خدمت مردم باشد و در تلاش برای توسعه اقتصادی جامعه باشد، و همه توان و ظرفیت منابع ملی، سرمایه و زیرساخت‌های سخت افزاری و نرم افزاری را به درستی به کار گیرد، افزایش جمعیت عاملی برای شتاب روند توسعه اقتصادی می باشد؛ زیرا مهم ترین نیاز اولیه توسعه اقتصادی، وجود نیروهای جوان، فعال و کارآمد است.

بنابراین، کاهش جمعیت موجب پیری جمعیت است که خود مانعی برای رشد و توسعه اقتصادی خواهد بود. به عبارت دیگر، در شرایط کنونی که جامعه اسلامی ما با معضل گسل کاهش جمعیت مواجه است، این امر عامل مهمی برای عقب ماندگی و عدم توسعه کشور است.

۲. پیری و بی‌نشاطی جمعیت

از دیگر مشکلات ناشی از تنظیم خانواده و کنترل جمعیت، پیری جمعیت و فقدان نشاط و تحرک لازم اقتصادی، اجتماعی است. روشن است که توسعه و رونق اقتصادی وابسته به نیروی جوان و کارآمد است. با کاهش و رشد منفی جمعیت، جمعیت جامعه پیر می شود و از نشاط و سرزندگی لازم برخوردار نخواهد بود؛ زیرا جوانان مایه پویایی و سرزندگی جوامع هستند و غالب

نوآوری‌ها، خلاقیت‌ها و نیز جهش‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی توسط نیروهای جوان به منصفه ظهور می‌رسد.

در جامعه با جمعیت پیر، دولت‌ها و صاحبان سرمایه، احساس خطر می‌کنند. اساساً ناامیدی بر جامعه سایه می‌افکند و جامعه به سمت محو شدن کامل حرکت می‌کند. ژاک شیراک، نخست‌وزیر وقت فرانسه، درباره کشورهای مدرن اروپایی پیش‌بینی کرد: «اروپا در حال محو شدن است. به زودی کشورهای ما خالی می‌شوند.» به همین دلیل بعضی کشورهای بزرگ، از جمله کانادا به طور جدی روی برنامه مهاجرت‌پذیری، سرمایه‌گذاری کرده‌اند. در حال حاضر، ایالت کبک در کانادا حمایت از زادآوری را شروع کرده است. در این ایالت، برای نوزادان جدید ۷۵۰۰ دلار نقد در نظر گرفته شده است.

۳. آسیب‌های اخلاقی و تربیتی

کودکان در خانواده‌های کم جمعیت، به ویژه تک‌فرزندی، همواره با سلسله خواست‌ها و انتظارات بی‌پایانی رشد می‌کنند که همه یا اکثر آنها برآورده می‌شود. از این رو، فرزندان در چنین خانواده‌هایی با مفاهیم ارزشی و اخلاقی‌ای نظیر قناعت، ایثار، گذشت، کمک به هم‌نوعان، صبر، شکیبایی، تحمل، مدارا و... بیگانه خواهند بود.

یکی از پیامدهای منفی کاهش و نیز کنترل جمعیت، آسیب‌های اخلاقی و تربیتی است. جان رایان، دین‌شناس کاتولیک آمریکایی، از زنان می‌خواهد که بچه‌های زیادی داشته باشند. وی معتقد است تأمین خانواده‌های بزرگ، به نوعی از نظم‌نیا دارد که حاصل آن زندگی موفق است. نوع زندگی‌ای که فقط با داشتن هزینه ادامه زندگی اتفاق می‌افتد؛ یعنی ایثار کردن، احیای خود برای دست برداشتن از امکانات و پیش‌دستی برای رسیدن به آینده. وی معتقد است: کارشناسانی که به کنترل مولید معتقدند، به نوع شخصیت‌هایی که لازم است درست شود تا جامعه به صورت متعادل رشد کند و به حیات خود ادامه دهد، فکر نکرده‌اند. نکته دیگر اینکه، خانواده‌های کم جمعیت ممکن است ثروتمند شوند، اما ثروتمند شدن آنان، از فقیر ماندنشان خطرناک‌تر است. این موضوع به واقعیتی غیرقابل انکار اشاره دارد؛ زیرا ما در مباحث جمعیت‌شناختی، غالباً به آسیب‌هایی توجه می‌کنیم که از ترکیب فقر و پرجمعیتی خانواده‌ها به وجود می‌آید. در این زمینه از یک سو، از آسیب‌های اخلاقی و تربیتی‌ای که متوجه خانواده‌های کم جمعیت، به ویژه تک‌فرزندی است، غافل می‌شویم و از سوی دیگر، به منافع و فوایدی که در خانواده‌های پرجمعیت وجود دارد، توجه نکرده‌ایم؛ زیرا ترکیب



شوازی در نامه درخواست خود برای دریافت تابعیت استرالیا در مورد آنکه وجودش تاکنون چه فایده‌ای برای استرالیا داشته، به جمع‌آوری و انتقال داده‌های دست اول و ویژه از ایران اشاره کرده بود. وی همچنین داده‌های مربوط به جمعیت میلیونی مهاجران افغانستانی را در سطح فردا در اختیار بیگانگان قرار داده بود؛ داده‌هایی محرمانه که معمولاً در اختیار محققین قرار نمی‌گیرد. وی در نامه درخواست خود برای دریافت این داده‌ها، به رئیس وقت مرکز آمار تعهد داده بود که اصل محرمانگی را رعایت کند و آنها را در اختیار فرد یا سازمان دیگری قرار ندهد.

تحلیل ژورنالی

رفاه و تک فرزندی، خود مقوله‌ای است که می‌تواند موجب بروز مشکلات فراوانی شود؛ زیرا کودکان در خانواده‌های کم جمعیت، به ویژه تک فرزندی، همواره با سلسله خواست‌ها و انتظارات بی‌پایانی رشد می‌کنند که همه یا اکثر آنها برآورده می‌شود. از این رو، فرزندان در چنین خانواده‌هایی با مفاهیم ارزشی و اخلاقی‌ای نظیر قناعت، ایثار، گذشت، کمک به هم‌نوعان، صبر، شکیبایی، تحمل، مدارا و... بیگانه خواهند بود. از سوی دیگر، به دلیل اصالت رفاه و لذت، والدین نیز فرزند بیشتر را «مزامح» تلقی می‌کنند.

والدین در چنین خانواده‌هایی، از نعمت فرزندان، بی‌بهره خواهند بود. بنابراین، اگر در نگرش دینی قناعت، ایثار، گذشت، همیاری، کمک به هم‌نوعان، کار و تلاش برای رشد و راحتی دیگران و سایر ارزش‌های اخلاقی، فی‌نفسه ارزش است و رفاه و لذت مادی در درجه دوم اعتبار و اهمیت قرار دارد، سیاست‌های کاهش جمعیت تا حد پیدایش خانواده‌های تک‌فرزند از این منظر، امری نامطلوب خواهد بود؛ زیرا کنترل جمعیت منجر به هسته‌ای شدن و تک‌فرزندی شدن خانواده شده، و این خود تابعی از اولویت یافتن رفاه و لذت مادی است. این امر تغییراتی را در رفتارهای جنسی مردان و زنان موجب می‌شود. دستیابی دختران و پسران در سنین مختلف به ابزارهای کنترل بارداری و اطمینان از عدم بارداری‌های ناخواسته، زمینه لازم را برای ایجاد روابط جنسی خارج از چارچوب خانواده افزایش می‌دهد. علاوه بر اینکه، تنظیم خانواده و کنترل جمعیت دستاویز مناسبی برای مدافعان سقط جنین در جامعه می‌شود.

به همین دلیل، جنبش اصلاح نژادی (good birth movement)، شعار کاهش جمعیت، عقیم‌سازی، کنترل زاد و ولد و سقط جنین را به عنوان آرمان جهانی خود، در جهت رفع فقر و ایجاد جامعه‌ای متکامل معرفی کرده است. طبیعی است که دستاوردهای این شعار، نوید جامعه‌ای با اندیشه دستیابی به پیشرفت اجتماعی، بدون نیاز به دین و اخلاق است. این اقدامات غیراخلاقی، که در سایه شعارهای به ظاهر جذاب کنترل جمعیت و سقط جنین‌های اختیاری صورت می‌گیرد، توسط سازمان بهداشت جهانی، بانک جهانی و یونسف در حال پیاده شدن در کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته‌اند.

به نظر می‌رسد، اینها جملگی آسیب‌های اخلاقی است که دامنگیر سیاست کنترل جمعیت می‌باشد.

۴. هزینه نگهداری سالمندان

در جوامعی که خانواده‌ها به سمت تک‌فرزندی می‌روند، تأسیس و راه‌اندازی خانه‌های سالمندان یک ضرورت می‌شود. وقتی پدر و مادر به سنی می‌رسند که به‌تنهایی توانایی اداره خودشان را ندارند، نیازمند به شخص دیگری می‌شوند. اگر این پدر و مادر، چند فرزند داشته باشند به‌صورت طبیعی آنان از والدین خود به نوبت مراقبت می‌کنند؛ اما اگر آنها یک فرزند داشته باشند، مسئولیت نگهداری والدین به دوش همین یک فرزند می‌افتد. این فرزند اگر بخواهد بار نگهداری از والدین را به دوش بکشد، باید از کار و فعالیت چشم‌پوشیده، بسیاری از کارهای دیگر خود را تعطیل کند.

به‌صورت طبیعی بسیاری از فرزندان این کار را نمی‌کنند و یا بهتر است بگوییم نمی‌توانند این کار را انجام دهند. در نتیجه دولت باید وارد عمل شده از سالمندان نگهداری کند. اگر فرزندان هم بخواهند بار نگهداری از والدین را بر دوش بکشند، پیشرفت جامعه متوقف خواهد شد؛ زیرا با وجود وقت قابل توجهی که نگهداری از یک سالمند می‌گیرد، نسل بعدی از فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی محروم خواهد شد.

در حال حاضر ایرانی‌ها در حال رفتن به تک‌فرزندی هستند. در نسل جدید، یعنی متولدین بعد از سال ۱۳۵۰، حدود ۲۴ درصد از خانواده‌ها بدون فرزند و ۳۴ درصد دارای یک فرزند هستند.

۵. کم‌شدن نیروی کار و کاهش تولید

نیروی کار در هر جامعه‌ای طبق تعریف استاندارد بین‌المللی افرادی هستند که بین ۱۵ تا ۶۵ سال سن دارند. این افراد تولید ثروت می‌کنند و افراد دیگر (زیر ۱۵ و بالای ۶۵ ساله‌ها) مصرف می‌کنند. وقتی جامعه‌ای به مرحله سالمندی رسیده باشد، به‌صورت طبیعی نیروی کار (که تولیدکننده است) کم می‌شود و نیروی سالخورده و بازنشسته (که مصرف‌کننده است) افزایش می‌یابد؛ در این صورت تناسبی بین تولید ثروت و مصرف آن جامعه نخواهد بود.

۶. مهاجرت‌پذیری

جامعه‌ای که نیروی کار کافی نداشته باشد، چاره‌ای جز وارد کردن نیروی کار ندارد. وقتی

نیروی کار وارد جامعه شد، فرهنگ خود را هم وارد می‌کند. به تجربه ثابت شده شهرهای مهاجرپذیر مشکلات و ناهنجاری‌های اخلاقی بیشتری نسبت به شهرهای بومی و اصیل دارند. به راحتی می‌توان تصور کرد که اگر مادر دهه‌های آینده مجبور باشیم از کشورهای دیگر، که حتی در همسایگی ما هستند، نیروی کار وارد کنیم، چه بلایی سر فرهنگ ما خواهد آمد.

۷. ضعیف شدن نیروی دفاعی کشور

کاهش جمعیت جوان، به معنای کم شدن تعداد نیروهای توانمند برای دفاع از اقتدار، امنیت و تمامیت ارضی کشور است و این موضوع برای کشوری با ویژگی‌های نظام جمهوری اسلامی ایران که همواره در معرض تهدیدهای فزاینده نظام سلطه و جهان استکبار است، بسیار خطرناک است.

بدون تردید جمعیت جوان و همچنین داشتن جمعیت بیشتر، یکی از مؤلفه‌های اصلی قدرت است. با پیشرفت‌هایی که در عرصه جنگ‌های مدرن شکل گرفته، برخی گمان کرده‌اند امروزه برای حفظ اقتدار دفاعی، نیاز چندانی به جمعیت نیست؛ اما این، یک گمان اشتباه است. همین قدر بدانیم که کشورهای مدعی جنگ مدرن، برای افزایش جمعیت خود به تکاپو افتاده‌اند. مثلاً رژیم صهیونیستی اسرائیل، با اینکه مدرن‌ترین تسلیحات نظامی را در اختیار دارد؛ اما به شدت با کنترل جمعیت مخالف است و در این رژیم، هر خانواده، حداقل باید چهار فرزند داشته باشد. جالب است بدانیم که در میان ۲۶ کشور منطقه غرب آسیا، از نظر نرخ باروری کل، رژیم اشغالگر قدس با نرخ ۹۱/۲، رتبه هفتم و ایران با نرخ ۵۹/۱، رتبه بیست و پنجم را دارد.

۸. کاهش جمعیت جوان و نخبه کشور

نیروی جوان، در پیشرفت علمی کشور نقش اساسی ایفا می‌کند. هر اندازه جمعیت به سمت سالمندی پیش می‌رود، به صورت طبیعی از طبقه جوان نخبه کاسته می‌شود. درست است که دانشمندان سالمند از سرمایه‌های بی‌بدیل هر جامعه محسوب می‌شوند؛ اما باید پذیرفت که نخبگان جوان بازوان اصلی این دانشمندان هستند.

بدون وجود نخبگان جوان، سلسله علمی جامعه دچار آسیب جدی می‌شود

و ممکن است حتی در جایی قطع شده، دیگر تداوم نیابد. برخی از کشورهای پیشرفته که با کاهش جمعیت مواجه شده‌اند، با جذب جوانان نخبه از کشورهای دیگر، این خلاء بزرگ را پُر می‌کنند.

برای درک جایگاه ویژه نخبگان جوان در پیشرفت کشور، کافی است بدانیم متوسط سنی دانشمندان هسته‌ای ما در مراکز مهم هسته‌ای ۲۵ سال است. توجه به سن دانشمندان شهید هسته‌ای، می‌تواند گویای نقش‌آفرینی نخبگان جوان در عرصه علمی کشور باشد. شهید مصطفی احمدی روشن، ۳۲ ساله؛ شهید داریوش رضایی نژاد، ۳۴ ساله؛ شهید مجید شهریار، ۴۹ ساله؛ و شهید مسعود علی محمدی، ۵۰ ساله.

اهمیت فرزند آوری و جمعیت در اسلام

در سبک زندگی سنتی ایرانیان و آنچه پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم به آن تشویق کرده است همیشه فرزندی در خانه هست و خانواده‌های پرجمعیت نگرانی‌ای از تنها شدن ندارند و همیشه نورچشمی هست تا به زندگی نشاط و شادابی بدهد. پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم با ترسیم رابطه مستقیمی بین فرزندان و والدین، می‌فرماید: «بچه‌ها را دوست داشته باشید و به آنها ترحم کنید خداوند به اندازه‌ای که به بچه‌ها رحم می‌کنید به شما رحم می‌کند.»

بر اساس آموزه‌های برگرفته از معارف ناب قرآن و اهل بیت علیهم السلام، یکی از مهم‌ترین فلسفه‌های ازدواج و تشکیل خانواده، زاد و ولد و تشکیل اجتماعات بشری است. اصولاً فلسفه ازدواج و تشکیل خانواده، بقای نسل بشری است که مطابق فلسفه‌آفرینش می‌باشد.

افراد از طریق ازدواج و فرزندآوری، موجب پیوند بین نسل‌ها و تداوم نسل بشر می‌شوند. اما اگر قرار باشد، علی‌رغم تشکیل خانواده، تأکید بر اصل ازدواج باشد و زاد و ولد، نه تنها به عنوان یک اصل مطرح نباشد، بلکه سیاست راهبردی جامعه تأکید بر کنترل موالید باشد، در بلندمدت جامعه با امحا و انقطاع نسل بشر مواجه خواهد شد؛ معضلی که امروزه بسیاری از کشورها با آن مواجه می‌باشند. کشور ما نیز در صورت تداوم کاهش جمعیت، با این بحران جدی مواجه خواهد شد.

روایات اسلامی و سبک زندگی ایرانی نشان می‌دهد که فرزند، عامل اقتدار و بازوی توانای والدین در شرایط سخت زندگی است. امام رضا سلام الله علیه فرمود: «...تَوْفِيرُ الْوَلَدِ لِنَوَائِبِ الدَّهْرِ وَ حَوَادِثِ الْأُمُورِ...» (از برکات ازدواج) اندوختن فرزند برای (رویارویی با) سختی‌های

روزگار و پیامدهای زمانه است.»

در نقلی، روزی امام حسن عسکری سلام الله علیه - که به دستور معتمد عباس در زندان به سر می برد - به یکی از یاران خود در زندان فرمود: آیا فرزند داری؟ عرض کرد: خیر! امام درباره او دعا فرمود: «اللَّهُمَّ اَرْزُقْهُ وَلَدًا يَكُونُ لَهُ عَصَدًا فَيَعْمَ الْعَصَدُ الْوَلَدُ؛ خدايا! به او فرزندی روزی کن که بازوی توانایی برای وی باشد؛ چرا که فرزند چه خوب بازویی است!» سپس حضرت این شعر را خواندند:

مَنْ كَانَ ذَا عَصَدٍ يَدْرِكُ ظِلَامَتَهُ إِنَّ الدَّلِيلَ الَّذِي لَيْسَتْ لَهُ عَصَدٌ «هر کس که بازویی (فرزندی) دارد، اگر ستمی بر او رود، فرزندش آن را می ستاند. ذلیل و خوار کسی است که بازو (فرزند) ندارد.»

امام زین العابدین سلام الله علیه نیز در این مورد فرمود: «مِنْ سَعَادَةِ الرَّجُلِ أَنْ يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ يَسْتَعِينُ بِهِمْ.. از سعادت مرد این است که فرزندی داشته باشد تا در مشکلات به یاریش برخیزند.»

به این جهت قرآن کریم داشتن مال و فرزندان را نشانه امداد الهی و وسیله قدرتمندی و اقتدار می داند و می فرماید: ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا؛ سپس غلبه و تسلط بر آنها را به شما باز می گردانیم و شما را به وسیله اموال و فرزندان یاری می کنیم و از حیث نفرت، بیشتر (از آنها) قرار می دهیم.

سلامت و شادکامی والدین

وجود فرزندان در خانواده آثار و فواید جسمانی و روحی - روان شناختی فراوانی برای والدین به دنبال دارد. خانواده هایی که صاحب فرزندند، بیش از خانواده های بدون فرزند از زندگی لذت می برند و احساس خوشبختی بیشتری می کنند.

قرآن کریم آنجا که «عِبَادُ الرَّحْمَنِ» (بندگان خاص خداوند) را معرفی می کند، یکی از خصوصیات آنها را این گونه بیان می فرماید: «وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا ذُرِّيَّتًا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا»؛ «و آنان کسانی هستند که می گویند: پروردگارا! برای ما از همسران و فرزندانمان روشنی دیدگان (و نسل های صالح، پاک و متقی) عطا کن و ما را بر پرهیزکاران (در مسابقه به سوی ایمان و رهبری در اصول و فروع و معارف) پیشواگردان.»



دختر امام (ره)
می گوید از سیطنت
بچه ام به امام (ره)
شکایت کردم. در
پاسخ گفتند: «من
حاضرم ثوابی را که
از تحمل شلوغی
فرزندت می بری با
تمام ثواب عبادات
خودم عوض کنم.»
این نکته قابل
توجهی است که
گاهی از ثوابهایی که
می بریم، غافلیم.

تحلیل و تفسیر

امام صادق سلام الله علیه نیز در سفارش به فردی که پس از سال‌ها ازدواج صاحب فرزند نشده بود، فرمود: زمانی که یکی از شما فرزنددار شدنش دیر شود، باید بگوید: «اللَّهُمَّ لَا تَذَرْنِي فَرْداً وَحِيداً وَخُشاً، فَيَقْصُرَ شُكْرِي عَنْ نِعْمَتِكَ، بَلْ هَبْ لِي أُنْساً وَعَاقِبَةً صِدْقٍ دُكُوراً وَإِنَّا، أَسْكُنُ إِلَيْهِمْ مِنَ الْوَحْشَةِ وَأَنْسُ بِهِمْ مِنَ الْوَحْدَةِ وَأَشْكُرْكَ عَلَى تَمَامِ النِّعْمَةِ؛ خدایا! مرا تنها و وحشت زده نگذار تا سپاسگزاریم از تدبیرم کمتر شود؛ بلکه محل انس و جانشینی درست از پسران و دختران را به من ببخش که از وحشت به اینان انس گیرم و از وحدت با آنان آرامش یابم و به هنگام کامل شدن نعمت تو را سپاس گویم.»

در این دعا وجود فرزند، باعث آرامش و عاملی برای دوری از وحشت و تنهایی به شمار آمده است. به این دلیل، برخی از اندیشمندان در تبیین کارکرد فرزند در کانون خانواده معتقدند که: «زناشویی بدون فرزند، پژمردگی است و پس از آوردن فرزند، کانون زندگی به شکوفایی می‌رسد؛ بلکه پس از بچه دار شدن، زندگی دارای معنای حقیقی می‌شود و خانه به وسیله فرزند، پُر از خنده و نشاط می‌گردد.»

اهمیت این موضوع زمانی بیشتر می‌شود که پدر و مادر به سنین پیری می‌رسند و محیط خانه به آشیانه‌ای ساکت و بی‌فروغ تبدیل می‌شود و به دلیل نداشتن فرزند، مجبورند در خانه سالمندان یا گوشه خانه‌ای خاموش، عمر خود را در تنهایی و رنج سپری کنند. با نگاهی به زندگی علما و بزرگان می‌بینیم که با تمام مشغله‌هایی که داشته‌اند از محبت به بچه‌ها غفلت نکرده‌اند. به عنوان مثال امام راحل رحمت الله علیه وقتی در جماران بچه‌ای گریه می‌کرد عواطفشان متوجه صدای بچه می‌شد.

امام رحمت الله علیه نقش مادر را در تربیت فرزند بسیار موثر می‌دانست. عروس ایشان می‌گوید به شوخی به امام رحمت الله علیه گفتیم با این حساب، زن باید همیشه در خانه بماند. با صراحت گفتند: خانه را دست کم نگیرید. در روایت است که پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: «جبریل از خداوند لطیف خیر خبر آورده است که دختران مثل میوه درخت هستند وقتی بالغ می‌شوند اگر ازدواج نکنند مثل میوه‌ای می‌شوند که چیده نشده‌اند و آسیب می‌بینند.»

دختر امام رحمت الله علیه می‌گوید از شیطنت بچه‌ام به امام رحمت الله علیه شکایت کردم. در پاسخ گفتند: «من حاضر ثوابی را که از تحمل شلوغی فرزندت می‌بری با تمام ثواب عبادات خودم عوض کنم.» این نکته قابل توجهی است که گاهی از ثواب‌هایی که می‌بریم، غافلیم. در روایت است وقتی خانمی باردار می‌شود به منزله روزه دار نماز شب

خوان و مجاهدی است که با جان و مالش جهاد می‌کند. خداوند متعال مهری به مادر داده است که رنج حاملگی و زایمان را شیرین می‌کند. در این باره این گونه سختی‌ها در قرآن دو آیه داریم، آیه ای می‌گوید: «پس از سختی شیرینی می‌آید.»

یعنی بچه وقتی از آب و گل بیرون می‌آید نور چشم می‌شود و سختی‌هایش تمام می‌شود و شیرینی‌هایش به دل می‌نشیند. درباره دوران سختی‌ها نیز خداوند می‌گوید: «بدرستی که در سختی‌ها شیرینی است.» یعنی زنان شیرده از این رنج لذت می‌برند. این است که همسرانی که فرزند ندارند با تحمل رنج فراوان و با توسل به هر وسیله‌ای تلاش می‌کنند فرزندی بیاورند.

سیاست‌های جمعیتی در کشورها

چین با جمعیتی نزدیک به ۱٫۵ میلیارد نفر، پس از احساس خطر پیری مفرط جامعه، از ۴ سال پیش تا کنون ضمن کنار گذاشتن سیاست‌های کنترل باروری، هر سال بیشتر و بیشتر بر محتوای مشوق‌های تولد فرزند دوم برای زوج‌های جوان افزوده است. از یارانه‌های شیر خشک تا انواع وام‌های بدون بهره و هدایای چشمگیر که بگذریم، چینی‌ها به دنبال کشف راه‌های متنوعی در ایجاد آرامش خاطر زوج‌های جوان و فراغ خاطر آنان از دغدغه هزینه‌های احتمالی وجود فرزند دوم در خانواده هستند.

پوتین رئیس‌جمهور روسیه در آستانه روز جهانی کودک، به تعدادی از خانواده‌های پرجمعیت کشورش که دارای چندین فرزند هستند، «نشان افتخار والدین» اهدا کرد و از دیگر خانواده‌های روسی، مخصوصاً زوج‌های جوان خواست که بدون نگرانی از تامین هزینه‌ها، فرزندان بیشتری به دنیا بیاورند. وی همچنین گفت که خانواده‌های پرجمعیت علاوه بر مشوق‌های مالی، معافیت‌های مالیاتی نیز دریافت می‌کنند تا دیگران نیز به فرزندآوری بیشتر ترغیب شوند و این تصمیم به زبان ساده یعنی فرزند بیشتر، مالیات کمتر. پوتین با معرفی چند سیاست جدید که قرار است ضمن مقابله با نرخ نزولی جمعیت روسیه استانداردهای معیشتی را ارتقا بدهد، به خانواده‌های روس وعده داد که شاهد بهبود سریع در وضعیت زندگی خود خواهند بود.

بر اساس طرح جدید دولت روسیه و برای حمایت از خانواده‌های پرجمعیت،

تا پایان سال جاری میلادی حدود ۶۰۰ هزار خانوار جدید در زیر این چتر حمایتی قرار می‌گیرند. خانواده‌های روسی با ارائه مدرک تولد فرزند سوم خود و ارائه فرم‌های مرتبط به بانک می‌توانند وام مورد نظر برای رهن و اجاره منزل مسکونی دریافت کنند. میانگین وام اجاره منزل مسکونی در روسیه معادل ۳۸۵۰۰ دلار است. در کنار این، زوج‌های روسی با به دنیا آمدن اولین فرزند خود، مبلغی معادل ۷ هزار دلار (قیمت یک ماشین شاسی بلند لادا در روسیه) موسوم به سرمایه مادری دریافت می‌کنند. با به دنیا آمدن فرزند دوم در یک خانواده روس، آنها می‌توانند از ۷ هزار دلار حمایت دولتی مجدد بهره‌مند شوند. تسویه بدهی خانواده‌هایی که فرزند سوم خود را به دنیا می‌آورند از دیگر تدابیری بود که ولادیمیر پوتین آن‌ها را برای رشد جمعیت روسیه به اجرا گذاشته است علاوه بر این قطعه زمینی به مساحت ۶۰۰ متر مربع به ارزش محلی که خانواده مربوطه در آن ساکن است از سوی دولت اهدا خواهد شد. برای افراد با حداقل درآمد در روسیه نیز تدبیری اندیشیده شده است و دولت موظف شده به آنها ماهیانه معادل دو میلیون و ۲۰۰ هزار تومان حقوق بدهد. گفته می‌شود که این یارانه تا رسیدن به سن ۱۸ سالگی فرزند جدید به آنان پرداخت می‌شود.

در ژان امسال حدود ۲۹/۳ میلیون دلار برای تشویق زوج‌ها به بچه دار شدن از سوی دولت هزینه می‌شود.

در دانمارک و سنگاپور به زوج‌های جوان با گسترش پویش‌های تشویقی یادآوری می‌شود که خانواده‌ها چه مسئولیت اجتماعی مهمی در مورد فرزندآوری دارند.

تبلیغاتی با عنوان «برای دانمارک این کار را بکن!»، توسط یک آژانس مسافرتی دانمارکی انجام می‌شود که زوج‌های دانمارکی را تشویق می‌کند تا در سفر بچه دار شوند. به این صورت که زوج‌ها اگر بتوانند ثابت کنند که در سفر بارور شده‌اند می‌توانند برنده امتیاز سه ساله محصولات و کالاهای مربوط به کودک شوند. این طرح با عنوان «تعطیلات به نفع کودکان» انجام می‌شود.

فنلاند به خانواده‌هایی که به تازگی صاحب فرزند شده‌اند، پکیج زایمان شامل انواع لباس گرم، لباس خواب و کتاب و یا کمک مالی به ارزش ۱۴۰ یورو اعطای می‌نماید.

در فرانسه، ترکیبی از دستمزد اضافی، امتیازات مراقبت کامل از کودک و سایر سیاست‌های مشوق برای افزایش نرخ باروری کشور در نظر گرفته شده است. مسئولین امیدوارند این کشور به زودی به یکی از پرجمعیت‌ترین کشورهای اروپا تبدیل شود.

خانواده‌های دارای دو یا سه فرزند برای استفاده از امکانات مختلف در این کشور از تخفیف بهره‌مند می‌شوند. این امکانات شامل بسیاری موارد مانند بلیت رایگان قطار، سینما و غیره می‌شود.

نکته حایز اهمیت و مشترک در تمام موارد بالا داشتن برنامه‌های مدون و مشخص از سوی دولت‌های مختلف برای فرزندآوری و افزایش جمعیت است. بیشترین وسیله مشوق نرخ باروری که در جهان مرسوم است، به اصطلاح «پاداش نوزاد» نامیده می‌شود که شامل دستمزد و حقوق بیشتر، معافیت مالیاتی و یا سایر امتیازات مالی برای خانواده‌های تازه بچه دار شده است. و این در حالی است که متأسفانه و با شرمندگی بسیار، در بین تمام کشورهای مسلمان ما دارای کمترین نرخ باروری و فرزندآوری هستیم و در صورت تداوم روند فعلی و بی تفاوتی مسئولان اجرایی، نرخ رشد جمعیت ایران ۲۷ سال دیگر صفر و کشور ما یکی از ۴ کشور پیر جهان خواهد شد.

با در نظر گرفتن نرخ پایین باروری، نرخ کاهشی رشد، میزان تجرد قطعی، تعداد زیاد خانواده‌های تک فرزند و تعداد ناباروران، و میزان شیوع سقط جنین و وضعیت نرخ باروری ایران در مقایسه با دیگر کشورهای منطقه ما را به این اهمیت می‌رساند که اگر برای مسأله جمعیت تدارک نبینیم آینده هولناکی در پیش داریم و در سال ۱۴۳۰ پیرترین کشور منطقه خواهیم بود.

نهیب‌ها و هشدارهای مقام معظم رهبری در سال‌های پیش رو برای همین آینده هولناک است که باید برای جبران اشتباهات گذشته فکری کنیم. با توجه به اینکه ما هم اکنون در پنجره جمعیتی قرار داریم «پنجره جمعیتی یا دریچه جمعیتی دوره‌ای است که کمتر از یک سوم جمعیت بیرون از سن فعالیت و بیشتر از دو سوم جمعیت (۱۵ تا ۶۵) در سنین فعالیت می‌باشند» هم اکنون بهترین زمان جهت استفاده از این فرصت برای جوانی جمعیت کشور می‌باشد.

تحلیل وادها



دکتر رسول سنایی راد

چرایی انجام تغییرات اقتصادی در دولت
نهم و الزامات موفقیت آن

تغییرات در نحوه پرداخت یارانه‌ها و ارز ترجیحی از سوی دولت سیزدهم که از آن به عنوان مردمی سازی و توزیع عادلانه یارانه‌ها یاد می شود را می توان یک برنامه و اقدام برای تحول یا مبتنی بر مسئله تحول نامید. اقدامی که یک ضرورت برای مواجهه و حل مشکلات اقتصادی در کشور به حساب می آید. در این اقدام اصلاحی که ارز ترجیحی اختصاص یافته به واردات چهار قلم نهاده های دامی و روغن حذف و برای جبران آن مبالغی جبرانی به حساب سرپرستان خانوار واریز می شود. پرداخت یارانه آرد و دارو نیز تغییر می یابد، یعنی به جای اختصاص یارانه به واردات گندم و دارو یا تولید آن ها یارانه به مصرف آن ها اختصاص پیدا می کند، آرد و دارو با قیمت یارانه ای به نانوا و داروخانه تحویل نمی شود، بلکه دولت در صورت فروش به مصرف کننده واقعی، ما به التفاوت قیمت آن ها را به نانوا و شرکت های بیمه ای پرداخت می کند. البته این برنامه مخالفان و حامیانی دارد و از سوی دیگر چون دارای پیامدها و عوارضی پیدا و ناپیدا نیز می باشد، موجب نگرانی هایی در جامعه نیز شده است. مهم تر از همه جریانات معاند و فرصت طلب هم تلاش می کنند در عرصه جنگ روانی و رسانه ای به این نگرانی ها دامن زده و از آن به عنوان عاملی برای تحریک افکار عمومی و ایجاد مخالفت و عدم همراهی در جامعه بهره برداری نمایند. از این رو، این موضوع برای تمامی صاحبان فکر و تربیون اهمیت دارد. به ویژه این که مقام معظم رهبری نیز تمامی دستگاه ها و آحاد مردم را به کمک به دولت در کارهایی که در زمینه اقتصادی پیش رو دارد، دعوت فرموده اند.

الف- چستی برنامه اصلاح یارانه ها

یارانه، به کمک دولت به افراد یا بنگاه ها و مراکز تولید و توزیع گفته می شود. هدف از پرداخت یارانه یا واگذاری اقلام یارانه ای این است که برای دوره های گذار یا بحران امکان حیات یا فعالیت داشته باشند. مثلاً در شرایط جنگ و احتمال کمبود غذا، دولت ها چند قلم کالای اساسی مثل قند و شکر، روغن و

نان را با یارانه و کمک‌های مالی و خدماتی به صورت ارزان در اختیار شهروندان خود قرار می‌دهند، از این رو به یارانه مالیات منفی گفته می‌شود چرا که دولت‌ها به جای گرفتن مالیات یا مبالغی از مردم، مبالغی را در قالب یارانه به آن‌ها کمک می‌کنند.

پرداخت یارانه برای سه مرحله تولید، توزیع و مصرف متصور است، مثلاً؛ در شرایط بازسازی و نیاز کشور به تولید سیمان و آهن داخلی، دولت به تولیدکنندگان سیمان و آهن نیز یارانه پرداخت می‌کرده است.

یارانه مصرف هم در دو شکل ارائه کالا و خدمات ارزان یا پرداخت نقدی و افزایش قدرت خرید مصرف‌کننده، صورت می‌گیرد. مثلاً؛ پیش از این روغن کره و گوشت در مرحله تهیه و تولید با کمک‌های دولتی، ارزان تهیه و در اختیار مصرف‌کننده قرار می‌گرفت. ولی الان به برآورد متوسط مصرف شهروندان و بر اساس دهک‌های اقتصادی، مبالغی به حساب سرپرستان خانوار واریز می‌شود تا جبران آزادسازی قیمت این اقلام را بنماید.

در کشور ما با اتکا به درآمدهای نفتی و تصور کمک به توسعه و رفاه عمومی از طریق ارائه خدمات و کالای ارزان یا معافیت از هزینه‌های پرداخت، یارانه با سابقه طولانی و در گستره زیادی داده می‌شده و به تدریج به یک رویه تبدیل گردیده است. اما عدم امکان نظارت دقیق و اثربخش و باز شدن روزه‌های فرصت‌طلبی از دوگانگی قیمت‌ها، با پدید آمدن بازارهای دولتی و غیردولتی، یارانه و ارزش ترجیحی زمینه‌ساز عوارض منفی، آسیب‌هایی چون رانت، قاچاق و فساد اقتصادی شده و به تدریج با عبور از مرزهای اقتصادی، زمینه‌ساز بی‌عدالتی و شکل‌گیری فاصله طبقاتی نیز شده و از آنجا که اقتصاد یارانه‌ای اقتصاد وارداتی بوده، و سوسه دشمنان برای استفاده از حربه تحریم را به دنبال داشته است.

از این رو تجدیدنظر نسبت به این سیاست در دولت‌های مختلفی در دستور کار قرار گرفته و در برخی دولت‌ها هم با آزادسازی قیمت برخی اقلام، تعداد اقلام یارانه‌ای محدودتر و یا فاصله قیمت‌ها کمتر شده است. اما عواملی چون جهش یک‌باره قیمت‌ها و تسری افزایش قیمت اقلام یارانه‌ای به سایر کالاها و خدمات که موجب فشار بر مردم و نارضایتی آن‌ها می‌شده، تغییر رویه و سیاست را با محافظه‌کاری مواجه و به عقب انداخته است. آخرین بار پیش از دولت سیزدهم، این دولت دوم آقای روحانی بود که در فروردین ۹۷، پس از تعیین نرخ ترجیحی دلار به ارزش ۴۲۰۰ تومان، اعلام کرد؛ به منظور حمایت از معیشت مردم ۲۷ قلم کالای اساسی مشمول دریافت ارز ۴۲۰۰ تومانی خواهد شد. چون

وضعیت کلی اقتصاد به افزایش نرخ دلار در بازار آزاد انجامیده و احتمال جهش قیمت‌های کالاهای اساسی وجود داشت، افزایش قیمت‌ها، دور از ذهن نبود. چرا که چالش برجام شروع شده و ترامپ که با شعار خروج از برجام روی کار آمده بود، دست از تهدید خود برنداشته و خروج او از برجام و تکانه‌های ارزی ناشی از این اقدام آمریکا، پیش‌بینی می‌شد. با این حال پس از خروج یک طرفه آمریکا از برجام در آبان ماه همان سال، دولت مجبور به مدیریت هزینه‌های خود شد که ابتدا میزان کالاهای وارداتی را از ۵۰۰۰ قلم به ۲۷۰۰ قلم کاهش داد و سپس ۳۷ قلم کالا و خدمات مشمول دریافت ارز ۴۲۰۰ تومانی را هم در فهرست کاهش قرارداد و به صورت تدریجی و غیر اعلامی ارز ترجیحی آن‌ها به جز هفت قلم شامل دارو، گندم، روغن و چهار نهاده دام و طیور را قطع کرد.

با وجود اختصاص ارز ترجیحی به این اقلام و بالا بودن هزینه‌های دولت برای تأمین آن‌ها، آنچه در بازار اتفاق می‌افتاد برخلاف فلسفه وجودی یارانه و ارز ترجیحی بود. یعنی قیمت همین اقلام هم در بازار افزایش یافته و با خروج مقدار زیادی از آن در چرخه تأمین تا مصرف، کمبودهای جدی نیز به وجود آمده بود. از این رو با روی کار آمدن دولت سیزدهم، قرار شد در لایحه بودجه سال گذشته برای تأمین این هفت قلم، هشت میلیارد دلار اعتبار اختصاص یابد و با قطع ارز ترجیحی، برای جبران قدرت خرید مردم با آن‌ها کارت اعتباری داده شود. اما به دلیل شرایط معیشتی جامعه، این قانون اجرا نشد و با اختصاص هشت میلیارد دلار دیگر، سال گذشته پشت سر گذاشته شد اما در لایحه بودجه سال ۱۴۰۱ مقرر شد که اجرای این سیاست به شکل سال گذشته تداوم پیدا نکند و دولت به جای دادن یارانه به دلال‌ها و واسطه‌ها برای وارد کردن این کالاها، قیمت‌ها را آزاد کرده و یارانه را مستقیم به خود مردم بدهد.

این طرح الان به مردمی‌سازی و توزیع عادلانه یارانه‌ها موسوم شده که توسط دولت، به اجرا گذاشته شده و در واقع اصلاح پرداخت یارانه‌ها بخشی از برنامه تحول اقتصادی دولت به حساب می‌آید. نحوه اجرای طرح به این صورت است که برای هر نفر از سه دهک اول جامعه، ۴۰۰ هزار تومان و برای شش دهک بعدی نفری سیصد هزار تومان نقدی واریز شده است. دهک دهم، یعنی یک درصد برخوردار جامعه، یارانه‌ای دریافت نکرده و به آنان تعلق نمی‌گیرد.

همچنین برای کلیه آحاد شهروندان حدود صد هزار تومان برای تامین دارو و گندم در نظر گرفته شده که به حساب فرد واریز نمی‌شود، اما به خود این اقلام تعلق می‌گیرد و عملاً سهم نه دهک از یارانه ارقامی حدود چهارصد تا پانصد هزار تومان خواهد بود. واریز اولین یارانه هم دو ماهه بوده که یکجا به حساب سرپرستان خانوار واریز شده است.

در طرح جدید، دو اتفاق مهم در پرداخت یارانه‌ها صورت گرفته؛

۱- به جای دادن پول به واردکنندگان و تولیدکنندگان، اصل آن به خود مردم داده شده تا هر کس متناسب با شرایط و نیاز خود آن را خرج کند با این شیوه یارانه‌ها مردمی شده و پول در مالکیت و اختیار مردم قرار گرفته است

۲- به جای پرداخت مساوی به همه دهک‌ها دهک برخوردار یا بالای جامعه از فهرست دریافت‌کنندگان حذف شده و در عوض به سه دهک پائینی و کم برخوردار جامعه رقم بیشتری تعلق می‌گیرد که در واقع به عدالت نزدیک‌تر می‌باشد

در رویه قبلی نسبت بهره‌برداری دهک‌های بالا از یارانه‌ها چهار برابر دهک‌های پائینی جامعه بود و یارانه نقدی هم به طور مساوی بین همه دهک‌ها توزیع می‌شد.

در آینده احتمالاً به جای یارانه نقدی، یارانه‌ها در قالب کالا برگ ارائه شود که، معنای چاپ برگه ارزاق مثل آنچه در گذشته کوپن نامیده می‌شد، نیست. بلکه اختصاص یارانه در کارت بانکی اما، با تعریف مقدار، برای خرید کالایی خاص است و تنها امکان هزینه آن، برای اقلام اساسی محدود خواهد بود.

ب- چرایی اصلاح یارانه‌ها

همان‌گونه که پیش از این، مورد اشاره قرار گرفت، یارانه و اقلام یارانه‌ای در اصل برای شرایط اضطراری و یک دوره گذار، در نظر گرفته شده و باید به اقلام کمی محدود باشد. اما در کشور ما، پرداخت یارانه به یک رویه‌ای جاری تبدیل شده و در این اواخر بخش عمده‌ای از درآمدهای ارزی کشور و بودجه کشور را به خود اختصاص داده بود.

اما دلایل و زمینه‌هایی که منجر به اصلاح یارانه‌ها در دولت سیزدهم شد عبارت‌اند از؛
۱- رانت، فساد و قاچاق مترتب بر ارز ترجیحی و کالاهای یارانه‌ای که به تفاوت قیمت بازار دولتی و بازار آزاد برمی‌گردد و با توجه به سود ناشی از این تفاوت قیمت، برای دلال‌ها و عناصر فرصت‌طلب و وسوسه‌انگیز است.

رانت و فساد از مرحله تامین ارز ترجیحی تا خرید یا تولید اقلام و کالاها، تا توزیع آن به شکل آشکار و پنهان پدید آمده بود. و پس از توزیع این اقلام، فقط مقادیر زیادی از آن به

کشورهای همسایه قاچاق می‌شد. به عنوان مثال؛ در سالی که مصرف سالانه روغن در کشورمان باید حدود یک میلیون و پانصد هزار تن می‌بوده، اما با وجود واردات دو میلیون و صد هزار تنی، همچنان بازار با کمبود روغن مواجه بود.

۲- وجود ضایعات به میزان بالا که ناشی از پایین بودن قیمت بوده و فقط در تولید نان، حدود سی درصد ضایعات وجود داشت که در صورت بهبود در تولید می‌تواند کشور را از واردات چندین میلیون تن گندم بی‌نیاز کند.

۳- پایین بودن نظام بهره‌وری که از پیامدهای قیمت‌های یارانه‌ای و عدم نگرانی تولیدکنندگان برای هزینه‌ها و یا کمبود مشتری برمی‌خاست و از این رو تلاش چندانی در تولید این اقلام برای به‌روزرسانی فناوری‌های تولید به خرج داده نمی‌شد.

۴- چالش‌های ارزی ناشی از تحریم و بهانه‌های برجای کشورهای غربی که به عنوان ابزار فشار در جنگ اراده‌ها علیه جمهوری اسلامی ایران به کار می‌رود. و بخشی از آن به دلیل این واقعیت تلخ است که اکثر این اقلام وارداتی بوده و به ارزش خارجی و شرایط همکاری بین‌المللی برای انتقال به داخل نیاز دارد.

مفروض اصلی غرب در این اقدام، این است که وابستگی جمهوری اسلامی ایران به واردات، آسیب‌پذیری آن را در برابر کمبود ارزش و تجارت جهانی افزایش می‌دهد و همین وابستگی می‌تواند کارآمدی تحریم را تشدید کند.

با این تصور و برداشت بود که ترامپ با خروج از برجام و موج جدید فشار تحریم به دنبال واداشتن ایران برای مذاکره و گرفتن امتیاز برآمد و امروز هم دولت بایدن همان خط را ادامه می‌دهند و هیچ چشم‌انداز روشنی برای برجام و برداشته شدن تحریم‌ها وجود ندارد.

در چنین شرایطی اختصاص ارزش ترجیحی و یارانه باروندی رو به تزاید به معنای نادیده گرفتن واقعیت‌های مربوط به این جنگ اقتصادی با چالشی دیپلماسی و رفتن به سمت تله دشمن، به حساب می‌آید.

لذا جدا کردن اقتصاد و معیشت مردم از گفت‌وگوهای برجای می‌رفتن به سمت کاهش وابستگی به دلارهای نفتی و واردات، می‌تواند ابزار تحریم و فشار اقتصادی را کند کرده و دست دشمن را در استفاده ابزاری از این حربه خالی نماید.

۵- پیامدهای اقتصادی و تجاری بحران اوکراین که نه تنها امنیت غذایی را در

ایران بلکه در جهان با تهدید مواجه ساخته و موجب افزایش قیمت ۶۰ تا ۹۰ درصدی اقلام غذایی مهم مثل؛ گندم و روغن شده است. چراکه جنگ اوکراین نه تنها تولید و صادرات مواد غذایی تولیدی در دو کشور روسیه و اوکراین را با مشکل مواجه کرده بلکه در کنار افزایش قیمت انرژی برزنجیره تجارت جهانی نیز تاثیر منفی گذاشته و نامعلوم بودن چشم انداز پایان بحران، موجب شکل‌گیری تورم انتظاری برای این اقلام در سایر کشورها نیز شده است. به گونه‌ای که نه تنها برخی کشورها مثل چین به جمع‌آوری گندم و ذخیره‌سازی آن رو آورده‌اند، بلکه کشورهایی چون هند و قزاقستان هم رسماً اعلام کردند از فروش و صادرات برخی اقلام خودداری خواهند کرد.

در چنین شرایطی قاچاق و احتکار در داخل و بین کشورهای همسایه هم تشدید می‌شود و اقلام یا رانه‌ای با قیمت ارزان در اولویت فرصت طلبان و سودجویان قرار می‌گیرد. تنها قاچاق روغن در یکی از استان‌های شرقی کشور در سه ماه منتهی به اجرای طرح در مقایسه با سه ماهه مشابه در سال گذشته پنج برابر بوده است.

۶- بروز تغییرات اقلیمی و تشدید آن در منطقه غرب آسیا و کشورمان که هم میزان و هم کیفیت تولید غلات را با روندی کاهشی مواجه کرده و منابع تامین آن را با تهدید مواجه ساخته است.

۷- الزام دولت در قانون بودجه سال، به قطع ارز ترجیحی برای تهیه برخی اقلام اساسی و مکلف بودن دولت به اجرای قانون که در روند تغییرات ساختاری بودجه یک ضرورت و الزام ساختاری به حساب می‌آید

۸- مواجه شدن دولت با کسری بودجه و کاهش شدید بودجه‌های عمرانی که به سرمایه‌گذاری برای تولید، اثر بسیار منفی داشته و این روند در سال‌های گذشته، به تولید به شدت ضربه زده و به زنجیره‌ای از آسیب‌ها انجامیده است. کاهش اشتغال و افزایش گرانی‌ها را می‌توان در حلقه‌های درشت این زنجیر دید که خروجی آن افزایش شاخص فلاکت در کشور بوده است.

بنابراین، اصلاح روند پرداخت یا رانه و ارائه ارز ترجیحی یک ضرورت راهبردی برای تحول در اقتصاد ملی و افزایش استقلال آن بوده که دولت سیزدهم آن را به اجرا گذاشته است. موضوعی که سال‌هاست تمامی کارشناسان و نخبگان اقتصادی کشور، بر ضرورت آن تاکید داشته ولی همواره زمان و چگونگی اجرای آن، مورد سوال جدی قرار گرفته و به آینده موکول شده است.



اصلاح نظام یارانه‌ها در کشور که در پیوند با وضعیت عمومی اقتصادی و شرایط تجارت جهانی پس از بحران اوکراین و ادامه‌ی سیاست‌های تحریم و فشار اقتصادی و کمبود و گرانی مواد غذایی، یک ضرورت به حساب می‌آید خود بخشی از طرح کلی‌تر تحول اقتصادی نیز هست که برای تغییر در روند گرانی و تورم و تقویت تولید از طریق حفظ و مدیریت منابع مالی، باید به اجرا گذاشته می‌شد.

ج- پیامدها و آثار

بدیهی است این طرح و اقدام، همچون سایر طرح‌ها و برنامه‌ها، دارای هزینه‌ها و فوایدی است و پیامدهای مثبت و منفی به دنبال خواهد داشت که باید هر کدام به صورت جداگانه مورد توجه قرار گرفته و در پیوند با شرایط عمومی اقتصاد کشور و حتی وضعیت اقتصاد و تجارت جهانی پس از بحران اوکراین و احتمالات مربوط به آن، مورد ارزیابی قرار گیرد.

۱- پیامدهای مثبت و مزایای اصلاح یارانه‌ها؛

۱/۱- کاهش وابستگی کشور به واردات کالاهای اساسی با به صرفه شدن تولید آن‌ها و افزایش تولید در داخل کشور که می‌تواند به تدریج کشور را در برابر ابزار تحریم و فشار اقتصادی، مقاوم‌تر نماید. ۱/۲- کند شدن روند افزایش قیمت‌ها و تورم در کشور که ناشی از کاهش رشد پایه پولی با قطع ارز ترجیحی و کمتر شدن میزان تخصیص ارز به کالاهای اساسی در واردات صورت خواهد گرفت ۱/۳- کاهش قاچاق کالا به خارج از کشور که با تبدیل قیمت‌ها و هم‌ترازی با قیمت‌ها در کشورهای همسایه، همین الان محسوس است.

۱/۴- کاهش زمینه‌های فساد و رانت با حذف ارز ترجیحی و یارانه و برچیده شدن نظام چند قیمتی که بهشت دلال‌ها و مفسدان را فراهم کرده بود.

۱/۵- عادلانه‌تر شدن پرداخت یارانه‌ها و اختصاص ارقام بالاتر به دهک‌های پایینی و دریافت هزینه واقعی از دهک‌های برخوردارتر و پرمصرف که تا پیش از این سهم بیشتری از مصرف یارانه را به خود اختصاص می‌دادند.

۱/۶- افزایش بهره‌وری در کشور که واقعی شدن قیمت‌ها و ضرورت تولید رقابتی، مشوق آن خواهد بود.

۲- پیامدهای منفی اصلاح یارانه‌ها

مهم‌ترین پیامدهای منفی این طرح را می‌توان شامل موارد زیر دانست:

۲/۱- افزایش در قیمت کالاها که در مراحل اولیه به شکل جهشی خواهد بود و در مورد کالاهایی که تاکنون با ارزش ترجیحی تهیه شده شدیدتر خواهد بود.

علاوه بر این، برخی اقلام دیگر، به صورت غیرمستقیم از این مسئله متأثر خواهند شد و افزایش قیمت به آن‌ها هم تسری پیدا خواهد کرد.

۲/۲- سوءاستفاده بیگانگان و معاندان برای تحریک جامعه به اعتراض و تبدیل آن به شورش که ناآگاهی و نگرانی ناشی از احتمال افزایش قیمت‌ها، می‌تواند زمینه موفقیت دشمن به حساب آید

۲/۳- افزایش تورم انتظاری و افزایش قیمت خدمات و کالاهای دیگری که هیچ ربطی به اقلام اساسی نداشته و به شکل ذهنی و روانی یا فرصت طلبانه از این طرح، تأثیر می‌پذیرند و نتیجه آن فشار بر مردم می‌باشد.

۲/۴- عدم همراهی و همکاری برخی واسطه‌ها و عوامل واردکننده برای ادامه واردات که عدم دریافت ارزش ترجیحی، دسترسی آنان به رانت‌های کلان را قطع کرده است.

۲/۵- احتمال به تأخیر انداختن اصلاحات ساختاری در اقتصاد به دلیل به وجود آمدن فشار بر دولت و ادامه چالش‌هایی که تنها در صورت اصلاحات ساختاری قابل حل می‌باشند.

د- الزامات موفقیت دولت در سیاست تغییرات اقتصادی

تغییرات اقتصادی که ضرورتی برای تحول در اقتصاد و بهبود وضعیت عمومی اقتصاد و معیشت مردم توسط دولت سیزدهم کلید خورده و با اصلاح و سامان دهی یارانه‌ها شروع شده می‌تواند دچار چالش‌های جدی گردد که اجرای محدود و ناقص تا توقف و شکست را، آن‌هم با پرداخت هزینه‌های سنگین دربرگیرد.

موفقیت و اجرای کامل و اثربخش این تغییرات مشروط به فراهم شدن الزامات زیر است:

۱- همراهی و همکاری مردم با این برنامه دولت که به چگونگی اقناع‌سازی افکار عمومی و همچنین عمل به وعده‌ها و مدیریت فشارهای ناشی از اجرای طرح، بستگی داشته و دولت باید در تیم اجرایی خود به طور هم‌زمان به این ابعاد، توجه داشته باشد

۲- هماهنگی، همکاری و اقدام به هنگام دستگاه‌ها و مراکز مرتبط در اجرای این طرح، مانند وزارتخانه‌های صمت، جهاد کشاورزی، ستاد تنظیم بازار، فرمانده انتظامی کشور و... اطمینان خاطر مردم را فراهم آورند و هم مانع هرگونه اختلال در روند معیشت مردم و پدید آمدن کمبود در بازار شوند.



در کشور ما با اتکا به درآمدهای نفتی و تصور کمک به توسعه و رفاه عمومی از طریق ارائه خدمات و کالای ارزان یا معافیت از هزینه‌های پرداخت، یارانه با سابقه طولانی و در گستره زیادی داده می‌شده و به تدریج به یک‌رویه تبدیل گردیده است. اما عدم امکان نظارت دقیق و اثربخش و باز شدن روزه‌های فرصت‌طلبی از دوگانگی قیمت‌ها، با پدید آمدن بازارهای دولتی و غیردولتی، یارانه و ارز ترجیحی زمینه‌ساز عوارض منفی، آسیب‌هایی چون رانت، قاچاق و فساد اقتصادی شده و به تدریج با عبور از مرزهای اقتصادی، زمینه‌ساز بی‌عدالتی و شکل‌گیری فاصله طبقاتی نیز شده و از آنجاکه اقتصاد یارانه‌ای اقتصاد وارداتی بوده، و سوسه دشمنان برای استفاده از حربه تحریم را به دنبال داشته است.

۳- اعمال نظارت جدی بر موارد ورود و خروج کالاها از کشور و ممانعت از شکل‌گیری هرگونه کمبود کالا که موجب هجوم مردم برای خرید و احساس ناامنی در بازار شوند.

۴- تلاش برای کنترل سایر متغیرهای تأثیرگذار بر قیمت‌ها، مانند نقدینگی که سرازیر شدن آن به سمت هر کالا و خدماتی، می‌تواند آواری از گرانی پدید آورد.

۵- اجرای هم‌زمان و متوازن سایر برنامه‌های تحولی مثل اصلاح نظام مالیاتی، شفافیت صورت‌های مالی شرکت‌های دولتی، قطع کردن دست بانک‌ها در روند خلق پول و افزایش تورم، پایش فعالیت‌های دلال‌ها و واسطه‌ها و مفسدان اقتصادی که بی‌توجهی به هرکدام می‌تواند روند اجرای طرح را با خلأ و اختلال مواجه سازد.

۶- تلاش برای بهبود در تجارت خارجی با افزایش تحرکات دیپلماسی اقتصادی و خارج کردن کشور از انتظار و برجانی و گره‌کور اقتصاد با مذاکرات برجانی که شرطی شدن نوسانات کاذب در بازار را موجب شده است.

۷- تمرکز بر جهش تولید در داخل، با تقویت نظام بهره‌وری و تولید دانش بنیان و همچنین پیدا کردن زمینه‌های تولیدی کشاورزی فرا سرزمینی که می‌تواند تغییرات اقلیمی و کمبود آب و سایر منابع را برای تامین امنیت غذایی جبران کند.

۸- مدیریت هزینه‌ها و آزادسازی منابع مالی و سوق دادن آن به سمت تولید که با اشتغال‌زایی و تقویت قدرت خرید از یک سو و افزایش تولید، روند گرانی‌های ناشی از کمبود کالا را کندتر ساخته و تحمل وضعیت معیشتی را برای جامعه راحت‌تر می‌کند.

کلام آخر:

اصلاح نظام یارانه ها در کشور که در پیوند با وضعیت عمومی اقتصادی و شرایط تجارت جهانی پس از بحران اوکراین و ادامه ی سیاست های تحریم و فشار اقتصادی و کمبود و گرانی مواد غذایی، یک ضرورت به حساب می آید خود بخشی از طرح کلی تر تحول اقتصادی نیز هست که برای تغییر در روند گرانی و تورم و تقویت تولید از طریق حفظ و مدیریت منابع مالی، باید به اجرا گذاشته می شد.

همان گونه که عوارض منفی پرداخت ارز ترجیحی و ارائه اقلام یارانه ای مثل رانت فساد و قاچاق و هدر رفت منابع بدون اصابت به هدف را موجب شده و به شکل گیری نوعی نابرابری اجتماعی و بی عدالتی انجامیده بود، یکی از مشکلاتی است که تمامی نخبگان و کارشناسان سیاسی را به ضرورت اصلاح متقاعد کرده بود. اما همیشه شرایط اقتصادی کشور و توان مدیریتی برای انجام این تغییر موجب حرف و حدیث، در زمان اجرا بوده است. گرچه روی اصل این ضرورت، اتفاق نظر بوده است. ضمن این که تحول اقتصادی مجموعه ای از اقدامات از اصلاح یارانه تا اصلاح ساختار بودجه را شامل می شد که باید به صورت هم زمان و مکمل به اجرا درآید تا ضمن مهار افزایش قیمت ها، به صرفه شدن تولید داخلی و جایگزینی واردات را نیز رقم بزند.

از این رو این تحول، مستلزم هماهنگی و همکاری همه دستگاه ها و قوای حاکمیتی و همراهی و مشارکت مردم است، دولت سیزدهم با تکیه بر سرمایه اجتماعی خود و توجه مردم به افزایش جهانی قیمت ها، اصلاح نظام یارانه را کلید زده است.

بدیهی است این اقدام و برنامه، هزینه های خاص خود و منتقدانی نیز داشته باشد. اما با توجه به ضرورت و فواید آن، نباید دولت تنها گذاشته شود و همان گونه که رهبری نظام بر همکاری همه دستگاه ها به دولت در انجام این کارها، تأکید داشته اند، مصالح کشور و منافع ملی ایجاب می کند تمام ظرفیت ها و مقدرات برای پیشبرد آن بسیج شود. طرحی که در صورت توفیق، این پیام را به دشمنان می دهد که دیگر دوران فشار و تحریم هم به سر آمده و اقتصاد ایران از وابستگی به واردات و ارز خارجی فاصله گرفته است.

از سوی دیگر منابع آزاد شده می تواند به سمت تولید و اشتغال سوق داده شده و با افزایش عرضه کالای داخلی به تعادل قیمت ها و کاهش روند تورم و گرانی کمک کند و معیشت مردم را بهبود بخشد.

البته شرط آن حرکت به سمت اصلاح ساختار بودجه، بستن چشمه‌های تولید پول پرفشار، صرفه‌جویی در هزینه‌ها، مدیریت نقدینگی به نفع تولید و حمایت از بخش خصوصی و شرکت‌های دانش‌بنیان در عرصه تولید کالا و خدمات است.

تحلیل و ادبیات



دکتر علیرضا معاف

شاخصه‌های دولت مردمی و دولت غیرمردمی
در آیات قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام



یکی از مهمترین
شاخصه‌های دولت
انقلابی، زیست
مردمی کارگزارانش
است.

با بررسی روایات و آیات قرآن کریم، می‌توان به شاخصه‌ها و ویژگی‌هایی درباره زیست مردمی و رویکرد مردمی دولتمرد دولت اسلامی و علوی دست یافت؛ همچنین بیان ویژگی‌های گفتمان مقابل دولت علوی و «دیگری» دولت مردمی را نیز می‌توان در روایات مشاهده نمود. در این مقاله برای دولت مردمی، مردم پایه، مردم محور و مردم بنیان، هفت ویژگی و شاخص از آیات و روایات احصاء شده است. در مقابل دولت غیر مردمی و غیرانقلابی نیز در مواجهه با مردم و مشکلاتشان ویژگی‌هایی دارد که در ادامه آمده است.

الف) ویژگیهای دولت مردمی

۱- مردمی بودن و زیست ساده و مردمی

یکی از مهمترین شاخصه‌های دولت انقلابی، زیست مردمی کارگزارانش است. یکی از اعتراضات متداول اشراف مخالف پیامبران الهی، این بود که چرا زندگی پیامبران الهی که در صدد اداره جامعه هستند، شبیه زندگی مردم عادی است؟ آنان معتقد بودند افراد با شخصیت نباید شخصاً برای رفع حوائج خود به بازارها گام بگذارند؛ بلکه باید مأموران و خدمتگزاران رابه دنبال این کار بفرستند؛ و این باور در ذهن آنان شکل گرفته بود که فرستاده الهی باید همچون پادشاهان، سطح زندگیش از مردم عادی بالاتر و برتر باشد:

«وَقَالُوا مَا لِهَذَا الرَّسُولِ يَأْكُلُ الطَّعَامَ وَيَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ لَوْلَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مَلَكٌ فَيَكُونُ مَعَهُ نَذِيرًا* أَوْ يُلْقَى إِلَيْهِ كَنزٌ أَوْ تَكُونُ لَهُ جَنَّةٌ يَأْكُلُ مِنْهَا؛ و گفتند چرا این رسول غذا می‌خورد؟ و در بازارها راه می‌رود؟ (نه سنت فرشتگان دارد و نه روش شاهان!) چرا فرشته‌ای بر او نازل نشده که همراه وی مردم را انذار کند؟ (و گواه صدق دعوت او باشد). * یا گنجی از آسمان برای او فرستاده شود یا باغی داشته باشد که از (میوه) آن بخورد (وامرار معاش کند).» (فرقان: ۷-۸)

و خداوند نیز در پاسخ، ساده زیستی و از جنس مردم بودن را شیوه همه پیامبران الهی و زمینه‌ای برای آزمایش مردم می‌داند:

«وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا إِنَّهُمْ لَيَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَيَمْشُونَ فِي الْأَسْوَاقِ وَجَعَلْنَا بَعْضَكُمْ لِبَعْضٍ فِتْنَةً أَتَصْبِرُونَ وَكَانَ رَبُّكَ بَصِيرًا؛ ما هیچیک از رسولان را پیش از تو نفرستادیم، مگر اینکه (مانند سایر مردم)

غذای خوردند و در بازارها راه می‌رفتند و بعضی از شمارا، وسیله امتحان بعض دیگر قرار دادیم؛ آیا صبر و شکیبایی می‌کنید؟ (واز عهده امتحانات بر می‌آید) و پروردگار تو بصیر و بینا بوده و هست. (فرقان: ۵۲)

همین ساده زیستی پیامبران الهی بود که آنان را به شخصیت‌هایی «از جنس مردم» تبدیل کرده بود:

«لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ؛ خداوند بر مؤمنان منت گذارد (نعمت بزرگی بخشید) هنگامی که در میان آنان پیامبری از جنس خودشان برانگیخت. (آل عمران: ۴۶۱)

«لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ؛ به یقین، رسولی از جنس خودتان بسویتان آمد. (توبه: ۸۲۱)

«فَأَرْسَلْنَا فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ؛ و در میان آنان رسولی از جنس خودشان فرستادیم. (مؤمنون: ۲۳)

«هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ؛ او کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده، رسولی از جنس خودشان برانگیخت. (جمعه: ۲)

تعبیر «مِنْهُمْ»، «مِنْكُمْ»، «مِنْ أَنْفُسِهِمْ» و «مِنْ أَنْفُسِكُمْ» در این آیات شریفه نشان می‌دهند که خداوند همواره برای مردم جامعه، رهبرانی مردمی و از جنس خود مردم برانگیخته است. رهبرانی که نه در کاخهای آنچنانی، بلکه در میان مردم عادی زندگی می‌کردند و در نتیجه از مشکلات آنان نیز آگاهی داشتند.

بنابراین، مدیران ارشد جامعه اسلامی باید افرادی باشند که در میان مردم زندگی کرده باشند؛ غذا، پوشاک و سایر امکانات زندگی‌شان شبیه اکثریت مردم باشد و با مشکلاتی که اکثریت مردم با آنها مواجهند، آشنا باشند.

۲- نرم‌خویی با مردم

ویژگی دیگر دولت انقلابی، تواضع و نرم‌خویی با مردم است. مسئول انقلابی نباید «اراده علو» داشته باشد و نسبت به سایر مؤمنین در خود احساس برتری کند. مسئول انقلابی باید تواضع نسبت به مؤمنین دیگر در همه گفتارها و رفتارهایش نمایان باشد.

خداوند متعال در قرآن کریم خطاب به پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید:

«وَاحْفَظْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ؛ و بال خویش را برای مؤمنان فروگستر. (حجر: ۸۸)

«وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ؛ و برای آن مؤمنانی که
تو را پیروی کرده اند، بال خود را فرو گستر.» (شعراء: ۵۱۲)

اولین و بدیهی ترین دلیل ضرورت نرمخویی برای یک مسئول، این است که
این ویژگی جلب محبت مردم نسبت به نظام اسلامی را داری خواهد داشت؛
و بالعکس، خشن بودن مسئول نسبت به مردم، موجب دوری و عدم حمایت
مردم از او و بدبینی نسبت به نظام اسلامی خواهد بود:

«فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ
حَوْلِكَ؛ پس به [برکت] رحمت الهی، با آنان نرمخو [و پُر مهر] شدی، و
اگر تند خو و سختدل بودی قطعاً از پیرامون تو پراکنده می شدند.»
(آل عمران: ۹۵۱)

امام امیرالمؤمنین سلام الله علیه خطاب به یکی از کارگزارانشان می فرماید:

«فَاخْفِضْ لَهُمْ جَنَاحَكَ، وَأَلِنْ لَهُمْ جَانِبَكَ، وَابْسُطْ لَهُمْ وَجْهَكَ، وَ
أَسِ بَيْنَهُمْ فِي اللَّحْظَةِ وَالنَّظَرَةِ، حَتَّى لَا يَظْمَعَ الْعُظْمَاءُ فِي حَيْفِكَ
لَهُمْ، وَلَا يَتَأَسَّ الضُّعَفَاءُ مِنْ عَدْلِكَ عَلَيْهِمْ؛ بالهای محبت و حمایت
را برای آنها بگستران و در برابر همه متواضع باش، چهره خویش
را برای آنها گشاده دار. مساوات را در میان آنها حتی در نگاه ها و
مشاهده با گوشه چشم رعایت نما، تا بزرگان و زورمندان کشور در
نقض عدالت به نفع آنها طمع نورزند و ضعفا از عدالت تو مأیوس
نشوند.» (نهج البلاغه؛ نامه ۷۲)

و در نامه به جناب مالک اشتر می فرماید:

«وَأَشْعِرْ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ، وَالْمَحَبَّةَ لَهُمْ، وَاللُّطْفَ بِهِمْ، وَلَا تَكُونَنَّ
عَلَيْهِمْ سَبْعًا ضَارِبًا تَغْتَنِمُ أَكْلَهُمْ، فَإِنَّهُمْ صِنْفَانِ: إِمَّا أَحَلَّكَ فِي الدِّينِ،
وَإِمَّا نَظِيرُكَ فِي الْخَلْقِ؛ و قلب خویش را کانون رحمت و محبت و
لطف به رعیت قرار ده و در مورد آنان همچون درنده ای مباش که
خوردنشان را غنیمت شماری، زیرا آنها دو گروهند یا برادر دینی
تواند و یا انسان هایی که در آفرینش شبیه تو هستند (در هر حال
باید حقوق آنها را محترم بشماری و بدان.)» (نهج البلاغه؛ نامه ۳۵)
آیت الله جوادی آملی در توضیحی پیرامون چگونگی نرمی و تواضع با مردم

خوبی برای شماست، خدا را (در همه گفتارش) تصدیق می‌کند و به مؤمنان اعتماد می‌ورزد و برای کسانی از شما که ایمان آورده‌اند رحمت است و کسانی که فرستاده خدا را آزار می‌دهند برای آنها عذابی دردناک خواهد بود.» (توبه / ۱۶)

امام امیرالمؤمنین سلام الله علیه در نامه معروفشان به جناب مالک اشتر می‌فرمایند:

«وَأَجْعَلْ لِّذَوِي الْحَاجَاتِ مِنْكَ قِسْمًا تَفْرَغَ لَهُمْ فِيهِ شَخْصًا، وَتَجْلِسَ لَهُمْ مَجْلِسًا عَامًّا فَتَتَوَاضَعَ فِيهِ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَكَ، وَتُقْعَدُ عَنْهُمْ جُنْدَكَ وَأَعْوَانَكَ مِنْ أَخْرَاسِكَ وَشُرْطِكَ؛ حَتَّى يَكْلِمَكَ مُتَكَلِّمُهُمْ غَيْرَ مُتَنَتِّعٍ، فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) يَقُولُ فِي غَيْرِ مَوْطِنٍ، لَنْ تَقْدَسَ أُمَّةٌ لَا يُؤْخَذُ لِلضَّعِيفِ فِيهَا حَقُّهُ مِنَ الْقَوِيِّ غَيْرَ مُتَنَتِّعٍ؛ برای کسانی که به تو نیاز دارند وقتی مقرر کن که شخصاً به نیاز آنها رسیدگی کنی و مجلسی عمومی و همگانی برای آنها تشکیل ده؛ در آن مجلس برای خدایی که تو را آفریده است تواضع کن و لشکریان و معاونان اعم از پاسداران و نیروی انتظامی را از آنها دور ساز تا هر کس بخواهد بتواند با صراحت و بدون ترس و لکنت زبان، سخن خود را با تو بگوید زیرا من بارها از رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) این سخن را شنیدم که می‌فرمود: «امتی که در آن حق ضعیف از زورمند با صراحت گرفته نشود هرگز روی قداست و پاکی را نخواهد دید.» (نهج البلاغه؛ نامه ۳۵)

دوری از مردم، عواقب جبران ناپذیری برای جامعه اسلامی به دنبال خواهد داشت. مهم‌ترین آنها، تغییر اولویت‌ها و عدم آگاهی از مشکلات واقعی مردم است. امیرالمؤمنین سلام الله علیه در بخش دیگری از نامه به مالک اشتر، دوری زمامداران از مردم را موجب تغییر اولویت‌های آنان در رسیدگی به مشکلات مردم می‌دانند:

«وَأَمَّا بَعْدُ فَلَا تَطْلُوكُنْ اخْتِجَابَكَ عَنْ رِعَايَتِكَ، فَإِنَّ اخْتِجَابَ الْوَلَاةِ عَنِ الرَّعِيَّةِ شُعْبَةٌ مِنَ الضِّيْقِ، وَقَلَّةٌ عِلْمٍ بِالْأُمُورِ؛ وَالْإِخْتِجَابُ مِنْهُمْ يَقْطَعُ عَنْهُمْ عِلْمَ مَا اخْتَجَبُوا دُونَهُ فَيَضَعُرُّ عَنْدهُمْ الْكَبِيرُ، وَيَعْظُمُ الصَّغِيرُ، وَيَقْبَحُ الْحَسَنُ، وَيَحْسُنُ الْقَبِيحُ وَيَسَابُ الْحَقُّ بِالْبَاطِلِ؛ واما بعد (از این

دستور) هیچ‌گاه خود را در زمانی طولانی از رعایا پنهان مدار، زیرا پنهان ماندن زمامداران از چشم رعایا موجب نوعی کم‌اطلاعی نسبت به امور (مردم و کشور) می‌شود و آنها را از آنچه نسبت به آن پنهان مانده‌اند بی‌خبر می‌سازد؛ در نتیجه مسائل بزرگ نزد آنان کوچک و امور کوچک در نظر آنها بزرگ می‌شود؛ کار خوب، زشت جلوه می‌کند و کار زشت، خوب؛ و حق و باطل با یکدیگر آمیخته می‌شود.» (نهج البلاغه؛ نامه ۳۵)

۵- احساس مسئولیت و دغدغه حل مشکلات مردم

«احساس مسئولیت» از ویژگی‌های مهم یک مسئول انقلابی و مردمی است. «احساس مسئولیت»، یعنی برای اصلاح دین و دنیای مردم دغدغه داشتن و همین دغدغه است که مسئول انقلابی را در عمل، وادار به تلاش مجاهدانه برای حل مشکلات مردم می‌کند. رهبر انقلاب اسلامی با اشاره تلویحی به عملکرد برخی مسئولین اجرائی کشور فرمودند: «اگر احساس مسئولیت در مسئولان بگونه‌ای بود که آنان همواره دغدغه‌ی کار و تلاش و هدف‌گرایی و مجاهدت داشتند، نشان می‌دهد آنان در خطوط اصلی حکومت اسلامی حرکت می‌کنند اما اگر برخلاف این بود باید بدانیم که از چارچوب‌های حکومت اسلامی خارج شده‌ایم.» (۵۹/۲۱/۱۲)

مسئول انقلابی باید همچون پیامبر اکرم صلی‌الله‌وعلیه‌وآله‌وسلم، برای اصلاح جامعه سر از پا نشناسد:

«فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ عَلَى آثَارِهِمْ إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا بِهَذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا؛ گویی می‌خواهی بخاطر اعمال آنان، خود را از غم و اندوه هلاک کنی اگر به این گفتار ایمان نیاورند!» (کهف/۶)

«لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ؛ گویی می‌خواهی جان خود را از شدت اندوه از دست دهی بخاطر اینکه آنها ایمان نمی‌آورند.» (شعراء/۳)

و همچون پیامبر صلی‌الله‌وعلیه‌وآله‌وسلم، از رنج‌های روحی و معیشتی مردم در رنج باشد:

«لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ؛ به یقین، رسولی از جنس خودتان بسوی‌تان آمد که رنج‌های شما بر او سخت است؛ و نسبت به هدایت شما حریص است؛ و نسبت به مؤمنان، رؤوف و مهربان است!» (توبه/۸۲۱)



«احساس

مسئولیت»، یعنی
برای اصلاح دین و
دنایای مردم دغدغه
داشتن و همین
دغدغه است که
مسئول انقلابی را
در عمل، وادار به
تلاش مجاهدانه
برای حل مشکلات
مردم می‌کند.

تحلیل و ارزیابی

۸۷

تیر ماه ۱۴۰۱
هیأت‌رئیس‌رسان اسلام

تأمل در این آیه شریفه نشان می‌دهد که راز دغدغه مند بودن چنین مسئولی (عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ)، همان «از جنس مردم بودن» اوست (رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ). به عبارت دیگر، تنها مسئولی نسبت به مردم جامعه‌اش احساس مسئولیت می‌کند که زندگی‌اش از جنس مردم باشد. بازندگی اشرافی، احساس مسئولیتی برانگیخته نمی‌شود.

انقلابیون مسئولیت‌پذیر، همواره آماده فداکاری و جهاد برای نظام اسلامی در همه عرصه‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی هستند. حضور در جبهه‌های جنگ، هجرت به مدینه، کمک کردن به مهاجران، کمک مالی به جبهه‌ها و انفاق به نیازمندان، جزء شاخصه‌های مسئولیت‌پذیری در صدر اسلام بود. خداوند در آیات متعدد قرآن از این افراد تجلیل می‌نماید:

«وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوْا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ؛ و آنها که ایمان آوردند و هجرت نمودند و جهاد در راه خدا کردند، و آنها که پناه دادند و یاری کردند، آنان مؤمنان حقیقی‌اند، برای آنها آمرزش (و رحمت خدا) و روزی شایسته‌ای است.» (انفال / ۴۷)

«الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْثَرُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ؛ و آنها که ایمان آوردند و هجرت کردند و با اموال و جانهایشان در راه خدا جهاد نمودند مقامشان نزد خدا برتر است و آنها به موهبت عظیم رسیده‌اند.» (توبه / ۲۰)

بی‌شک امروزه، علاوه بر جهاد با دشمنان خارجی، جهاد برای رفع مشکلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مردم نیز یکی از اصلی‌ترین شاخصه‌های مسئولیت‌پذیری مسئولان است.

۶- شرح صدر در برابر مردم

از آنجا که یک مدیر سیاسی بیش از همه در معرض ارتباط با مردم، اطرافیان، منتقدان و... است، بنابراین وجود این توان‌مندی روحی در او امری بسیار لازم و ضروری است. امام رضا (ع) در روایتی شریف می‌فرماید:

«إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا اخْتَارَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِأَمْرِ عِبَادِهِ شَرَحَ صَدْرَهُ لَذَلِكَ؛ به راستی چون خداوند بنده‌ای را برای اصلاح کاربندگان خود انتخاب کند،

به او شرح صدر عطا کند.» (عیون أخبار الرضا علیه السلام؛ ترجمه آقاجفی، ج ۱، ص ۳۶)
همچنین امیرالمؤمنین علیه السلام در روایتی نورانی - که پیش از این از قول رهبرانقلاب بیان شد - می‌فرماید:

«آلة الرئاسة سعة الصدر؛ سعة صدر ابزار ریاست است.» (نهج البلاغه؛ حکمت ۶۷۱)

و دولتمردی که از این ابزار بی بهره باشد، دولتش در معرض آسیب‌های جدی خواهد بود؛ چرا که به تعبیر یکی از شارحین نهج البلاغه:

«ریاست در معرض برخورد با پیشامدهای مهم و خطرات بزرگ و حالات مختلف تازه‌ای است. پس هرکس تاب تحمل این امور را نداشته و دارای سعه صدر نباشد، ناگزیر، در برابر آنها از یاد آید و آنچه با آن روبرو می‌شود بترسد و از چاره‌جویی ناتوان باشد، و این خود باعث نابودی دولت و زوال ریاست اوست.» (ترجمه و شرح نهج البلاغه ابن میثم بحرانی، ج ۵، ص ۲۷۵)
همچنین، حضرت در بیانی دیگر می‌فرماید:

«بالحلم تَكْتُمُ الْأَنْصَارُ؛ به وسیله بردباری، یاران انسان زیاد می‌شوند.» (میزان الحکمه؛ حدیث ۴۰۵۴)

در واقع «مفهوم مخالف» این سخن این است که با عدم بردباری، حامیان انسان از دور او پراکنده می‌شوند.

رهبرانقلاب در توصیه‌شان به دولتمردان می‌فرمایند:

«يك جمله‌ی دیگر هم در باب مدیریت عرض بکنیم. خوب، من گاهی اوقات گلایه‌هایی می‌شنوم که دوستان دولت از بعضی از دستگاه‌های دیگر دارند؛ خیلی اوقات هم حق با شماهاست... لیکن در عین حال که ممکن است يك موارد بیشتری را شما محق باشید، يك جاهائی هم ممکن است انتقاد وارد باشد؛ بنابراین انتقادپذیری را در خودتان نهادینه کنید. باید جوری باشد که مسئولین دولتی انتقادپذیری را در نفس خودشان پذیرا باشند. البته این کار، سخت هم هست، اما باید با سعه‌ی صدر برخورد کرد، که: «آلة الرئاسة سعة الصدر» (نهج البلاغه؛ حکمت ۶۷۱). البته ریاست به معنای آن بالانشینی‌ها نیست. اگر بخواهید مدیریت کنید، ناچارید سعه‌ی صدر داشته باشید و يك چیزهایی را تحمل کنید.» (۹۸/۶/۸)



مهمترین دغدغه
مسئولان دولت
اسلامی باید
رسیدگی به طبقه
مستضعفی باشد که
دستشان به جایی
نمی‌رسد.

شرح صدر در قرآن کریم

هرچند همه پیامبران الهی از ابزار شرح صدر برای رهبری جامعه برخوردار بودند، اما قرآن کریم در مورد دو پیامبر، به شکل خاص، به مسئله «شرح صدر» اشاره فرموده است: پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله وسلم و حضرت موسی؛ دو پیامبری که اتفاقاً - آنگونه که از برخی آیات قرآن نیز برمی آید - امتشان نیز از برخی جهات مانند آزار دادن و عدم اطاعت، شبیه و نزدیک به هم بودند. اولین دعای حضرت موسی از خداوند پس از مبعوث شدن به پیامبری، درخواست «شرح صدر» بود:

«قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي؛ گفت: پروردگارا، سینه‌ام را گشاده گردان.» (طه/۵۲)

و در مورد پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم نیز می‌فرماید:

«أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ؛ آیا ما به تو شرح صدر عطا نکردیم؟» (انشراح/۱)

۷- توجه و رسیدگی به طبقه محروم و مستضعف

مهمترین دغدغه مسئولان دولت اسلامی باید رسیدگی به طبقه مستضعفی باشد که دستشان به جایی نمی‌رسد:

«سپس خدا را خدا را در خصوص طبقات پایین و محروم جامعه، که هیچ چاره‌ای ندارند، [که عبارتند از زمین‌گیران، نیازمندان، گرفتاران، دردمندان. همانا در این طبقه محروم گروهی خویشتن داری کرده، و گروهی به گدایی دست نیاز بر می‌دارند... و تو مسئول رعایت آن می‌باشی. مبادا سرمستی حکومت تو را از رسیدگی به آنان باز دارد، که هرگز انجام کارهای فراوان و مهم، عذری برای ترك مسئولیت‌های کوچک‌تر نخواهد بود. همواره در فکر مشکلات آنان باش، و از آنان روی بر مگردان، به ویژه امور کسانی را از آنان بیشتر رسیدگی کن که از کوچکی به چشم نمی‌آیند و دیگران آنان را کوچک می‌شمارند و کمتر به تو دسترسی دارند. برای این گروه، از افراد مورد اطمینان خود که خدا ترس و فروتنند فردی را انتخاب کن، تا پیرامونشان تحقیق و مسائل آنان را به تو گزارش کنند... پس بخشی از وقت خود را به کسانی اختصاص ده که به تو نیاز دارند، تا شخصا به امور آنان رسیدگی کنی، و در مجلس

تحلیل و ارزیابی

عمومی با آنان بنشین و در برابر خدایی که تو را آفریده فروتن باش، و سربازان و یاران و نگهبانان خود را از سر راهشان دور کن تا سخنگوی آنان بدون اضطراب در سخن گفتن با تو گفتگو کند، من از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بارها شنیدم که می‌فرمود: «ملتّی که حق ناتوانان را از زورمندان، بی اضطراب و بهانه‌ای باز نستانند، رستگار نخواهد شد». پس درشتی و سخنان ناهموار آنان را بر خود هموار کن، و تنگ خویی و خود بزرگ بینی را از خود دور ساز تا خدا درهای رحمت خود را به روی تو بگشاید، و تو را پاداش اطاعت ببخشد، آنچه به مردم می‌بخشی بر تو گوارا باشد، و اگر چیزی را از کسی باز می‌داری با مهربانی و پوزش خواهی همراه باشد.» (نهج البلاغه / نامه ۳۵)

امام خمینی (ره) نیز در چند موضع وصیت نامه الهی - سیاسی خود به اهتمام مسئولین به رسیدگی به طبقه مستضعف سفارش کرده‌اند:

«و به مجلس و دولت و دست‌اندرکاران توصیه می‌نمایم که قدر این ملت را بدانید و در خدمتگزاری به آنان خصوصاً مستضعفان و محرومان و ستمدیدگان که نور چشمان ما و اولیای نعم همه هستند و جمهوری اسلامی رهاورد آنان و با فداکاریهای آنان تحقق پیدا کرد و بقای آن نیز مرهون خدمات آنان است، فروگذار نکنید و خود را از مردم و آنان را از خود بدانید.»

و در سخن دیگری می‌فرماید:

«و به همه در کوشش برای رفاه طبقات محروم وصیت می‌کنم که خیر دنیا و آخرت شماها رسیدگی به حال محرومان جامعه است که در طول تاریخ ستمشاهی و خان‌خانی در رنج و زحمت بوده‌اند. و چه نیکو است که طبقات تمکن دار به طور داوطلب برای زاغه و چپر نشینان مسکن و رفاه تهیه کنند. و مطمئن باشند که خیر دنیا و آخرت در آن است. و از انصاف به دور است که یکی بی‌خانمان و یکی دارای آپارتمان‌ها باشد.» (وصیت‌نامه الهی سیاسی امام خمینی (ره))

مقام معظم رهبری در توصیه به دولتمردان می‌فرماید:

«البته همه‌ی افراد ملت و جامعه را باید خدمت کرد؛ اما مراد عمدتاً طبقه‌ی محرومند که باید مورد توجه خاص برای خدمت قرار بگیرند؛ به دو دلیل: اولاً چون احتیاجشان بیشتر است و عدل این را اقتضا می‌کند؛ ثانیاً چون پشتیبانی

آنها از نظام، جدی‌تر و همیشگی‌تر است و از اول این‌طور بوده است. در جبهه‌ها چه کسانی بودند؟ نسبتها را ملاحظه بکنید؛ خیلی از این پول‌داران، از این مرفهان جامعه، از این بی‌دردها و بی‌احساس‌ها، هشت سال جنگ آمد و رفت، اما این‌ها جنگ را حس نکردند؛ همان غذا، همان راحتی و همان آرامش! اگر چهار روز هم آن شهر مورد تهاجمی بود، سوار ماشینشان می‌شدند و به يك جای دیگر می‌رفتند و راحت استراحت می‌کردند؛ نفهمیدند که بر سر این مملکت چه گذشت! این‌ها آن مردمی نیستند که دولت و دستگاه‌ها باید برای خدمت به آن‌ها خودگشان کنند. نه، آن‌کس که جنگ و بمباران و محاصره‌ی اقتصادی و کم‌آبی و کم‌برقی و گرانی و سایر مشکلات را با همه‌ی وجود در این ده، دوازده سال احساس کرده، در درجه‌ی اول او باید مورد توجه باشد. مردم که می‌گوییم، یعنی این‌ها؛ همان عامه‌یی که امیر المؤمنین (سلام الله علیه) در آن فرمان تاریخی شان به مالک اشتر فرمودند که «عامه» را داشته باش، «خاصه» را رها کن. عامه، یعنی همان‌هایی که در جنگ با تو هستند، در مشکلات با تو هستند، سختی‌ها را با تو تقسیم می‌کنند، غم تو را از دلت می‌زدایند، خودشان را سپر بلای تو قرار می‌دهند و صادقند؛ نه عافیت طلب‌های پُروزی پُرخور پُرخواهی که هیچ‌وقت هم قانع نمی‌شوند. تا وقتی که خیری به آن‌ها برسد، تو را می‌خواهند؛ به مجرد اینکه ذره‌یی کم شود، رویشان را برمی‌گردانند.» (۵/۳۲/۰۷)

ب) ویژگی‌های دولت غیر مردمی غیر انقلابی

۱- مسئولیت ناپذیری و تنبلی

از سوی دیگر باید گفت از آیات متعدد قرآن کریم برداشت می‌شود که یکی از شاخصه‌های اصلی جریان غیر مردمی غیر انقلابی، که به دو گروه عمده «بیماردلان» و «منافقان» تقسیم می‌شوند، مسئولیت ناپذیری و بی‌تفاوتی در برابر مشکلات مردم و نظام اسلامی و فرار از اجرای دستورات ولی مسلمین است. خداوند متعال در برخی آیات قرآن، از کسانی که با تنبلی، کسالت، بی‌حوصلی و کراحت، از زیر بار مسئولیت‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی

شان شانه خالی می‌کنند، با تعبیر «قاعدین» (نشستگان بر جای خود) و مشتقات آن، توصیف نموده است.

نمونه‌ای از این بی‌مسئولیتی و بی‌تفاوتی و تنبلی و راحت طلبی، در دوره خلافت خلیفه سوم رخ داد؛ که حتی در دوره خلفای پیش از او هم نظیر نداشت و موجب شورش سراسری مردم علیه او شد که به تعبیر امیرالمؤمنین علیه السلام:

«إِلَى أَنْ ائْتَكَّتْ عَلَيْهِ قَتْلُهُ وَأَجْهَرَ عَلَيْهِ عَمَلُهُ وَكَبَتْ بِهِ بَطْنَتُهُ؛ تا وضع

بگونه‌ای شد که آنچه رشته بود از هم گسست و عملکردش کار او را ساخت

و شکمبارگیش او را بر زمین کوبید.» (نهج البلاغه؛ خطبه ۳)

بی‌مسئولیتی جریان غیرانقلابی در عرصه‌های مختلفی بروز می‌یابد که در ادامه به تفکیک بررسی خواهند شد.

۲- مسئولیت ناپذیری در مسائل فرهنگی

جریان غیرانقلابی در مسائل فرهنگی مسئولیت ناپذیر است و برای حاکمیت فرهنگ اسلام ناب در جامعه تلاشی نمی‌کند. قرآن کریم درباره مؤمنینی که مؤید به نصرت الهی هستند می‌فرماید:

«الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ

الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ؛ باران خدا کسانی هستند که هرگاه در زمین به آنها قدرت

بخشیدیم نماز را بر پامی دارند و زکات را ادا می‌کنند و امر به معروف و نهی از منکر

می‌نمایند و پایان همه کارها از آن خدا است.» (حج/۱۴)

منظور از «اقامه نماز» در این آیه شریفه و بسیاری از آیات سیاسی-اجتماعی دیگر قرآن، «برپا داشتن نماز در جامعه» است. (تفسیر تسنیم؛ ج ۴، ص ۱۱۵) بنابراین معنای این آیه شریفه این است که زمانی که مؤمنین انقلابی به حکومت می‌رسند، اولین هدف و سیاستگذاری آنان، تلاش برای برپایی نماز در جامعه است. و طبیعتاً رسیدن به این هدف والا، نیازمند اجرای سیاست‌های فرهنگی متعددی مبتنی بر مبانی اسلام ناب است.

از سوی دیگر، خداوند متعال در توصیف افراد غیرانقلابی می‌فرماید:

«وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالً؛ (منافقان) چون بخواهند نماز را اقامه

کنند، با کسالت اقامه می‌کنند.» (نساء: ۲۴۱)

در این آیه شریفه، برخلاف آیه پیشین، بجای بکار بردن مصدر «اقامه» (ثلاثی مزید باب

افعال)، از مصدر «قیام» (ثلاثی مجرد ماده «قام») استفاده شده است. آیت الله جوادی آملی در توضیح این مطلب می فرماید:

«آن جاکه در مقام مذمت است تعبیر به «قیام» می شود: «وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالً» (سوره نساء، آیه ۲۴۱)، نه «اقامه»؛ یعنی منافقان و بیمار دلان به سوی نماز می ایستند، نه آنکه بخواهند نماز را برپا دارند و چون قیام آنان با کاهلی و سستی همراه است، خود قدرت ایستادن ندارد، چه رسد به اینکه بخواهند یا بتوانند عامل ایستادگی نماز شوند.»

به عبارت دیگر، منافقان همانگونه به دلیل کفر و بی ایمانی فردی و شخصی، انگیزه ای برای ایستادن و خواندن نماز ندارند، به طریق اولی، اگر به مسئولیتی هم برسند، انگیزه ای برای برپایی نماز در جامعه نخواهند داشت و اصولاً سیاست گذاری های فرهنگی شان منجر به «اقامه نماز در جامعه» نخواهد شد؛ چراکه در این زمینه هیچ احساس مسئولیتی نمی کنند.

۳- مسئولیت ناپذیری در مسائل اقتصادی

برخی آیات قرآن نیز به مسئولیت ناپذیری جریان غیرانقلابی در مسائل اقتصادی اشاره دارد:

«فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ خِلَافَ رَسُولِ اللَّهِ وَكَرِهُوا أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛ تَخَلَّفَ جُويَان (از جنگ تبوك)، از مخالفت با رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم خوشحال شدند؛ و کراهت داشتند که با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد کنند.» (توبه/۱۸)

مسئولان غیرانقلابی حتی گاه، با فرار عامدانه از انجام مسئولیت های اقتصادی شان، در پی دلسرد کردن مردم از نظام اسلامی هستند:

«هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَى مَنْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّى يَنْفَضُوا؛ آنها (منافقان) کسانی هستند که می گویند: به افرادی که نزد رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم هستند انفاق نکنید تا (از اطراف او) پراکنده شوند.» (منافقون/۷)

۴- مسئولیت ناپذیری در مسائل سیاسی

آیات متعددی نیز مسئولیت ناپذیری این افراد در مسائل سیاسی را بیان

می نماید. شرکت در جنگ با دشمنان، بالاترین مسئولیت سیاسی بود که پیامبر صلی الله و علیه وآله وسلم همه مؤمنین غیرمعدور را به آن دستور داده بود. در برخی آیات، کندی آنان از شرکت در جنگ مورد سرزنش قرار گرفته است:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ افْعَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَتَأْتَلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ؛ أَي كَسَانِي كِه اِيْمَان آورده ايد، شما را چه شده است كه چون به شما گفته مي شود: «در راه خدا بسيج شويد»، كُندی به خرج مي دهيد؟ آيا به جاي آخرت به زندگي دنيا دل خوش كرده ايد؟ متاع زندگي دنيا در برابر آخرت، جز اندكي نيست.» (توبه/ ۸۳)

و در آیاتی دیگر، درخواست آنان از پیامبر صلی الله و علیه وآله وسلم برای فرار از مسئولیت شرکت در جنگ، نکوهش شده است:

«إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ وَهُمْ أَغْنِيَاءُ رِضْوَانًا يَكُونُوا مَعَ الْخَوَالِفِ وَطَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ؛ راه مؤاخذه تنها به روی کسانی باز است كه (برای عدم حضور در جهاد) از توا اجازه مي خواهند در حالی كه بی نیازند (و امکانات كافی دارند) آنها راضی شدند كه با متخلفان بمانند، و خداوند بر دلهایشان مهر نهاده لذا چیزی نمی دانند.» (توبه/ ۳۹)

و در آیاتی دیگر، نسبت به فرار آنان از میدان جنگ با دشمن هشدار داده شده است؛ (انفال/ ۱۵-۱۶) چرا كه گاه فرار از مسئولیت، خسارات جبران ناپذیری برای نظام اسلامی در پی دارد؛ همچنانكه شكست در جنگ احد نتیجه همین مسئولیت ناپذیری برخی از یاران پیامبر صلی الله و علیه وآله وسلم بود:

«إِذْ تَضَعُونَ وَلَا تَلْوُونَ عَلَى أَحَدٍ وَالرَّسُولُ يَدْعُوكُمْ فِي أُخْرَاكُمْ فَأَتَابَكُمْ عَمَّا بَغِمَ؛ (به خاطر بیاورید) هنگامی كه (در حال فرار) از كوه بالا می رفتید و به هیچ كس نگاه نمی كردید، و پیامبر صلی الله و علیه وآله وسلم از پشت سر شما را صدامی زد، پس (به سزای این كارتان) اندوه ها یکی پس از دیگری به سوی شما روی آورد.» (آل عمران/ ۳۵۱)

«هجرت»، مسئولیت سیاسی دیگری بود كه خدا و پیامبر صلی الله و علیه وآله وسلم از مسلمانان ساكن مكّه خواسته بودند و مسلمانان غیرانقلابی از انجام آن شانه خالی می كردند. این افراد نیز در برخی قرآن کریم مورد سرزنش قرار گرفتند:

«وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يُلَاحِظُوا مَا لَكُمْ مِنْ وَلَايَتِهِمْ مِنْ شَيْءٍ حَتَّى يُبَاجِرُوا وَإِنْ اسْتَنْصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمْ النَّصْرُ؛ وَآنها که ایمان آوردند و مهاجرت نکردند هیچگونه ولایت (و تعهد و مسئولیت) در برابر آن ها نداری تا هجرت کنند و (تنها) اگر از شما در (حفظ) دین (خود) یاری طلبند بر شما است که آنها را یاری کنید.» (انفال / ۲۷)

۵- مسئولیت ناپذیری در سیاستگذاری ها و تقلید از مبانی غیرالهی

یکی دیگر از عرصه های مسئولیت پذیری دولتمردان، عرصه تدوین سیاست های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، نظامی و... مبتنی بر مبانی وحیانی و عقلانی اسلام ناب انقلابی است. خداوند در ابتدای سوره مبارکه احزاب، پس از توصیه به پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم، که مسئولیت اداره جامعه اسلامی را بر عهده دارد، به عدم اطاعت از کفار و منافقان، می فرماید:

«وَاتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا؛ و از آنچه از سوی پروردگارت به تو وحی می شود پیروی نما که خداوند به آنچه انجام می دهد آگاه است.» (احزاب / ۲)

این در حالیست که جریان غیرانقلابی برای انجام این مسئولیت مهم و خطیر، هیچ تلاشی نمی کند و تنها از سیاست های تدوین شده بیگانگان تقلید می کند و خود را ملزم به اطاعت از آن می داند. سیاست هایی که مبتنی بر مبانی غیر الهی تدوین شده است:

«ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لِلَّذِينَ كَرِهُوا مَا نَزَّلَ اللَّهُ سَنُطِيعُكُمْ فِي بَعْضِ الْأَمْرِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِسْرَارَهُمْ؛ این بخاطر آن است که آنها به کسانی که از نزول وحی الهی کراهت داشتند گفتند ما در بعضی از امور از شما پیروی می کنیم، در حالی که خداوند اسرار آنها را می داند.» (محمد / ۶۲)

این آیه شریفه، حال «بیماردلان» را توصیف می نماید و منظور از «کسانی که از نزول وحی الهی کراهت داشتند» نیز کفار و دشمنان اسلام و انقلاب اسلامی پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم هستند. به نظر می رسد بکار رفتن تعبیر «الَّذِينَ كَرِهُوا مَا نَزَّلَ اللَّهُ» بجای مثلاً «الذين كفروا»، تأکید بر بیان مبانی معرفتی غیر الهی دشمنان اسلام است که بیماردلان غیر انقلابی خود را ملزم به تبعیت از آن مبانی و سیاست ها می دانند. (در اینجا به نظر می رسد علت اینکه این

بیماردلان، اطاعت از سیاست‌های دشمنان را مقید به «بَعْضِ الْأَمْرِ» کردند، حضور آنان در جامعه اسلامی انقلابی تحت ولایت رهبری الهی است. وگرنه، اگر جامعه اسلامی، جامعه‌ای انقلابی و رهبر آن رهبر انقلابی نباشد، آنان در «همه‌امور» از سیاست‌های دشمنان تبعیت می‌کردند نه در «بعضی امور». به همین دلیل است که در آیات قبل از همین آیه شریفه و در آیات دیگر، منافقان و بیماردلان، از سوی خداوند مورد توبیخ قرار گرفته‌اند که چرا در قرآن تدبیر نمی‌کنند و سیاست‌هایشان را از مبانی قرآنی اخذ نمی‌نمایند؟ قرآنی که برخلاف نسخه‌های بشری غیر الهی، هیچ اختلاف و تناقضی در مبانی آن یافت نمی‌شود:

«أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا؛ چرا (این بیماردلان) در قرآن تدبیر نمی‌کنند؟ آیا بر دل‌هایشان قفل نهاده شده است.» (محمد/۴۲)

«أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا؛ چرا (این منافقان) در قرآن نمی‌اندیشند؟ با اینکه اگر از ناحیه غیر خدا بود اختلافات فراوانی در آن می‌یافتند.» (نساء/۲۸)